

برنامه
ارتباط با خدا

ماه مبارک رمضان

و فلسفه روزه
از

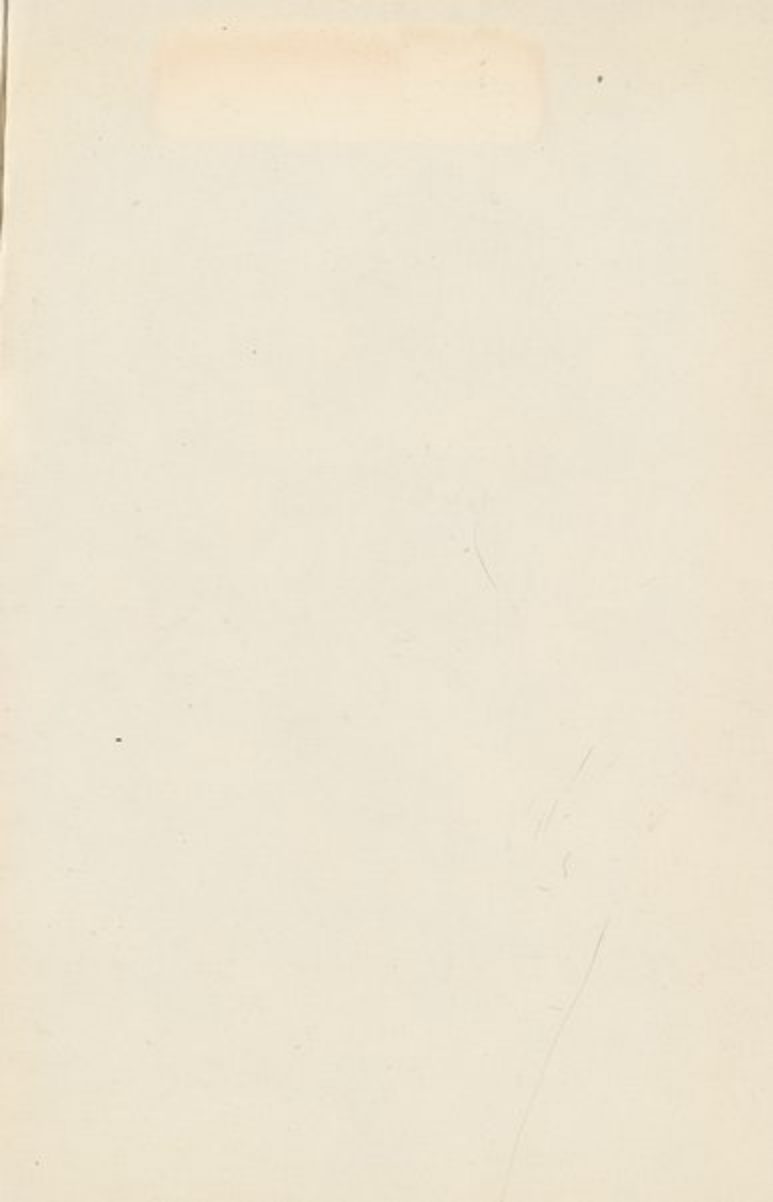
علامه شهیر مولی محمد حسن فیض کاشانی

ترجمه از دکتر اسد الله صاحب

Princeton University Library



32101 073552323



Fayd al-Kāshī, Muḥammad

برنامه

ارتباط با خدا

در

ماه مبارک رمضان

و

فلسفه روزه

از

علامه شهیر مولی محمد محسن فیض کاشانی

ترجمه از دکتر اسدالله ناصح

2269

·3546

·314



کانون انتشارات محمدی

تهران - خیابان شاه آباد

تلفن ۳۱۸۶۳۵

چاپ حروفی از چاپ درخشان
چاپ متن دعاها از چاپ مهتاب

فهرست مندرجات

۶	مقدمه مترجم
۹	مقدمه نویسنده و فلسفه روزه
۱۸	باب اول : در شروط و واجبات و مکروهات
۲۹	باب دوم : اسرار روزه و شروط باطنی آن
۴۴	باب سوم : روزه اختیاری
	دعای هنگام فرارسیدن ماه مبارک
۶۱	از امام زین العابدین (ع)

4-15-74
1985

دعاهای روزه‌های ماه مبارک رمضان

۷۵	دعای روز اول
۷۶	« « دوم
۷۶	« « سوم

۷۷

۷۷

۷۸

۷۹

۷۹

۸۰

۸۰

۸۱

۸۱

۸۲

۸۳

۸۳

۸۴

۸۴

۸۵

۸۵

۸۶

۸۶

دعای روز چهارم

پنجم « «

ششم « «

هفتم « «

هشتم « «

نهم « «

دهم « «

یازدهم « «

دوازدهم « «

سیزدهم « «

چهاردهم « «

پانزدهم « «

شانزدهم « «

هفدهم « «

هیجدهم « «

نوزدهم « «

بیستم « «

بیست و یکم « «

- ۸۷ دعای روز بیست و دوم
- ۸۸ « « بیست و سوم
- ۸۸ « « بیست و چهارم
- ۸۹ « « بیست و پنجم
- ۸۹ « « بیست و ششم
- ۸۹ « « بیست و هفتم
- ۹۰ « « بیست و هشتم
- ۹۱ « « بیست و نهم
- ۹۱ « « سی ام
- ۹۲ دعای بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان
- ۹۴ دعای شبهای ماه مبارک رمضان
- ۹۵ دعای افتتاح از ولی عصر (عج) امام زمان (ع)
- دعای اللهم انی استئک من بهائک منسوب به
- ۱۱۶ امام محمد باقر (ع)
- دعای ابو حمزه ثمالی منسوب بحضرت امام
- زین العابدین (ع)
- ۱۲۴
- ۱۹۲ دعای یا مفرعی عند کربتی مخصوص سحر
- ۱۹۴ دعای دیگر برای سحرهای ماه مبارک

۱۹۶	دعای شبهای قدر
۱۹۷	دعاهای شبهای احیاء مخصوص قرآن بر سر گذاردن
۱۹۹	دعای مخصوص شبهای قدر
۲۰۱	اعمال شب نوزدهم
۲۰۴	اعمال شب بیست و یکم
۲۰۷	اعمال روز بیست و یکم
۲۰۷	اعمال شب بیست و سوم
۲۱۰	دعای وداع ماه مبارک از امام زین العابدین (ع)
۲۳۷	نماز عید فطر و دعای قنوت آن
۲۴۰	زیارت وارث

از همین مترجم

راهی روشن

در

جهانی تاریک

تألیف : محمد محسن فیض کاشانی

نماز «راهی روشن در جهان تاریک» است با فهم «نماز»
 دین را استوار بداریم و بر آن بلندپرشکوه به «حبل الله المتین»
 چنگ بیفکنیم ، تا از این ظلمت راهی به نور بکشائیم .

با جلد شمیز ۸۰ ریال

با جلد طلاکوب ۱۰۰ ریال

} ارزش

بسمه تعالی

خواننده گرامی - در تیر ماه سال ۱۳۴۷ ترجمه
اسرار الصلوة از کتاب (محجة البیضاء فی احیاء الاحیاء) تصنیف
علامه شهیر مولی محمد محسن فیض کاشانی اعلی الله مقامه
را که در حدود سیصد سال قبل در تہذیب کتاب احیاء العلوم
ابو حامد محمد بن محمد الغزالی الطوسی قدس الله سره
نوشته است بنام « راهی روشن در جهانی تاریخ » بجامعہ
اسلامی تقدیم گردید، اکنون خداوند را سپاس گذارم کہ
توفیق مرحمت فرمود تا ترجمہ اسرار الصیام از همان کتاب
را (محجة البیضاء فی احیاء الاحیاء) بحضور آنان کہ خواهان
فضیلت و جویای حق و حقیقت هستند تقدیم دارم.

امیدوارم مطالعه این کتاب و ادعیہ ضمیمہ آن
در ماه مبارک رمضان کہ اختصاص بدعا و راز و نیاز با
پروردگار دارد سودمند باشد و بہ انجام این دستورات در
دنیا و آخرت کامروا گردند. زیرا انسان میتواند و استعداد
دارد در پرتو خداشناسی و تزکیہ نفس از پستترین مقام
حیوانی کہ درندگی و خونخواری و سنگدلی و بیرحمی
باشد ببالاترین درجہ انسانی کہ نوع دوستی و رحم و شفقت و

عظوفت و مهربانی بهم نوعان باشد برسد و از آرزو و حرص
بیجا که منجر بتجاوز بحقوق دیگران میشود و در نتیجه
خودش و دیگران را بناراحتی میکشاند چشم بپوشد و در
راه رفع نیازمندیها و گرفتاریها و پریشانیهای دیگران که
باعث راحتی خودش و دیگران میشود بکوشد چنانچه امام
چهارم در دعای دخول ماه رمضان چنین درخواست میکند:
«بارخدا یا در این ماه بماتو فیک عنایت کن که بدستورات
تو مخصوصاً در باره نماز به بهترین وجهی اقدام نمائیم و
خویشاوندان خود را به نیکی و نیکوئی نوازش کنیم و وظیفه
خود را نسبت به همسایگان از راه بذل و بخشش انجام دهیم
و اموال خود را از غش خالص کنیم و بدادن زکوة آنرا
پاکیزه سازیم و بآنکس که از ما دوری گزیده بپیوندیم و با
آنکس که بر ما ستم کرده انصاف بدهیم و در باره آنکس که
با ما بدشمنی برخواسته بمسالمت رفتار کنیم و بواسطه
انجام کارهای نیک بارگناهان را سبک کرده و بدر گاهت تقرب
جوئیم».

بنابر این آنکس که خواهان سعادت و نیکبختی است
باید در بندگی خدا و رفاه و آسایش دیگران بکوشد و این
راز شگرف در دستورات اسلام نهفته است و بس

دکتر اسدالله ناصح

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حمد و سپاس خداوندی راسخ است که بزرگ منتهی
بربندگانش گذاشته است باینکه کید و مکر شیطان را از
ایشان دفع کرده و آرزو و امیدش را از بین برده است، زیرا
روزه را پناهگاه و سپر اولیائش قرار داده و درهای بهشت را
برایشان گشوده و بآنها فهمانده که شیطان بوسیله شهوات بقلوب
آنها راه مییابد و بریشه کن کردن شهوات نفوس مطمئنه
قدرت پیدا میکنند که دشمنش (شیطان) را سرکوب و
منکوب نمایند .

و درود فراوان بر محمد (ص) پیشوای حق و آورنده
شریعت و اولاد معصومین و اصحاب دانشمندان اوباد .

اما بعد بد رستیکه روزه ربع ایمان است بمقتضای
قول پیغمبر (ص) که فرمود روزه نصف صبر است و صبر
نصف ایمان .

سپس روزه از سایر ارکان متمایز است بخاصیت
نسبت بخداوند، زیرا پیغمبر (ص) از جانب خداوند فرمود
هر حسنه بده برابر تا هفتصد برابر و مضاعف آن پاداش
داده میشود ، مگر روزه که برای من است و من روزه را
مزد میدهم و همچنین فرموده است (انما یوفی الصابرون
اجرهم بغير حساب) (همانا پاداش صبر کنندگان بغير
حساب داده میشود) و روزه هم نصف صبر است پس ثواب
واجب روزه از اندازه و حساب خارج است و برای تو کافی
است در فضیلت روزه قول پیغمبر (ص) که فرمود قسم
بخداوندی که جان من در دست او است بوی دهان روزه
دار نزد خداوند از بوی مشک بهتر است .

خداوند میفرماید روزه دار صرف نظر میکند از شهوت
و طعام و شرابش بخاطر من پس روزه برای من است و من
پاداش میدهم بآن، و پیغمبر فرمود برای بهشت دریست که
ریان نام دارد و داخل نمیشود از آن در مگر روزه داران
و او وعده داده شده است برای جزاء روزه اش بقاء پروردگار،

زیرا پیغمبر (ص) فرمود: برای روزه دارد و خوشحالی است: یکی وقت افطار و دیگری در ملاقات پروردگار.

پیغمبر (ص) فرمود برای هر چیزی دریست و در عبادت روزه است و فرمود خواب روزه دار عبادت است. میگوییم از طریق خاصه در کتاب فقیه از ابو جعفر (ع) (امام پنجم) روایت شده است که فرمود اسلام بر پنج چیز بنا شده است: بر نماز و زکوة و حج و روزه و ولایت و پیغمبر (ص) فرمود روزه سپر است از آتش و پیغمبر (ص) فرمود روزه دار در حال عبادت است هر چند در رختخوابش خوابیده باشد مادام که غیبت مسلمانی را نکند. و پیغمبر (ص) فرمود که خداوند فرموده است روزه برای من است و من بآن جزا میدهم و برای روزه دار دوشادی میباشد یکی در وقت افطار و دیگری در وقت ملاقات خداوند عزوجل. و قسم بخداوندیکه جان محمد (ص) در دست اوست بوی دهان روزه دار نزد خداوند بهتر است از بوی مشک. و پیغمبر (ص) با صحابش فرمود آیا خبر ندهم شما را بچیزی که اگر بجا بیاورید شیطان از شما دور شود همانطور که مشرق از مغرب دور است. عرض کردند بفرمائید.

فرمود : روزه روی شیطان را سیاه میکند و صدقه پشتش را میشکند و دوستی در راه خدا و کمک بدیگران بر عمل صالح دنباله اش را قطع میکند و توبه و استغفار رگ حیاتش را می برد و برای هر چیزی زکوتی میباشد و زکوة بدنها روزه است و فرمود بدرستیکه خداوند موکل کرده است ملائکه را که برای روزه داران دعا کنند و فرمود جبرئیل مرا خبر داد از خداوند تبارک و تعالی که فرمود امر نکرده ام ملائکه ام را برای دعاء احدی از بندگانم مگر آنکه دعای ایشان را در باره او اجابت نمایم .

حضرت صادق (ع) فرمود در تفسیر قول خداوند تبارک و تعالی (استعینوا بالصبر والصلوة) مقصود از صبر روزه است و فرمود هر گاه برای شخصی مصیبتی یا شدتی پیش آید روزه بگیرد . بدرستیکه خداوند میفرماید کومک بگیرید بصبر (روزه) و نماز . و فرمود کسیکه روزه بگیرد برای خدا یکروز در شدت گرما پس تشنه شود خدا موکل کند هزار ملک را که صورتش را مسح کنند و مرده دهند او را تا وقتی که افطار کند .

خدا فرموده است (ما اطیب ریحک و روحک)

(چقدر بوی تو پاکیزه و خوش آیند است) .

ای ملائکه من شاهد باشید من آمرزیدم او را .
و حضرت علی (ع) فرمود خواب قیلوله بجا آورید زیرا
خداوند غذا میدهد روزه دار را و سیرآب میکند او را
در خوابش .

حضرت صادق (ع) فرمود خواب روزه دار عبادت
است و خاموش بودنش تسبیح و عملش مورد قبول و
دعایش مستجاب و بزرگترین پاداش روزه برای روزه‌ماه
مبارک رمضان است .

از پیغمبر (ص) نقل شده است کسیکه ماه رمضان
را از روی ایمان و برای خدا روزه بگیرد و گوش و چشم
و زبانش را از مردم نگاهدارد خدا روزه‌اش را قبول کند
و گناه گذشته و آینده‌اش را بیامرزد و پاداش صابرين باو
عطا نماید .

و در روایت صحیح از حضرت صادق (ع) روایت
شده است که از پیغمبر (ص) از شب قدر سؤال کردند ایستاد
و خطبه خواند و بعد از ثناء بر خداوند فرمود: اما بعد درستی که
شما از شب قدر از من سؤال کردید و من آنرا از شما پنهان
نمیکنم زیرا من عالم بآن نیستم .

بدانید ای مردم کسیکه ماه رمضان را درك گند و صحیح و سالم باشد پس روزش را روزه بگیرد و قسمتی از شبش را بعبادت قیام نماید و مواظبت کند بر نمازش و در نماز جمعه اش شرکت نماید و بشتابد برای عیدش بتحقیق که درك کرده است شب قدر را ورستگار شده است بجائزه پروردگار .

حضرت صادق (ع) فرمود بخدا قسم رستگار شده است بجوائزی که مثل جوائز بندگان نیست و در روایت صحیح از حضرت صادق (ع) نقل شده است که فرمود بدرستی که خداوند روزه را واجب کرده است تا غنی و فقیر را مساوی نماید برای آنکه تا اغنیاً طعم گرسنگی را نچشند بر فقرا رحم نمیکنند زیرا اغنیاً هر چه را بخواهند برای آنها آماده است، پس خداوند خواسته است بین خلقش مساوات برقرار کند و اغنیاء گرسنگی ببینند و الا برضعیف و گرسنه رحم نمیکنند و گفته است اگر در روزه هیچ سودی غیر از ارتقاء از مقام پست حیوانی به بلندترین درجه انسانی که تشبه به ملائکه است نباشد همین فضل و منقبت برای آن کافی است .

ابو حامد گفته است: بدرستی که روزه برای خداست و چون نسبت بخدا پیدا کرده است اهمیت و تشریف یافته است

با آنکه تمام عبادات برای خداست همانطور که خانه گعبه چون باو نسبت پیدا کرده تشریف یافته است و حال آنکه تمام زمین مال خداست بدو معنی : اول آنکه روزه خود-داری و ترك است و این كار فی نفسه جزو اسرار است و در آن عملی نیست که دیده شود در صورتیکه جمیع طاعات و عبادات در دیدگاه خالق انجام مییابد و روزه را جز خداوند تبارك و تعالی کسی نمیداند پس بصرف صبر عملی است باطنی .

دوم - روزه سرکوبی دشمن خداست زیرا وسیله شیطان برای منحرف کردن بندگان شهوات است و شهوات هم بخوردن و آشامیدن تقویت میشود .

برای این است که پیغمبر (ص) فرمود بسدرستیکه شیطان جریان دارد در فرزند آدم مانند جریان خون در عروق پس مجاری را بگرسنگی تنگ کنید .

(فواید گرسنگی را در کتاب دیگر ذکر خواهیم کرد) .

لذا وقتیکه روزه بخصوص برای نابود کردن شیطان و سد راه او باشد و مجساری او را تنگ کند استحقاق دارد که نسبت بخداوند تخصیص یابد زیرا در ریشه کن

کردن دشمن خدایاری خداست و هر گاه بنده ای خدایاری کند خداوند نیز بنده را یاری مینماید زیرا فرموده است: (ان تنصر والله ينصرکم و یثبت اقدامکم) (اگر خدا را یاری کنید خدا شما را یاری میکند و قدمهای شما را ثابت نگاه میدارد).

بنابر این دعا و کوشش از بنده است و پاداش بر اهنمائی از طرف خداست .
برای این خداوند فرموده است .

والذین جاهدوا فینا لنهدهم سبلنا (مردمانیکه در راه خدا شناسی کوشش نمایند ما هم راههای رستگاری را بآنها نشان میدهیم).

و فرمود : ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یرغروا اما بانفسهم (خداوند سر نوشت قومی را تغییر نمیدهد مادامی که آنها در خود تغییر ندهند) و همانا تغییر بشکستن و از بین بردن شهوات حاصل میشود که مرتع و چراگاه شیطان است پس هر گاه چراگاه او آباد باشد رفت و آمد او قطع نمیشود و تا وقتیکه در میان قومی شیطان راه داشته باشد برای بنده جلال خدا مکشوف نمیگردد و از لقاء پروردگزار محجوب و محروم است، پیغمبر (ص) فرمود اگر شیاطین گرد

دل اولاد آدم نمیگشتند آدمیزادگان به لکوت آسمان
می نگرستند و راه می یافتند .

پس از این جهت روزه باب عبادت و سپر از آتش
گردیده است و هرگاه فضیلت روزه تا این حد زیاد است
ناچاریم از بیان شروط و ذکر ارکان و آداب و سنن ظاهره
و باطنه اش و اینها را در سه باب بیان میکنیم .

باب اول

در شروط و واجبات و مکروهات و آداب ظاهری و چیزهائی که روزه را فاسد میکند. و فیض علیه الرحمه گوید ما بر طریقه و دستور اهل بیت (ع) اینها را بیان میکنیم .

شروط : روزه واجب است بر هر مکلفی که از حیض و نفاس پاک بوده و سالم باشد یعنی مرضی که روزه برایش ضرر داشته باشد نداشته باشد و مقیم یا در حکم مقیم باشد و صحیح نیست بدون این شروط مگر از خوابیده و مغمی علیه (بیهوش) و دیوانه در صورتیکه قبل از این عوارض نیت کرده باشند. و در صحت روزه کuduk ممیز خلاف است مگر در خوابیده که خلافی نیست .

و اما روزه حائض و نفساء و بیماری که روزه برایش
مضر است صحیح نیست بدون خلاف. و اما مسافر روزه ماه
رمضان و هر روزه واجبیه غیر از رمضان از او صحیح نیست
بدون خلاف مگر سه روز بدل از هدی و هیجده روز بدل
از بدنه برای کسیکه عمداً قبل از غروب از عرفات حرکت
کرده باشد و روزه نذری که در آن شرط سفر یا حضر
کرده باشد که هر گاه نذر حضر را بخواهد در سفر انجام دهد
محل اشکال است و احوط آنست که چنین نذری ننماید و
در روزه مستحب اقوال مختلفی است که قول سوم آن
کراهت است و در اصح این سه قول منع کرده اند که روزه
مستحبی را در سفر بگیرد مگر سه روز هر گاه برای حاجتی
بخواهد در روزه پیغمبر (ص) روزه بگیرد. و مجزی نیست
روزه از اشخاصی که قبلاً آنها را معذور دانستیم مگر
مسافر، هر گاه جاهل بحکم باشد، و حائض و نفساء و همچنین
مریض و مسافر باید قضای آنها بگیرند و اگر مریض و
مسافر قبل از زوال عذر آنها از بین رفت واجب است بر آنها
که روزه بگیرند بخلاف حائض و نفساء و اگر شخص در
بین روز مریض شد باید افطار کند و لو نزدیک غروب باشد
مانند حائض و نفساء که آنها نیز باید روزه را بخورند و اما

مسافر رأی اصح آنست که اگر قبل از ظهر بسفر برود روزه را بخورد و اگر بعد از ظهر برود روزه را نگاهدارد چنانچه در صحاح مستفیضه است و قولهای دیگری هم در این باب هست. زنی که وضع حملش نزدیک است و زن شیردهی که کم شیر باشد اگر گمان ضرری برای آنها یا بفرزند آنها برود باید افطار کنند و برای هر روز يك مد تصدق بدهند و قضای آنها را بگیرند و همچنین شیخ (پیر مرد) و شیخه (زن پیر) و ذولعطاش (کسیکه بعلتی تاب تشنگی ندارد) برای این سه نفر دو مد طعام احوط است و در اینکه برایشان قضا واجب است خلاف است و در روایت صحیح سقوط است یعنی قضا واجب نیست و شرط است در روزه نیت جازم قطعی و این که تعیین کند نوع روزه را و اگر معین باشد مانند ماه رمضان یا نذر معین نیت کافی است.

و وقت اختیاری برای نیت در روزه رمضان یا نذر معین طول شب است و وقت اضطراری آن تا ظهر است و در غیر این دو نیت مطلقاً تا ظهر است و در روزه مستحب چنانچه در صحاح ذکر شده وقت نیت تا نزدیک غروب است و در بعضی اخبار صحیح اگر قبل از زوال نیت کند برای آن روز کافی است و اگر بعد از زوال نیت کند از وقتی که نیت کرده

است محسوب خواهد شد و در اینکه يك نیت برای مدت یکماه کافی است خلاف است .

وروزه یوم الشك را اگر بعنوان استحباب بگیرد و بعد معلوم شود از رمضان است کافی است که قصد قربت کند و از رمضان محسوب خواهد شد و هر گاه به نیت رمضان روزه بگیرد کافی نخواهد بود برخلاف رأی شیخ طوسی در کتاب خلاف که کافی می داند .

هلال ماه رمضان ثابت می شود :

۱- برؤیت ولو یکنفر باشد مادام که شك نکند .

۲- بگذشتن سی روز از شعبان .

۳- بدو شاهد عادل که متوافق باشند .

۴- بشیاعی که مفید ظن نزدیک بعلم باشد و به اختلاف افق در ممالک مختلفه حکم آن مختلف میشود. اما واجبات روزه و چیزهایی که روزه را فاسد میکند .

واجب است امساک از خوردن و آشامیدن و جماع و استمناء و قی و دروغ (بر خدا و رسول و ائمه) بدون خلاف و از باقی ماندن بر جنابت عمداً تا طلوع فجر مخصوصاً در ماه رمضان و قضای ماه رمضان بنا بر قول اقوا و اشهر واجب است ، امساک از فرورفتن در آب و

حقیقه بمایع بنا بر قول اصح والاقضا بجایبیاورد مگر در دو مورد اخیر و دروغ اگر روزه واجب باشد بلاخلاف و کفاره نیز بدهد مگر در قی که در آن اختلاف است و همچنین در باقیماندن بر حال جنابت در روزه ماه رمضان و مقدار کفاره عبارتست از آزاد کردن یک بنده یا اطعام شصت مسکین یا دو ماه روزه متوالی و برای نذر معین کفاره قسم باید بدهد چنانکه در قرآن بیان شده است و برای قضای ماه رمضان اگر بعد از عصر افطار کند (و بعضی بعد از زوال گفته اند) ده مسکین را اطعام کند و اگر نتواند ده مسکین را اطعام کند سه روز روزه بگیرد و در وجوب قضاء مخصوصاً بار- تماس و حقیقه بمایع و دروغ بر خدا و رسول و ائمه یا با کفاره یا بدون کفاره خلاف است .

اما حقیقه بجامد و دروغ بر غیر خدا و رسول و ائمه روزه را فاسد نمی کند و در اینکه فرو بردن مطلق غبار بحلق یا غبار غلیظ مبطل روزه است و همچنین در وجوب قضای آن با کفاره یا بدون کفاره و عدم وجوب آن اقوال مختلفی است . (برای بررسی بیشتر بر ساله مراجعه شود) .

در روایت موثق نقل شده که از حضرت رضا (ع) سؤال شد که روزه دار اگر عود یا غیر از عود بسوزاند و دود در حلقش وارد شود تکلیف چیست ؟

فرمود بآسی نیست. و همچنین سؤال شد که اگر شخص
روزه دار غبار بخلقش وارد شود؟ فرمود بآسی نیست و اخباری
که باین خبر معارض باشد از حیث سند و دلالت ضعیف
است.

در روایت صحیح از حضرت باقر (ع) روایت
شده که فرمود روزه دار را ضرر نمیرساند هر کار که بکند
مادام که از چهار خصلت اجتناب نماید :

۱- خوردن .

۲- آشامیدن .

۳- نزدیکی بزنان .

۴- سر فرو بردن در آب و کسی که از روی

فراموشی چیزی بخورد و بیاشامد و هم چنین بر کسی که
چیزی در حلقش مانده باشد و فرو برود و بر کسی که او را
مجبور کنند و بر کسی که تقیه میکند و بر کسی که جاهل
بحکم باشد چیزی نیست و اگر قضا بجا بیاورند احوط
خواهد بود و بعضی کفاره نیز گفته اند و هر کس عمداً افطار
کند یعنی چیزی بخورد چه هنگام بعد از سحر چه هنگام
غروب و بعد بتحقیق مسلم شود روز بوده باید قضا بجا بیاورد
خواه مراعات وقت را کرده باشد یا نکرده باشد و اگر
بر حکم ظن و اجتهادش باقی باشد قضا ندارد و اگر شك

داشت در صورتیکه بعد از سحر (اول وقت، افطار کرد قضا ندارد و اگر هنگام غروب زودتر افطار کرده قضا دارد) و اگر کسی که جنب شده تا صبح بخوابد هر گاه قبل از طلوع فجر عازم بر غسل بوده قضا ندارد و الا باید قضای آن روز را بگیرد و اگر عازم بر ترك طهارت بوده علاوه بر قضا كفاره نیز بدهد و واجب است امساك بقیه روز اگر روزه را بمعصیت افطار کرد یا کوتاهی کرد و در مواردیکه بعد بیان خواهیم کرد مستحب است بقیه روز را امساك نماید .

جائز است خوردن روزه نامعین قبل از زوال مطلقاً بعد از زوال مکروه است در غیر قضای رمضان و در قضاء رمضان جائز نیست و باید كفاره بدهد و برای کسیکه روزه مستحبی گرفته است بهتر آن است که اگر دعوت شد بطعام خوردن افطار کند ولو بعد از ظهر باشد .

اما مکروهات : مکروه است بلعیدن رطوبت بینی که وارد حلق می شود و آب دهان در صورتیکه به چیز پاکی طعم آن تغییر یافته باشد ولی اجزائی از آن در آب دهان نباشد و مکروه است ریختن دوا در گوش و چشم و بینی هر گاه بحلق نرسد و در احلیل و سرمه در چشم کشیدن و استنشام بوهای غلیظ کردن و همچنین بوئیدن گلها مخصوصاً نرگس و

داخل شدن در آب مخصوصاً برای زنها و خشك كردن لباس
تر را بر بدن و مساوك كردن بچيزهاى تر و در بيشتراينها قول
بافساد كم است و بمكيدن انگشتر و جويدن طعام براى كودك
و خرد كردن غذا براى پرنده و چشيدن آبگوشت باكى
نيست. و مكروه است بوسيدن و لمس كردن و بازى كردن
بازنها، باگمان اينكه منى از او خارج نخواهد شد، براى كسيكه
شهوتش به اين اعمال تحريك ميشود. و مكروه است هر كارى
كه موجب ضعف روزه دار شود از قبيل رفتن حمام يا خون
گرفتن و مانند اين دو و انشاد شعر در رمضان و مسافرت بعد
از دخول در رمضان مگر از روى ناچارى و قول بحرمت مسافرت
در رمضان خيلى كم است. و روايت دارد كه بعد از گذشتن
بيست و سه روز از ماه رمضان كراهت مسافرت بر طرف
ميشود. و مكروه است براى مسافر زياد خوردن و زياد
آشاميدن. و جماع كراهت شديد دارد و بعضى آنرا حرام
دانسته اند. اما اعمالى كه مستحب است: مستحب است در وقت
رؤيت هلال ماه رمضان در شب اول دعا بخواند و اگر در شب اول
موفق نشد تا سه شب مى تواند بخواند به اين طريق كه دست هارا
بلند كند و روبرو بقبله نه بسمت ماه بدون اينكه بطرف ماه اشاره
كند و بخواند.

اللهم اهلنا بالامن ولايمان والسلامة والاسلام
والعافية المجللة والرزق الواسع ودفع الاسقام . اللهم ارزقنا
صيامه وقيامه وتلاوة القرآن فيه اللهم سلمه لنا وتسلمه منا .
ترجمه - پروردگارا این ماه را با امنیت و ایمان
کامل برمانو کن و تندرستی و اسلام و عافیت شایان باروزی
فراخ نصیب و بیماریها را دفع فرما .

خداوندا توفیق ده که روزهای این ماه را روزه
بداریم و شبهارا به نماز و تلاوت قرآن بگذرانیم . و مستحب
است در شب اول و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم
غسل کند و در شب اول بازن خود نزدیکی (عمل زناشوئی)
انجام دهد . و هم چنین دعاهای شب و روز و دعای دخول
ماه رمضان و دعای وداع و دعاهای سحر را بطوریکه
دستور داده شده . بخواند و زیاد قرآن بخواند و تمام
شبهایش مخصوصاً شبهای فرد را بعبادت بگذراند و نوافل
مخصوص این ماه را بادعاهایش بجای بیاورد و در شب
بیست و سوم هزار مرتبه سوره قدر و یکمرتبه عنکبوت و
روم را بخواند و در این ماه زیاد جود و بخشش کند زیرا
پاداش آن مضاعف داده میشود و روزه داران را افطاری
بدهد در خبر آمده است که اگر برادر روزه داری را

افطاری بسدهی بهتر از روزه تو است و مستحب است بر شیرینی افطار کند و اگر شیرینی نباشد بر آب نیم گرم افطار کند، زیرا چرکینی های قلب را میبرد و مستحب است بعد از نماز افطار نماید مگر آنکه منتظر او باشند یا نفسش حاضر نباشد .

حضرت صادق (ع) فرمود وقتی دو واجب با تو مواجه شد: - افطار و نماز - پس افضل آن دو را شروع کن، و نماز افضل است. بعد فرمود نماز بخوانی و روزه دار باشی این نمازت قبول است و من نمازی که با روزه بجای آورده شود دوست تر دارم. و در وقت افطار میخوانی:

اللهم لك صمنا وعلى رزقك افطرننا فتقبله مناذهب
الظماء و ابتلت العروق و بقی الاجر .

(پروردگارا برای تو روزه گرفتیم و بر رزق تو افطار کردیم پس آنرا از ما قبول کن. تشنگی از بین رفت و عروق تروتازه شد و اجر و مزد باقی ماند).

در خبر وارد شده است: سحری بخور و لوبیک جرعۀ آب باشد آگاه باشید .

درود خداوند بر اشخاصیکه سحری میخورند و در روزه واجب سحری خوردن تأکید شده و در ماه رمضان

بیشتر تاکید شده است و کمترین چیزیکه در سحر باید خورد آب است و افضل آن سویق و خرما و هر قدر سحری را نزدیک طلوع فجر بخورد بهتر است و اعتکاف در ماه رمضان مستحب است مخصوصاً در دهه آخر و عادت رسول خدا (ص) چنین بود که پیغمبر وقتیکه دهه آخر میرسید رخت خواب را می پیچید و از مباشرت با زنان کناره گیری میکرد و بعبادت میکوشید و خاندانش را نیز بعبادت و امیداشت زیرا شب قدر در این دهه میباشد و به احتمال قوی یکی از شبهای فرد این دهه است، بخصوص شب بیست و یکم و بیست و سوم و در نزد علماء امامیه اعتکاف کمتر از سه روز و در غیر مسجد جامع جایز نیست و در حال اعتکاف حرام است بوسیدن و لمس کردن زنها و جماع با آنها در روز و شب و هم چنین حرام است مجادله و مرافعه و خرید و فروش و بوئیدن گلهای خوش بو و التذاذ بگلها و خروج از مسجد مگر برای انجام حاجتی یا حضور در نماز جمعه یا تشییع جنازه یا عیادت مریضی و امثال آن و نباید بنشینند تا مراجعت نماید و باکی نیست که بسطح بام بالا رود یا قسمتی از بدنش را از مسجد خارج نماید اجباراً یا سهوا .

باب دوم

باب دوم در اسرار روزه و شروط باطنی آن میباشد.
بدان که برای روزه سه درجه است : روزه عامه و روزه
خواص و روزه خواص از خواص .

اما روزه عامه عبارتست از نگاهداری شکم و فرج
از بجا آوردن شهوت چنانچه تفصیل آن گذشت و اما
روزه خواص عبارتست از نگاهداری گوش و چشم
و زبان و دست و پا و سایر اعضاء از گناه.
میگویییم که اشاره باین روزه است .

آنچه که اصحاب ما از حضرت صادق (ع) باسناد حسن
روایت کرده اند که فرمود :

هر گاه روزه گرفتاری باید گوش و چشم و مو و پوست
روزه دار باشد و غیر اینها نیز چیزهایی را شمرد و فرمود
نباید روزی که روزه دار هستی مانند روزی باشد که روزه
نداری و در خبر دیگر اضافه فرمود تظاهر مکن و خدمتگزارت
را اذیت مکن و بر تو باد که وقار روزه دار را داشته باشی
بدرستی که رسول خدا (ص) شنید که زنی در حالیکه روزه
دار است کنیزش را فحش میدهد غذا خواست و بآن زن
فرمود بخور آن زن گفت من روزه دارم فرمود چطور در حالیکه
روزه دار هستی کنیزت را ناسزا میگوئی روزه فقط امساک
از غذا و شراب (نوشیدنیها) نیست ابو حامد گفته است و اما
روزه خواص آنست که قلب شخص از همت های پست و افکار
دنیوی روزه دار باشد و بکلی غیر از خدا را در نظر نداشته
باشد و در این نوع روزه اگر بغیر از خدا و روز قیامت
فکر کند و بفکر دنیا باشد فطر حاصل میشود مگر آنکه
از دنیا برای دین اراده داشته باشد زیرا آن توشه آخرت
است و از دنیا محسوب نمیشود .

حتی ارباب قلوب گفته اند کسیکه همتش را مصروف
کند در روز برای تهیه چیزی برای افطار برای او يك گناه
نوشته خواهد شد زیرا این عمل ناشی از کم اطمینانی بفضل
خدا و ضعف یقین بروزی موعود است و این مرتبه انبیاء و

صدیقین و مقربین میباشد و در این باره از طول مقال و تفصیل
 بیش از این صرف نظر می کنیم و لکن عملاً باید بتحقیق
 پرداخت زیرا این نوع روزه عبارتست از اقبال بخداوند با
 تمام قوا و انصراف از غیر خدا و توجه کامل بمفاد قول پروردگار
 که فرمود (قل الله ثم ذرهم) (بگو خدا و آنها را واگذار) و
 اشاره به این معنی است آنچه از حضرت صادق (ع)
 روایت شده که فرمود رسول خدا فرمود روزه سپر است یعنی
 پوششی است از آفات دنیا و حجابی است از عذاب آخرت
 پس هرگاه روزه گرفتی قصد کن بر روزهات نگاهداری نفس
 از شهوات و قطع همت از پیروی شیطان و نفست را بمنزله
 مریضی فرض کن که اشتها و میل بطعام و شراب ندارد و در
 هر لحظه متوقع باش شفای خودت را از بیماری گناهها و
 باطنت را پاکیزه کن از هر نوع تیرگی و غفلت و ظلمتی که تو
 را از خلوص نیت برای خدا باز می دارد.

پیغمبر (ص) فرمود خداوند عزوجل فرموده است
 روزه برای من است و من آنرا پاداش می دهم پس روزه
 میمیراند مراد نفس و شهوت طبع را و در روزه است صفای
 قلب و طهارت اعضاء و جوارح و عمارت و آبادی ظاهر و
 باطن و شکر نعمتها و احسان بفقراء و تضرع زیاد و خشوع
 و گریه و وسیله التجاء و پناه بردن بخدا و سبب انکسار همت

میگوئیم و تخفیف حساب و تضعیف حسنات و در روزه فوائدیست
که بشماره در نمی آید و کافی است آنچه ذکر کردیم برای
آگاهی کسیکه تعقل کند. و توفیق بجا آوردنش را داشته باشد.
ابو حامد گفته است اما روزه خواص و آن عبارت
است از روزهٔ مردمان صالح یعنی نگاهداری اعضا و جوارح
از گناهها و این عمل کامل خواهد شد بمراعات شش امر:
اول - نگاهداشتن چشم و جلوگیری آن از زیاد
نگاه کردن به هر چه مذموم و مکروه است و به هر چه قلب
را مشغول کند و از ذکر خدا بازدارد .

پیغمبر (ص) فرمود نگاه و نظر تیر مسمومی است از
از تیرهای شیطان پس هر کس این نگاه را از ترس خدا ترک
کند خداوند با او ایمانی عطا فرماید که حلاوتش را در دلش
احساس نماید و از پیغمبر (ص) نقل شده است پنج چیز
روزه را باطل میکند: دروغ - غیبت - سخن چینی - قسم
دروغ - نگاه از روی شهوت .

دوم - حفظ زبان از بیهوده گویی - دروغ - غیبت -
سخن چینی - فحش - ستمکاری - دشمنی - ریاکاری و
زبان را بسکوت و ادب نماید یا بدکر خدا و تلاوت قرآن
مشغول دارد این روزهٔ زبان میباشد .

پیغمبر (ص) فرمود به درستی که روزه سپر است پس اگر یکی از شما روزه دار باشد نباید لغو بگوید و فحش بدهد و جهالت بورزد و اگر شخصی با او به ستیزه برخیزد یا به او فحش بدهد باید در جواب بگوید: من روزه دار هستم - من روزه دار هستم و در خبر آمده است که دوزن روزه گرفتند در زمان رسول خدا در آخر روز گرسنگی و تشنگی بقدری بآنها فشار آورد که نزدیک بود تلف شوند پیش رسول خدا فرستادند و اجازه خواستند که افطار نمایند پیغمبر (ص) قدحی برای آن دو فرستاد و دستور داد که در آن دو قدح آنچه خورده اند استفراغ کنند. یکی از آن دو نصف قدح را خون تازه و گوشت تازه بر گرداند و دیگری هم مثل اولی استفراغ کرد و قدح پر شد مردم تعجب کردند.

پیغمبر (ص) فرمود این دو نفر روزه گرفتند از آنچه خدا برای آنها حلال کرده بود و افطار کردند بر آنچه خدا بر آنها حرام کرده بود یکی نزد دیگری نشست و شروع کردند به غیبت مردم، این است آنچه این دو از گوشت مردم خورده اند.

صدوق از پیغمبر (ص) روایت کرده است که پیغمبر (ص) فرمود کسیکه غیبت مسلمان نماید روزه اش باطل میشود و وضویش میشکند و اگر در این حال بمیرد مرده است در حالیکه مشغول بوده است به حلال کردن آنچه که خدا حرام کرده است .

و در کتاب کافی از حضرت صادق (ع) روایت کرده است که فرمود بدرستی که دروغ روزه را باطل می کند راوی گفت کدام يك از ما از آفت دروغ بر کناریم حضرت فرمود دروغ بر خدا و رسول و ائمه روزه را باطل می کند نه هر دروغی .

سوم - جلوگیری گوش از گوش دادن بهر مکروهی برای آنکه هر چه گفتن آن حرام است گوش دادن بآن هم حرام است و برای این خداوند کسانی را که بدروغ گوش میدهند با کسانی که حرام می خورند برابر قرار داده است و فرمود (سماعون للكذب اكالون للسحت) (آنها که بدروغ گوش می دهند فراوان و بیبیاك حرام می خورند) و نیز فرموده است (لولا اینها هم الربانیون والاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت) چرا باز نمیدارند و نهی نمیکنند ایشان را ربانیون (علماء زهاد از علماء یهود) و دانشمندان آنها از گفتار دروغ

و خوردن حرام).

پس سکوت بر غیبت حرام است و ایضا فرمود بنا بر این شما نیز مانند آنها هستید و برای این پیغمبر (ص) فرمود غیبت کننده و شنونده در گناه شریک اند .

چهارم - نگاهداری بقیه اعضا از دست و پا از مکروهات و نگاهداری شکم از غذاهای مشتبّه وقت افطار پس روزه معنی ندارد هر گاه از حلال خودداری کنند و بر حرام افطار کنند مثل چنین روزه داری مثل کسی است که قصری بنا میکند و شهری را خراب مینماید بدرستی که طعام حلال اگر زیاد بخورند مضر است و از جهت انواع زیانی ندارد پس روزه برای تقلیل طعام است و کسی که زیاده روی در دوا را از ترس ضررش ترک کند اگر سم بمقدار کم بخورد سفیه است و حرام سمی است که هلاک میکند دین را و حلال دارویی است که اندکش سودمند و زیادش زیان میرساند و مقصود از روزه کم کردن طعام حلال است .

پیغمبر (ص) فرموده است چه بسیار روزه دارانی که از روزه جز گرسنگی و تشنگی بهره نمیرند و در تفسیر قول پیغمبر (ص) گفته شده است آنها اشخاصی هستند که بر حرام افطار می کنند و گفته شده است کسانی هستند که از غذای

حلال امساک می کنند و بر گوشت مردم که حرام است افطار می کنند یعنی غیبت میکنند و گفته شده است کسانی هستند که اعضاء و جوارح خود را از گناه حفظ نمیکنند .

پنجم - وقت افطار از غذای حلال زیاد نخورد بطوریکه معده را پر کند زیرا هیچ ظرفی مبعوض تر از شکم پر از حلال نزد خدا نیست و چگونگی برای سرکوب کردن دشمن خدا (شیطان) و شکستن شهوات از روزه استفاده خواهد شد .

هر گاه روزه دار برای افطار تهیه کند آنچه در روز نخورده است و چه بسا که انواع غذاها را بر آن اضافه نماید تا اینکه عادت کند به اینکه ذخیره نماید جمیع غذاها را برای رمضان و در رمضان غذاهایی مصرف کند که در ماههای دیگر مصرف نکرده است و معلوم است که مقصود از روزه تهی بودن شکم است .

و شکستن هوی و هوس بمنظور تقویت نفس بر پرهیز - گاری و اگر جلوی معده را طول روز بگیرد تا شهوتش بهیجان آید و میلش زیاد شود بعد از انواع غذاهای لذیذ سیر بخورد لذت او زیاد تر و شهوتش بیشتر میشود و برانگیخته شود از شهوات آنچه در ایام عادی را کد بود و طغیان نداشت

در صورتیکه روح روزه و سر آن تضعیف قوائی است که
مهار شیطان است در کشیدن افراد بشر و این منظور مسلم
حاصل نخواهد شد مگر بکم خوردن .

پس باید به اندازه شبهائی که روزه نبود غذا بخورد
و اما اگر آنچه روز میخورده است جمع کند و بغذای شب
اضافه نماید و بخورد از چنین روزه سود نخواهد برد بلکه
از آداب روزه دار این است که در روز زیاد نخوابد تا احساس
گرسنگی و تشنگی کند و قوایش بتحلیل رود تا صفای قلب
پیدا کند و قدری از شبش را هم باضعف بگذراند تا در شب
زنده داری و مواظبت بر ادعیه و اوراد شب سبکبار باشد
آنوقت امید است که شیطان بر قلبش مسلط نشود و بتواند
نگاه کند بملکوت آسمانها و شب قدر عبارتست از شبی
که در آن شب مکشوف شور چیزی از ملکوت و این است
مراد خداوند تبارک و تعالی از (انا انزناه فی لیلۃ القدر)

و کسیکه بین قلبش و سینه اش تو بره ای از طعام
قرار دهد پس ملکوت از او محجوب است و تنها خالی
نگاهداشتن معده برای رفع حجاب کافی نیست تا منصرف
نکند فکرش را از غیر خدا و عمده مطلب همین است .
باید دانست مبدأ و مبنای تمام اینها کم خوردن است

و شرح بیشتری در این باب در کتاب اطعمه ذکر خواهد شد انشاء الله.

ششم - آنکه قلبش بعد از افطار پریشان و مضطرب باشد بین ترس و امید زیرا نمیداند روزه اش قبول شده است و او از مقربین است یا بر او رد شده و از گناهکاران و مردودین است و بعد از فراغت از هر عبادتی باید چنین باشد، روایت شده است که حسن بن ابی الحسن روز عید بر قومی میگذشت که میخندیدند .

فرمود خداوند ماه رمضان را میدان مسابقه در بندگی برای خلق قرارداد که سبقت بگیرند بر یکدیگر در عبادتش پس جلو افتادند مردمانی و رستگار شدند و عقب افتادند مردمانی و نا امید شدند پس عجب خیلی عجب از کسیکه در حال خنده مشغول بازی باشد در روزیکه شتاب کنندگان در عبادت رستگار شدند و آنها یکیکه وقت را ببطالت گذرانند نا امید گردیدند هان بخدای سوگند که اگر پرده برافتد نیکو کار بکار نیکش مشغول خواهد بود و گناهکار از گناهش یعنی خوشحالی آنکسیکه عبادتش قبول شده او را از بازی باز خواهد داشت و حسرت کسیکه مردود شده باب خنده را بر او مسدود خواهد کرد میگوییم این

خبر را در فقیه در کتاب نماز از حسن ابن علی (ع) و در
روزه از حسین ابن علی (ع) با اندک تغییری در لفظ ذکر
کرده است .

ابو حامد میگوید این است معانی باطنی در روزه .

فصل - اگر گفته شود کسیکه اکتفا کند بجلوگیری
شکم و فرج و این معانی را ترك کند فقهاء میگویند روزه اش
صحیح است چه معنی دارد .

بدانکه فقهاء ظاهر شروط ظاهری روزه را بدلیلهائی
اثبات میکنند که ضعیف تر است از ادله ای که ما در شروط
باطنی ذکر کردیم مخصوصاً غیبت و امثال آن و لکن علماء
ظاهر تکلیف را طوری معین میکنند که عموم مردم غافل
را که همت ایشان مصروف دنیا است شامل شود . اما علماء
آخرت مقصودشان از صحت عبادتی قبول است و بقبول
عبادت وصول بمقصود را میخواهند و میگویند مقصود از
روزه متخلق شدن بخلق از اخلاق خداوند که صمدیت
است و اقتداء بملائکه از جلوگیری از شهوات بقدر
امکان میباشد زیرا ملائکه منزله از شهوت میباشد و انسان
مرتبه اش بالاتر از حیوانات است برای آنکه
بمناسبت قوه عاقله ای که دارد قادر بر جلوگیری شهوات

میباشد و پائین تر از ملائکه است زیرا شهوت بر او مستولی است و با مجاهدت باید جلو آنرا بگیرد بنا بر این اگر در شهوات فرورود بآدنی درجه پستی سقوط کند و به پست ترین حیوانات ملحق شود .

و هر گاه نیروی شهوانی را سرکوب کند به بلندترین درجه بالا رود و در ردیف ملائکه قرار گیرد و ملائکه از مخلوقات مقرب خدا هستند و هر کس از آنها پیروی کند و با خلاق آنها تشبه پیدا نماید مقرب میشود در نزد خدا مانند تقرب آنها، زیرا اگر کسی شبیه شود بنزدیک نزدیک است و در اینجا نزدیکی مکان منظور نیست بلکه مقصود نزدیکی بصفات است و اگر سرروزه در نزد ارباب دانش این باشد پس چه فایده ای برای تاخیر یک لقمه یا دو لقمه در وقت عشاء خواهد بود . با آنکه طول روز را در شهوات دیگر فرو رفته باشد. و اگر چنین روزه ای سودمند باشد پس فرمایش پیغمبر (ص) چه معنی دارد که فرمود:

چه بسیار روزه دارانی که بهره آنها از روزه جز گرسنگی و تشنگی نخواهد بود و بهمین جهت ابودرداء گفته است: ای خوشا بخواب مردمان زیرک و باهوش چگونگی

و فطرشان چگونگی نه مردمان احمق و نادان در گرفتن روزه و شب
زنده داری خود مغفونند .

هر آینه اندک عبادتی از مردمان صاحب یقین و پرهیزکار
بهرتر و بالاتر است از کوهها عبادت مردمان مغرور و از این
جهت علماء گفته اند چه بسیار روزه دارانی که روزه خواریند
و چه بسیار روزه خواری که روزه دارانند .

روزه دار روزه خواری کسی است که گرسنگی و تشنگی
را تحمل میکند و اعضاء و جوارحش را آزاد میگذارد و
روزه خواری روزه دار کسی است که میخورد و میآشامد و لکن
اعضاء و جوارح خود را از گناه نگاه میدارد و کسیکه معنی
روزه و سر آنرا بفهمد میدانند مثل کسیکه از خوردن و
نزدیکی با زنان خوداری می کند و روزه را بارتکاب انواع
گناهها بخورد مثل کسی است که در وضو هر عضو از
اعضائش را مسح کند و جمیع آداب و سنن و اذکار را
موافق دستور به بهترین وجهی بجا آورد الا آنکه شستن
را که اصل مهم است ترك کند پس نماز او بمناسبت جهلش
مردود است و کسیکه افطار کند بخوردن و آشامیدن و اعضاء
و جوارحش از مکاره روزه دار باشد مانند کسی است که
اعضاء و اجبش را چنانچه باید بشوید و اعضائی که مسح

واجب دارند مسح کند و بانجام اعمال واجب اکتفا نماید پس نمازش صحیح و قبول است زیرا اعمال اصلی را عمل کرده است و اگر چه اعمالی را که فضیلت دارند ترک کرده است .

و مثل کسی که روزه دار باشد و اعضاء و جوارحش را از گناه نگاهدارد مثل شخصی است که در وضو جمع بین اصل و فضل یعنی واجب و مستحب کرده است و این است کمال . پیغمبر (ص) فرموده است روزه امانت است باید هر يك از شما امانتش را حفظ کند و هر گاه این آیه را (ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها) (خداوند بشما امر میکند که امانات مردم را بآنها رد کنید) تلاوت میفرمود دستش را بر گوش و چشمش میگذاشت و میفرمود گوش امانت است و چشم امانت است .

اگر گوش و چشم از امانات روزه نبود نمیفرمود (در جواب کسی که بشما درستی می کند بگوئید من روزه دار هستم) من زبانم را به امانت سپرده ام که حفظ کنم چگونه آنرا در جوابت آزاد بگذارم . با این بیان محققاً آشکار شد که برای هر عبادتی ظاهریست و باطنی و پوستی و مغزی و و برای پوست هم در جاتی است و برای هر درجه ای طبقاتی

است بنا بر این اکنون تو مختاری که به پوست قناعت کنی و
از مغز چشم بیوشی یا با جد و جهد تمام خویشتن را در
زمره صاحبان عقول در آوری (صاحبان مغز).

باب سوم

در روزه تطوع (اختیاری) میگوئیم در کتاب
فقیه از حضرت علی (ع) روایت شده است که فرمود
رسول خدا (ص) فرموده است کسیکه يك روز را تطوعاً
روزه بگیرد خداوند عزوجل او را داخل بهشت نماید و
از ابی جعفر (ع) (امام پنجم) روایت شده است که فرمود
کسیکه يك روز را با روزه تمام کند به بهشت خواهد
رفت .

پیغمبر (ص) فرموده است کسیکه يك روز را در
راه خدا روزه بگیرد اجر یکسال روزه را خواهد داشت.
و پیغمبر (ص) فرمود هیچ روزه داری نیست که بر قومی

که غذا میخورند وارد شود مگر آنکه اعضاء او برایش تسبیح میکنند و ملائکه بر او درود میفرستند و درود ملائکه برای او طلب آمرزش است .

- ابو حامد گفته است :

حسن ابن محبوب از جمیل ابن صالح از محمد ابن مروان روایت کرده است که گفت از ابا عبد الله (ع) (امام ششم) شنیدم که فرمود پیغمبر (ص) آنقدر روزه میگیرد که گفته میشود افطار نخواهد کرد و آنقدر افطار میگرد که گفته میشود روزه نخواهد گرفت بعد یکروز روزه میگیرد و یکروز افطار میگرد بعد دوشنبه و پنجشنبه را روزه میگیرد بعد سه روز در ماه را (پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه) را روزه میگیرد و میفرمود این روزه دهر است .

یعنی هر کس مرتب سه روز اول و وسط و آخر ماه را روزه بگیرد مثل این است که تمام عمر را روزه گرفته است .

و بتحقیق که پدرم میفرمود کسی مبعوض تر نیست در نزد خداوند از مردیکه گفته شود باو رسول خدا چنین و چنان میگرد .

بگویند خدا عذاب نمیکند مرا بر اینکه در نماز و روزه اجتهاد کنم. مثل اینکه گمان میکند رسول خدا فضیلتی را بجهت اینکه از بجا آوردنش عجز داشته ترک کرده است .

در روایت حماد بن عثمان از ابی عبدالله (ع) (امام

ششم) نقل شده که فرمود پیغمبر (ص)

روزه میگیرد تا آنکه گفته میشود افطار نخواهد کرد سپس افطار میگیرد تا آنکه گفته میشود روزه نخواهد گرفت روزه داود را میگیرد (یک روز در میان) بعد تا آخر عمرش سه روز از ماه را روزه میگیرد و میگفت معادل روزه دهر است و وحرسینیه را میبرد (حماد گوید و حر بمعنای وسوسه است) حماد میگوید من سؤال کردم آن سه روز چه روزهایی است فرمود اولین پنجشنبه ماه و اولین چهارشنبه دهه دوم ماه و آخرین پنجشنبه ماه .

حماد میگوید من عرض کردم چرا در این روزها باید روزه گرفت فرمود برای اینکه برامم گذشته اگر عذاب نازل میشد در این روزها بود پس رسول خدا (ص) این ایام را روزه میگیرد برای آنکه روزهای مخوفی هستند

فضیل ابن یسار از ابا عبدالله روایت کرده است که فرمود اگر یکی از شما سه روز از ماه را روزه گرفت نباید با هیچکس مجادله کند و تندی نماید و بخدا قسم بخورد و اگر کسی با او تندی کند باید تحمل نماید .

عبدالله ابن مغیره از حبیب ابن خثعمی روایت کرده است که میگوید با امام ششم عرض کردم خبر ده مرا از روزه تطوع و از این سه روز اگر در اول شب جنب شدم و بدانم که جنب هستم و عمداً بخوابم تا صبح روشن شود آیا روزه بگیرم یا نگیرم؟ فرمود روزه بگیر .

امیر المؤمنین (ع) فرمود: روزه ماه صبر و سه روز از هر ماه هم و غم و سواس را بر طرف میکند و روزه سه روز از هر ماه روزه دهر است بدرستی که خداوند عزوجل میفرماید هر کس يك حسنه بجا آورد ده برابر پاداش میگیرد .

عبدالله ابن سنان روایت کرده است که ابا عبدالله (ع) بمن فرمود اگر اول ماه دو پنجشنبه بود پنجشنبه اول را روزه بگیر که فضیلت آن بیشتر است و اگر در آخر ماه دو پنجشنبه بود پنجشنبه آخر را روزه بگیر که آن افضل است .

از عالم (آل محمد) (موسی بن جعفر) سؤال کردند که اگر در دهه آخر ماه دو پنجشنبه واقع شد کدام را باید روزه گرفت فرمود پنجشنبه اول را روزه بگیر زیرا ممکن است به پنجشنبه دوم نرسی. عیص ابن قاسم از امام ششم سؤال کرد از کسیکه روز سه روز از ماه را بواسطه زحمتی که برایش دارد نمیگیرد آیا باید فدیة بدهد؟ فرمود برای هر روزی يك مد از طعام بدهد .

ابن مسکان از ابراهیم مثنی روایت کرده است که گفت با باعبدالله (امام ششم) عرض کردم برای من روزه سه روز از ماه زحمت دارد آیا میتوانم برای هر روز یک درهم تصدق بدهم؟ امام (ع) فرمود یک درهم صدقه از يك روز روزه بهتر است .

حسن ابن محبوب از حسن ابن ابی حمزه روایت کرده است که گفت با امام پنجم یا امام ششم عرض کردم روزه سه روز از ماه را در تابستان بتأخیر می اندازم بزمستان زیرا در زمستان آسان تر است برای من روزه گرفتن، فرمود بلی ولی فراموش مکن و در روایت ابن بکیر از زراره نقل شده است که روزه سه روز از ماه

را در تمام سال میتوان گرفت .

(روزه سه روز جمیع آنچه زیست که سنت در صوم
بر آن جاری شده است)

فصل - از روزه‌هایی که در گرفتن آن تأکید شده است
روزه ماه رجب و ماه شعبان یا آنچه میسر گردد از این دو
ماه میباشد زیرا رجب ماه امیر المؤمنین و شعبان ماه رسول
خداست .

کما اینکه رمضان ماه خداوند است و در روزه ماه
رجب و شعبان تأکید بسیار شده و ثواب جزیل وعده داده
شده است و همین ثواب را خواهد داشت .

اگر بعضی از روزهای این دو ماه را با فاصلهٔ دوروز
یا سه روز یا تمام ماه را روزه بگیرد و از تفصیل آن به قصد
اختصار خودداری شد .

در کتاب فقیه از موسی ابن جعفر (ع) روایت شده
که فرمود کسی که روز اول ذی الحجّه را روزه بگیرد
خدا برای او روزهٔ هشتاد ماه را مینویسد و اگر روز نهم را
روزه بگیرد خداوند ثواب روزهٔ دهر را بر او بنویسد .
حضرت صادق (ع) فرمود روزهٔ روز ترویه (هشتم

ذی الحجّه) کفاره یکسال است و روزه روز عرفه کفاره دو سال. و روایت شده است که در اول ذی الحجّه حضرت ابراهیم خلیل متولد شده است و هر کس این روز را روزه بگیرد کفاره شصت سال خواهد بود و در روز نهم ذی الحجّه توبه داود نازل شده و هر کس این روز را روزه بگیرد کفاره نود سال خواهد بود. و از یعقوب ابن شعیب روایت شده است که گفت از ابا عبد الله سؤال کردم از روزه روز عرفه و گفتم فدایت شوم ایشان گمان میکنند که روزه روز عرفه معادل روزه یکسال است فرمود پدرم آنروز را روزه نمیگرفت گفتم فدایت شوم چرا ؟

فرمود روز عرفه روز دعا و مسئلت است میترسم ضعف بر من مستولی شود و از دعا باز مانم و اکراه دارم از اینکه آنروز را روزه بگیرم زیرا میترسم روز عرفه روز عید قربان باشد و عید قربان روز روزه نیست .

حسن ابن علی الوشاء روایت کرده است در حالیکه کمتر از پانزده سال داشتم با پدرم شب بیست و پنجم ذی القعدة در خدمت حضرت رضا (ع) شام خوردیم. امام پیدرم فرمود در شب بیست و پنجم ذی القعدة حضرت ابراهیم خلیل و حضرت عیسی ابن مریم متولد شده اند و در این شب زمین از زیر کعبه کشیده شده است پس کسیکه این روز را روزه

بگیرد مانند کسی است که شصت ماه را روزه گرفته است و روایت شده که در بیست و نهم ذی القعدة خداوند کعبه را نازل کرده است و این رحمتی است که نازل شده است . کسیکه این روز را روزه بگیرد کفاره هفتاد سال خواهد بود . حسن ابن راشد از ابی عبدالله روایت کرده است که عرض کردم فدایت شوم برای مسلمانان غیر از عیدین (عید رمضان - عید قربان) هم عیدی هست فرمود بلی ای حسن و از اندو اعظم و اشرف است عرض کردم کدام روز است آنروز فرمود روزیکه امیر المؤمنین با امامت مردم منصوب گردید . عرض کردم فدایت شوم آنروز کدام است فرمود ایام دور میزنند و آن روز هیجدهم ذی الحجة میباشد . عرض کردم ما در آن روز چه بکنیم فرمود روزه بگیر و زیاد صلوات بر محمد (ص) و آل محمد (ص) بفرست و تبری بجوی در نزد خداوند از آنها تیکه در حق ایشان ستم کردند زیرا پیغمبران امر میکردند جانشینان خود را که روزی را که در آنروز بجانشینی معین شده اند عید بگیرند گفت عرض کردم برای ما چه مژدی خواهد بود اگر آنروز را روزه بگیریم فرمود ثواب شصت ماه . و باز فرمود از دست مده روزه روز بیست و هفتم رجب را برای آنکه در

آن روز نبوت بر محمد (ص) نازل شده و ثوابش باندازه شصت ماه است برای شما .

مفضل ابن عمر از ابی عبدالله روایت کرده است که فرمود روزه روز غدیر خم کفاره شصت سال است . و در روز اول محرم حضرت ذکریا خدا را خواند پس هر کس این روز را روزه بگیرد خدا دعایش را مستجاب کند چنانچه دعای حضرت ذکریا را مستجاب کرد . و گفت محمد بن مسلم وزیر ابراهیم از ابی جعفر (ع) (امام پنجم) از روزه روز عاشورا سؤال کردند فرمود پیش از رمضان آن روز را روزه می گرفتند پس از آنکه رمضان معین شد روزه روز عاشورا متروک گردید و می گویم مؤبد این خبر اخباریست که از اهل بیت در این باره وارد شده است که هر کس این روز را روزه بگیرد بهره او بهره پسرمرجان و آل زیاد خواهد بود و آن آتش است . و اما خبری که میگوید روزه آن کفاره یکسال است محمول بر تقیه است یا امساک تا عصر است بحال حزن و اندوه . چنانکه از حضرت صادق (ع) روایت شده است که فرمود روز عاشورا را روزه بگیرد بدون آنکه شب را به بیخوابی بگذراند و افطار کن بدون دعای افطار عبارت متن این است : (و افطره من غیر تسمیت) کلمه تسمیت بردعای بعد از عطسه و مطلق دعا اطلاق میشود

و تا آخر روز روزه آنرا نگاه ندارید که روزه کاملی محسوب شود بلکه باید افطارت یکساعت بعد از عصر بآب باشد زیرا در این ساعت در آن روز پریشانی از آل رسول خدا (ص) برطرف شد و فشار دشمن کم شد و سزاوار است عمل به این از لحاظ امتیاز سندش و چنین روزه‌ای را روزه تأدیب می‌نامند و روزه تأدیب عبارتست از امساك از مفطرات در قسمتی از روز برای تشبیه به روزه-داران و در هفت مورد غیر از این مورد عمل میشود و دلیل آن نص و اجماع است :

اول - مسافر هرگاه بخانه اش یا به محلی که قصد اقامت ده روز یا بیشتر دارد بعد از زوال یا پیش از زوال وارد شود در صورتیکه افطار کرده باشد .

دوم - مریض هر گاه سلامت شد .

سوم و چهارم حائض و نفساء اگر در بین روز پاک شدند

پنجم - کافر اگر مسلمان شد .

ششم - کودک اگر بالغ شد .

هفتم - مجنون و مغمی علیه اگر بهوش آمد و در

همین ردیف است تمرین کودک در سن نه سالگی .

فصل - حرام است روزه عیدین (عید قربان و عید

رمضان) و ایام التشریق (۱۲ و ۱۳ و ۱۴) برای کسیکه در منی باشد و روزیکه مورد شك است به نیت رمضان. و روزه مستحبی زن بدون اذن شوهر و بنده بدون اذن مولی و روزه در حال مرض و سفر مگر، آنچه استثناء شده است. و روزه صمت و وصال.

در کتاب فقیه از معاویه ابن عمار روایت کرده است که گفت از امام ششم (ع) سؤال کردم از روزه ایام التشریق فرمود رسول خدا (ص) برای کسیکه در منی باشد نهی کرده است و برای کسیکه در منی نباشد اشکالی ندارد و رسول خدا (ص) از روزه وصال نهی کرده است زیرا بعضی روزه را وصل میگردند یعنی از سحر تا سحر چیزی نمیخورند و از پیغمبر (ص) در این باب سؤال شد چون پیغمبر گاهی روزه وصال را میگرفت فرمود من مانند بعضی از شما نیستم (یعنی بین من و شما فرق است) پیوسته نرسد پروردگارم هستم پس مرا اطعام میکنند و سیر آب می سازد حضرت صادق (ع) فرمود روزه وصال که پیغمبر - (ص) از آن نهی کرده است آنست که شخص از سحر تا سحر روزه دار باشد و شام چیزی نخورد .

زراره از امام ششم در باره روزه دهر سؤال کرد

حضرت فرمود پیوسته مکروه است .

و فرمود وصال در روزه نیست و روزه صمت یعنی خاموشی از صبح تا شب نیست و در حدیث زهری از حضرت علی بن الحسین (ع) روایت شده که فرمود :

روزه های حرام عبارتند از روزه عید رمضان و روزه عید قربان و سه روز ایام التشریق و روزه روزیکه مشكوك است (آیا از رمضان است یا شعبان) که هم امر شده بگرفتن آن وهم نهی شده است . امر شده است برای آنکه روزه بگیریم آن روز را با شعبان و نهی شده است برای آنکه افرادی بروزه گرفتن آن روز که مورد شك مردم است از اجتماع ممتاز نشوند .

عرض کردم فدایت شوم اگر از ماه شعبان چیزی روزه نگرفته باشد چه باید بکند فرمود شبیکه مورد شك است به نیت شعبان روزه بگیرد اگر از رمضان باشد کفایت میکند او را و اگر از شعبان باشد ضروری به او نرسیده است . پس بآنحضرت عرض کردم چگونه کفایت میکند روزه تطوع (اختیاری) از روزه واجب فرمود : اگر مردی روزی از ماه رمضان را روزه تطوع بگیرد در حالیکه نمیداند و علم ندارد که از ماه رمضان است سپس بعد از این معلوم شود

ماه رمضان بوده کفایت میکند او را زیرا عمل او مطابق با واقع انجام یافته است. و روزه وصال حرام است. و روزه صمت حرام است. و روزه ای که برای امر حرامی نذر کند حرام است. و روزه دهر حرام است. و آنحضرت فرمود اما روزه ای که صاحب آن مختار است عبارتست از روزه روز جمعه و پنجشنبه و دوشنبه و ایام البیض (۱۳ و ۱۴ و ۱۵)

و روزه شش روز بعد از رمضان از ماه شوال و روزه روز عرفه و روز عاشورا در این ایام شخص اختیار دارد که روزه بگیرد یا نگیرد .

مصنف میگوید معنی آن اینست که برای این ایام مزیتی بر سایر ایام چنانچه عامه گمان کرده اند نیست و آنحضرت فرمود اما روزه در سفر و در حال مرض بدرستی که عامه در باره آن اختلاف کرده اند بیک دسته گفته اند روزه بگیرد و دسته ای گفته اند روزه نگیرد و دسته ای گفته اند اگر بخواید بگیرد و اگر نخواید نگیرد. و اما ما میگوئیم در هر دو حال افطار کند و اگر در سفر یا در حال مرض روزه بگیرد باید قضای آنرا بجا آورد بعلمت آنکه خداوند عزوجل میفرماید :

فمن كان منكم مريضاً او على سفر فعدة من ايام اخر
صدوق در علل الشرايع ذكر کرده است که روزه

ایام البیض منسوخ است و بجای آن روزه دوشنبه و چهارشنبه گرفته میشود و بعضی از نصوص هم مشعر بر این نظریه است و بعضی از علماء امامیه هم ایام البیض را تفسیر بهمین ایام کرده اند .

ولی مشهور خلاف این دو میباشد . و اما روزه شش روز از شوال در بعضی اخبار امامیه هم وارد شده است الا اینکه در روایت صحیح میگوید بعد از عید قربان سه روز نباید روزه گرفت و هم چنین بعد از رمضان زیرا این سه روز ایام خوردن و آشامیدن است و آن مورد اعتماد میباشد .

و در کتاب فقیه ایضاً از فضیل ابن یسار از ابی عبدالله روایت کرده که فرمود :

رسول خدا فرموده است هر گاه مردی بشهری وارد شود مهمان همکیشان خود در آن شهر است تا از آنجا حرکت کند .

بنابر این شایسته نیست که مهمان بدون اذن ایشان روزه بگیرد زیرا ممکن است چیزی تهیه کنند و فاسد شود و شایسته نیست که آنها هم بدون اجازه مهمان روزه بگیرند .

زیرا مبادا مهمان بچیزی میل کند و بمناسبت حشمت
و بزرگی ایشان آنرا ترك نماید .

و نشیط ابن صالح از هشام ابن الحکم از امام ششم (ع)
روایت کرده است که فرمود :

رسول خدا (ص) فرمود از وظیفه مهمان آنستکه
روزه اختیاری نگیرد مگر با اجازه میزبانش و از اطاعت
زن برای مرد آنستکه روزه اختیاری بدون اجازه اش نگیرد
و از وظیفه بنده برای مولایش آنستکه روزه اختیاری
بدون اجازه مولایش نگیرد و از رفتار نیک فرزند نسبت
بپدر و مادرش آنستکه بدون اجازه آنها روزه اختیاری
نگیرد و الا مهمان جاهل خواهد بود وزن گناهکار و بنده
فاسق و گناهکار و اولاد عاق و در اخبار و آثار ائمه وارد شده
است کسیکه روزه واجب مقروض باشد جائز نیست روزه
اختیاری بگیرد و این را حلبی و ابوالصباح از ابی عبدالله
روایت کرده اند .

داود رقی از امام ششم روایت کرده است که فرمود
هر آینه افطار در خانه برادرت فضیلتش بیشتر است از
هفتاد درجه یا نود درجه روزه گرفتن تو .

جمیل ابن دراج از امام ششم روایت کرده است

هر کس در حالیکه روزه دار باشد بر برادرش وارد شود و نزد او افطار کند بدون آنکه او را از روزه اش خبر دهد و بر او منت گذارد خداوند روزه یکسال برای او بنویسد.

مصنف این کتاب رحمه الله میگوید این بود روزه سنت و تطوع میگوییم منظور ابو حامد از سنت روزه سه روز از هر ماهی است و منظور از تطوع غیر از این سه روز روزه های مستحبی دیگر است .

ابو حامد گفته است چون ایام فضیلت معلوم شد پس کمال در اینست که انسان معنی روزه را بفهمد و همانا مقصود از روزه صفای قلب و فراغت حاصل کردن از هموم است برای خداوند. و دانشمند بدقایق باطن باحوالش مینگرد اگر حالش اقتضا داشته باشد همیشه روزه بگیرد خواهد گرفت و اگر همیشه باید روزه بخورد خواهد خورد و اگر حالش مقتضی باشد که گاهی روزه بگیرد و گاهی بخورد چنان خواهد کرد لذا وقتیکه معنی روزه را فهمید و برایش محقق شد که در سیر طریق آخرت باید قلب را مراقبت نماید اصلاح قلب برایش مشکل نخواهد بود و این ترتیب مستمر و معینی ندارد و برای این روایت شده است که پیغمبر (ص) روزه میگیرد تا جائی که میگفتند هرگز افطار

نخواهد کرد و افطار می‌کرد تا حدی که می‌گفتند روزه نخواهد
گرفت و می‌خوابید تا حدی که می‌گفتند بنماز نخواهد ایستاد
و نماز می‌خواند تا جائی که می‌گفتند نخواهد خوابید و این
نحو رفتار بر حسب مقتضای عمل در اوقات مختلف بود
که بنور نبوت برایش کشف میشد . والحمدلله .

حاج اسداله ناصح - دکتر در الهیات

پایان

دُعای هنگام فرارسیدن ماه مبارک رمضان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ وَجَعَلَنَا مِنْ

حمد خدا که حمد خود را با آموخت و ما را شایسته آن

أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ

گردانید ما شکر احسان او بگزاریم و

لِيَجْزِيَنا عَلَى ذَلِكِ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ وَالْحَمْدُ

پادش نیکوکاران بما دهد و سپاس

لِلَّهِ الَّذِي حَبَّأَنَا بِدِينِهِ وَأَخْصَنَا بِمِلَّةِهِ وَ

خدای را که دین پسندیده خویش را با آموخت و سرعت خود را مخصوص ما گردانید و

سَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُكَهَا بِمَنِّهِ إِلَى

به فضل خود همه راههای نیکوکاری را برای ما هموار ساخت تا سوی خوشنودی

رِضْوَانِهِ حَمْدًا بِتَقَبُّلِهِ مِنَّا وَبِرِضَا بِهِ عَنَّا

او شتابیم سپاسی که از ما بپذیرد و خوشنود گردد

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ نِكَاحِ السَّبْلِ شَهْرَهُ

و سپاس خدای را که ماه رمضان را یکی از این راهها

شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرَ الصَّيَامِ وَشَهْرَ الْإِسْلَامِ

شهر داد ماه روزه و ماه طاعت

وَ شَهْرَ الظُّهُورِ وَ شَهْرَ التَّحْبِصِ وَ شَهْرَ الْفِيَامِ

و ماه پکی و ماه آمزشش و ماه شب زنده داری

الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ

است در این ماه قرآن رهنمای مردم فرود آمد بادلیمای روشن

مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَا بَانَ فَضِيلَتُهُ عَلَى

که مان حق و باطل جدا کند و چون خدای حرمت این ماه بیاردهست

سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرْمَانِ الْمَوْفُورَةِ

و فضائل آنرا آشکار ساخت برتری آنرا بر دیگر ماهها ظاهر نمود و آنرا

وَالْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي

بزرگ داشت آنچه در آن ماهها حلال است در این

غَبْرَهُ إِعْظَامًا وَحَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَالْمَشَارِبَ

ماه حرام فسهمود و خوردن و آشامیدن را باحرام او منع

إِكْرَامًا وَجَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيْنَنَا لَا يُحْبِزُ جَلَّ وَعَزَّ

کرد وقت آنرا معین و معلوم قرار داد که اگر کسی و نطفه ماه را

أَنْ يُفَدَّمَ قَبْلَهُ وَلَا يَقْبَلُ أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ شَمًّا

پیشتر انجام دهد خدای عز و جل آنرا اجازت نفرماید و اگر باز پس اندازد نپذیرد

فَضَّلَ لَيْلَةَ وَاحِدَةً مِنْ لَيْلَائِهِ عَلَى لَيْلَائِي

آنگاه یکشب از شبهای آنرا بر شبهای هزار ماه فضیلت

الْفِشْهِرِ وَسَمَّاها لَيْلَةَ الْقَدْرِ نَزَّلَ الْمَلَائِكَةُ

نهاد و آن را شب قدر نامید فرشتگان و روح

وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ سَلَامٌ

در این شب بدستور پروردگار با همه چیز فرود میآیند درود و سلام

دَائِمٌ الْبَرَكَاتُ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَنْ بَشَاءَ

است بفرخندگی بر هر یک از بندگان که بخواهد تا سپیده دم

مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ مِنْ فَضَائِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ

این حکم محکم اوست خدایا درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْهِمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَ

بر محمد و آل او فرست و بما الحام کن تا فضل او را بشناسیم و

إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ وَالتَّحْفُظَ بِمَا حَظَرْتَ فِيهِ

حرمت او نگه داریم و از آنچه بر ما حرام کرده ای پرهیز کنیم

وَاعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكِفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ

و ما را بر روزه آن یاری ده تا دست به معصیت

مَعَاصِيكَ وَاسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ حَتَّى

نیالائیم و ما را بجز کار که تو را خوشنود سازد برگمار تا

لَا نُضْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَعْوٍ وَلَا نُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا

بخان بجموده گوش فراندیم و چشم سوی آنچه بکار

إِلَى لَهُوَ وَحَتَّى لَا نَبْطُطَ أَبْذِبْنَا إِلَى مُحْظُورٍ وَلَا

نیاید بگشائیم و دست سوی حرام فرا نبریم و گام

نَخَطُوا بِأَقْدَامِنَا إِلَىٰ مَحْجُورٍ وَحَتَّىٰ لَا نَبْعَىٰ

سوی کار نهائیت بر نداریم و در شکمهای ما

بُطُونُنَا إِلَّا مَا أَحَلَّتْ وَلَا نَنْطِقَ السِّنِّينَا إِلَّا

جز حلال گنجینه و زبان ما بغیر دستور و رضای

بِمَا مَشَكَّتْ وَلَا نَنْكَلِفُ إِلَّا مَا يُدْرِي مِنْ ثَوَابِكَ

تو نکردد و جز در کاری که ثواب نزدیک باشد نکوشیم

وَلَا نَتَعَاطَىٰ إِلَّا الَّذِي يَفِي مِنْ عِقَابِكَ ثُمَّ

و آنچه ما را از عقاب تو نمکسارد دست فرا بریم و باز

خَلِصُ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِثَاءِ الْمُرَائِبِينَ وَسَمِعَهُ

این اعمال ما را از خود نمائی ریاکاران و شهرت جوئی جاه طلبان

الْمُسْمِعِينَ لَا نَشْرِكُ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ وَلَا

پاک کردن تا غیر تو را در عمل خود شریک ناسازیم و

نَبْتَغِي فِيهِ مُرَادًا سِوَاكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ

مرادی غیر تو نداشته باشیم خدایا درود بر

مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ وَفِينَا فِيهِ عَلَىٰ مَوَاقِبِ الصَّلَاةِ

محمد وآل او فرست و ما را در این ماه بر اوقات نمازی پنجگانه

الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ وَفَرُوضِهَا

واقف گردان با شرائطی که مقدر فرمودی و واجبات

الَّتِي فَرَضْتَ وَوُظَّأَتْ فِيهَا الَّتِي وَظَّفْتَ

و آدابیکه در نماز قسار دادی

وَأَوْقَانِهَا الَّتِي وَقَّتَ وَأَنْزَلْنَا فِيهَا

و اوقاتیکه لازم شمردی و ما را توفیق ده که

مَنْزِلَةَ الْمُصِيبِينَ مِلْنَا زِلْمَهَا الْخَافِظِينَ

منزلت هر کدام را درت بناسیم و ارکان

لِأَرْكَانِهَا الْمُؤَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَانِهَا عَلَىٰ مَا

آن را حفظ کنیم و هر یک را در وقت خود بدستور

سَنَّهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلُّوا نَكَ عَلَيْهِ

بنده و رسول تو صلواتکم علی

وَالِه فِي رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ

و آله در رکوع و سجود و همه آداب و

فَوَاضِلِهَا عَلَىٰ أَنْتُمْ الطَّهُورِ وَأَسْبَغِهِ وَ

زیادات بجا آیریم به طهارتی هر چه تمامتر و کاملتر و

أَبْنِ الْخُشُوعِ وَأَبْلَغِهِ وَوَفِّئْنَا فِيهِ لِأَنَّ

خشوعی هر چه آشکارتر و بلوغ تر و ما را توفیق ده تا

نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَاةِ وَأَزْنَعَاهَدَ

به نیکی و بخشش صلۀ رحم کنیم و با حسان

جِبْرَانِنَا بِالْأَفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ وَأَنْ

و عطا همایجان را بنوازیم و اموال خود

نُخْلِصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبَعَاتِ وَأَنْ نَطَهَّرَهَا

را از حقوق مردم پاک سازیم و به بیرون کردن

بِإِخْرَاجِ الزَّكَاةِ وَأَنْ نُزَاجِعَ مَنْ هَاجَرَنَا

زکوٰة ظاهر کنیم و با هر کس از ما بریده آشتی کنیم

وَأَنْ نُّصِفَ مَنْ ظَلَمْنَا وَانْ نُسَالِمَ مَنْ

و از هر کس بما ستم کرده با تقضای انصاف درگذریم و با دشمن

عَادَانَا حَاشَا مَنْ عُوِدِي فِيكَ وَلَكَ فِائَةٌ

دوست گردیم مگر دشمنیکه در راه تو و برای رضای تو

الْعَدُوُّ الَّذِي لَانُوَالِيهِ وَالْحِزْبُ الَّذِي لَا

با او دشمنیم که با او دوست نشویم و با او دل پاک

نُصَافِيهِ وَأَنْ نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنْ

نداریم و آنقدر از اعمال پاک پیش تو

الْأَعْمَالِ الزَّكِيَّةِ بِمَا نَطَهَّرُنَا بِهِ مِنَ الذَّنُوبِ

آریم که ما را از گناه پاک کند

وَنَعَصِمُنَا فِيهِ مِنْ أَسْئَاتِنَا مِنَ الْعُيُوبِ

و در آن از عیوب باز دارد

حَتَّى لَا يُوْرِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

چنانکه فرشتگان کتر از ما طاعت آرند

الَادُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ

و موجبات قرب گذارند « یعنی بما چنان توفیق ده که از

وَأَنْوَاعِ الْقُرْبَةِ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

فرشتگان بیشتر عبادت کنیم « خدایا درخواست میکنم از تو

بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ وَبِحَقِّ مَنْ نَعَبَدَكَ فِيهِ

بحق این ماه و بحق هر که در این ماه

مِنْ ابْنِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ مِنْ مَلَكٍ

از آغاز تا انجام اطاعت تو کرد از فرشته

قَرَبْتَهُ أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ أَوْ عَبْدٍ صَالِحٍ

مقرب یا پیغمبر مرسل یا بنده صالح و

اخْتَصَصْتَهُ أَنْ نُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَأَهْلِنَا

برگزیده تو که درود بر محمد و خاندانش فرست و ما را

فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ

شایسته آن کرامات گردان که دوستان را نوید دادی

وَأَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجِبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالَغَةِ

و بر خردار کن از آنچه برای عابدان کوشنده

فِي طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنَا فِي نَظْمٍ مِّنِ اسْتِحْقَاقِ الرَّفِيعِ

در عبادت مقرر داشتی و در صف آنان قرارمان ده که

الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

برحمت تو سزاوار رتبه ارجمند گشتند خدایا درود بر محمد و آل او فرست

وَجَنِّبْنَا الْأَلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ وَالتَّقْصِيرَ

و ما را از حیرت و شکست در توحید خود دور دار و از تقصیر

فِي تَجْهِدِكَ وَالشَّكَّ فِي دِينِكَ وَالْعَمَى عَنِ

درستایش و سرکشگی در دین و گمراهی و

سَبِيلِكَ وَالْأَغْفَالَ لِحُرْمَتِكَ وَالْإِنْخِدَاعَ

بی مبالاتی در تعظیم خود حفظ کن تا فریب

لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

دشمن تو شیطان رجیم را بخوریم خدایا درود بر محمد

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَإِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ

وآل او فرست و چون در هر شب از

لَيْلِي إِلَى شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ يُعْنِفُهَا عَفْوِكَ أَوْ

شبهای اینماه بندگانی بعفو تو آزاد

يَهَبُهَا صَفْحَكَ فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ نِكَائِكَ

میشوند و آمرزیده میگردند ما از آن

الرِّقَابِ وَاجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَ

بندگان گردان و بهترین اصحاب این ماه

أَصْحَابِ اللَّهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْحَقْ

قرار ده خدایا درود بر محمد و آل او فرست

ذُنُوبَنَا مَعَ إِخْتِافِ هَيْلِهِ وَاسْلُخْ عَنَّا

و چون ماه به محاق رسد و ناپدید گردد گنناگان ما ناپدید گردان

نُبْعَانِنَا مَعَ انْسِلَاخِ آبَائِهِ حَتَّى يَنْفِضَى عَنَّا

و چون روزهای آن بسلخ آید ما را از معاصی بیرون آور چنانکه ماه بگذرد

وَقَدْ صَفَّيْنَا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ أَخْلَصْنَا

و تو ما را از گناهان پاک گردانیده و از خطای

فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خلاص کرده باش خدا یا درود بر محمد و آل او فرست

وَإِنْ مِلْنَا فِيهِ فَعَدِّ لَنَا وَإِنْ زَعُنَا فِيهِ

و اگر ما در اینها منحرف شدیم تو ما را مستقیم گردان و اگر بغض افتادیم ما را

فَقَوِّمْنَا وَإِنْ اشْتَمَلْنَا عَلَيْهَا عَدِّ لَكَ الشَّيْطَانُ

براه صواب دار و اگر دشمن تو شیطان نزد ما فتنه از آید

فَاسْتَفِذْنَا مِنْهُ اللَّهُمَّ اشْحَنَّهُ بِعِبَادَتِنَا

ما را رهائی ده خدا یا این ماه را از عبادت ما

إِبْرَائِيلَ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْ فَا نَهُ بِطَاعَتِنَا لَكَ وَأَعِينَا

سرشار کن و اوقات آنرا بطاعت آورسته گردان و روزها

فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ وَفِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ

ما را بروزه یاری کن و شب به نماز

وَالْتَضَرُّعِ الْبَيْتِ وَالْخُشُوعِ لَكَ وَالذِّلَّةِ لِبَيْنِ

و زاری و لابه و نیاز و خواری پیش تو اعانت

بَدَبِكَ حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ وَلَا

فسما چنانکه بیسج روزش گواه بر غفلت ما نباشد و بیسج

لَيْلُهُ بِتَفْرِيطٍ اَللّٰهُمَّ وَاَجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ

شبش شاه تقصیر ما نکرد حذایا ما را در سایر ماهها

وَالْاَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَّرْنَا وَاَجْعَلْنَا مِنْ

و روزها تا عمر داریم بدین کارها موفق دار و ما را از

عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ

بندگان شایسته خود گردان که بهشت برین را میراث میبرند

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا

و جاویدان در آن باشند و از آنجا که هر چه بتوانند در راه خدا میدهند

فُلُوْبِهِمْ وَجِلَّةٌ اَتَتْهُمْ اِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ

و دلهاشان ترسان است که سوی خدا باز میگردند

وَمِنَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ

و از آنها که در نیکیها مشتابند و بدان

لَهَا سَابِقُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي

پیش میگیرند خدایا درود بر محمد و آل او فرست در

كُلِّ وَفْتٍ وَكُلِّ آوَانٍ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ عَدَدًا

هر هنگام و هر وقت و بر هر حال و بجهت اندازه که

صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَأَضْعَافَ ذَلِكَ كُلِّهِ

بردیگران فرستادی و چندین برابر آن

بِالْأَضْعَافِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا

چندانکه غیر تو احصا نتواند

غَيْرُكَ إِنَّكَ فَعَّالٌ

کرد . اِنَّكَ فَعَّالٌ

لِمَا تُرِيدُ .

لِمَا تُرِيدُ .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دُعایِ روزهای ماه مبارک رمضان

از ابن عباس روایت کرده اند که حضرت رسول فضیلت بسیار از برای روزه هر روز ماه مبارک رمضان بیان فرمود و از برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار از برای آن دعا ذکر کرده و ما باصل دعا کتفایم نمائیم :

رُزَاوَلُ : **اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ**

خدایا روزه مرا در این روز مانند روزه روزه داران حقیقی «که مقبول

الصَّائِمِينَ وَفِيَّامِي فِيهِ فَيَامَ الْقَائِمِينَ وَ

تست» قرار ده و اقامه نمازم را مانند نماز گذاران واقعی مقرر نموده و مرا از خواب

نَبِّهْنِي فِيهِ عَنِ نَوْمِهِ الْغَافِلِينَ وَهَبْ لِي

خافلان «از یاد تو» هوشیار و بیدار ساز و هم در این روز

جُرْمِي فِيهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَاعْفُ عَنِّي يَا

جرم و گناه هم را بخش ای خدای عالمیان و از رشتیهایم عفو فرما ای

عَافِيًا عَنِ الْمُجْرِمِينَ .

عفو کننده از گناهکاران عالم .

رُزْدَوْمَ : اللَّهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ إِلَى مَرْضَائِكَ

خدایا مرا در این روز برضا و خوشنودیت نزدیک ساز

وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنِقْمَائِكَ وَوَقِّفْنِي

و از خشم و غضبت دور ساز و برای قرائت

فِيهِ لِقِرَائَتِكَ يَا نَيْكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

قرائت موفق گردان بحق رحمت ای مهربانترین مهربانان عالم

رُوزَيْمَ : اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذِّهْنَ وَ

خدایا در این روز مرا هوش و بیداری « در کار طاعت »

النَّبِيَّهَ وَبَاعِدْ فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَالتَّمْوِيهِ

نصیب فرما و از سفاقت و جهالت و کارهای باطل دور گردان

وَاجْعَلْ لِي نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ نَزَلَ فِيهِ

وازمهر چیزی که در این روز نازل میفرمائی مرا نصیب بخش

بجودِكَ يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ .

سجق جود و کرمت ای جود و بخشش دارترین عالم .

رُوزِ چَهارم : اَللّهُمَّ قُوْنِي فِيهِ عَلٰى اِقَامَةِ

خدایا مرا در این روز برای اقامه و انجام فرمانت

اَمْرِكَ وَاذِقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَاوْرِي عَيْنِي

قوت بخش و حلاوت و شیرینی ذکر ت را بمن بچشان و برای ادای

فِيهِ لِادَاءِ شُكْرِكَ وَاَحْفَظْنِي فِيهِ بِحِفْظِكَ

شکر خود بکرمت مهیا ساز و در این روز بحفظ و پرده پوشی مرا

وَسَتْرِكَ يَا اَبْصَرَ النَّاطِرِينَ .

ازگناه محفوظ دار ای بصیرترین بنیایان عالم .

رُوزِ پنجم : اَللّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ

خدایا مرا در این روز از توبه و استغفار کنندگان

الْمُسْتَغْفِرِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ

تزارده و ازبندگان صالح مطیع

الصَّالِحِينَ الْقَانِئِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ

خود مقدر فرما و هم در این روز مرا از

أَوْلِيَاءِكَ الْمُقَرَّبِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

دوستان مقرب درگاه خود قراده بحق لطف و رأفت ای مهربانترین مهربانان عالم

اللَّهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ لِتَعَرُّضِ

ای خدا مرا در این روز بواسطه ارتکاب عصیان

مَعْصِيَتِكَ وَلَا تُضِرِّ بَنِي سِبْاطِ نَفْسِكَ وَ

خوار ساز و بضر تازیانه قدرت کیسه کن و از

وَحَزْحَنِ فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ بِمَنِّكَ وَ

موجبات خشم و غضبت دور گردان بحق احسان و

أَبَادِيكَ بِأَمْنَتِهِمْ رَغْبَةَ الرَّاعِبِينَ .

نعمت ای «بیشمار» تو بخلق ای منتهای آرزوی مشتاقان . ۷۸

رُوزِ هَفْتَمَ : اَللّٰهُمَّ اَعِنِّيْ فِيْهِ عَلٰى صِيَامِهِ

ای خدا مرا در این روز بر روزه و اقامه نماز

وَفِيْ يَامِهِ وَجَنَّبَنِيْ فِيْهِ مِنْ هَفْوَانِهِ وَاثَامِهِ

یاری کن و از لغزشها و گناهان دور ساز

اِرْزُقْنِيْ فِيْهِ ذِكْرَكَ بَدَاوَامِهِ بِتَوْفِيْقِكَ

و ذکر دائم « که تمام روز بیدار تو باشم » نصیبم فرما بحق توفیق بخشی خود

بَاهَادِي الْمُضْلِيْنَ .

ای رهنمای گمراهان عالم .

رُوزِ هَشْتَمَ : اَللّٰهُمَّ اِرْزُقْنِيْ فِيْهِ رَحْمَةً

ای خدا در این روز مرا ترحم

الْاَيْتَامَ وَاِطْعَامَ الطَّعَامِ وَاِنْشَاءَ السَّلَامِ

به یتیمان و اطعام به گرسنگان و انشاء و انتشار سلام در مسلمانان

وَصُحْبَةَ الْكِرَامِ بِطَوْلِكَ بِاَمَلِجَا الْاَمِلِيْنَ .

و مصاحبت نیکان نصیب فرما بحق انعامت ای پناه آرزو مندان عالم .

رُزُوهُمْ : اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيبًا

ای خدا مرا نصیبی «کمال» از

مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَاهْدِنِي فِيهِ

رحمت واسعه خود عطا فرما و باده و براهین روشن

لِبِرَّاهِنِكَ السَّاطِعَةِ وَخُذْ بِنَاصِيئِنَا إِلَى

خود هدایت فرما و پشانی مرا بگیر و بسوی رضا و خوشنودی

مَرْضَانِكَ الْجَامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ بِأَمَلِ الْمُشْتَاظِلَةِ

که جامع هر «نعمت» است سوق ده بحق دوستی و محبت ای آرزوی مشتاقان.

رُزُوهُمْ : اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ

ای خدا مرا در این روز از آنانکه «در تمام امور»

الْمُنَوَّكِلِينَ عَلَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ

بر تو توکل کنند و نزد تو فوز و سعادت

الْفَائِزِينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ

یابند و از مقربان درگاه تو باشند.

المُقَرَّبِينَ إِلَيْكَ بِإِحْسَانِكَ بِأُغَاظَةِ الظَّالِمِينَ

تسارده بحق احسانت ای قهتای آرزوی طالبان .

رُوزِ يَزْدَهْمُ : اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ اِلَيْ فِيهِ الْاِحْسَانَ

ای خدا در این روز احسان و نیکوئی را محبوب من

وَكِرْهُ اِلَيْ فِيهِ الْفُسُوقُ وَالْعِصْيَانُ وَحَرِّمُ

و فسق و معاصی را ناپسند من تسارده و در این روز

عَلَى فِيهِ السَّخَطُ وَالنِّيرَانُ بِعَوْنِكَ يَا

خشم و آتش قهرت را بر من حرام گردان بسیار می خود ای

غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ .

فریادرس فریادخواهان .

رُوزِ دَوَا زِدْهْمُ : اَللّٰهُمَّ زَيِّنِي فِيهِ بِالسَّيْرِ وَ

ای خدا در این روز مرا بزیرستر و عفت

الْعِافِ وَالسَّيْرِ فِيهِ بِلِبَاسِ الْفُنُوعِ وَ

نفس بیارای و بجامه قناعت و کفاف پوشان و

الْكَفَافِ وَاحْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنصَافِ

و بکار عدل و انصاف مدار و

وَإِمْنِي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ بِعِصْمَتِكَ

از همه چه ترسانم مرا این ساز بگمبانی خود

بِاعِصْمَةِ الْخَائِفِينَ .

ای نگهدار و همت بخش خدا ترسان عالم «که ایثار و اولیاء الله اند» .

رُوزِيزِدْهُمُ : اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ فِيْ فِيهِ مِنَ الذَّنَسِ

ای خدا در این روز مرا از پلیدگی و کثافات «هوای

وَالْأَفْذَارِ وَصَبِّرْ فِيهِ عَلَى كَأْسَاتِ

نفس و گناهان» پاک ساز و بر حوادث خیر و شر قضا و قدرت صبر تحمل

الْأَقْدَارِ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلتَّقَى وَصُحْبَةِ الْأَبْرَارِ

عطا کن و بر تقوی و پرهیزکاری و مصاحبت نیکوکاران عالم

بِعَوْنِكَ بِأَفْرَةٍ عَيْنِ الْمَسَاكِينِ .

موفق دار بسیاری خود ای مایه شادی و اطمینان خاطر مسکینان .

روز چهاردهم: اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْ فِي فِيهِ

ای خدا در این مرا بفرستیم
بِالْعَثْرَاتِ وَأَفْلِنِي فِيهِ مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفْوَاتِ

مواخذه مغرما و عذر خط و خطایم بپذیر

وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا لِلْبَلَاءِ وَالْآفَاتِ

و مرا هدف تیر و آفت ای عالم قرار ده

بِعِزَّتِكَ يَا عِزَّ الْمُسْلِمِينَ .

بسحق عزت و جلالت ای عزت بخش اهل اسلام .

روز پانزدهم: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ

ای خدا در این روز طاعت بندگان خاشع و خاضع

الْخَاشِعِينَ وَاشْرَحْ فِيهِ صَدْرِي بِإِنَابَةٍ

نصیب من کردن و شرح صدر مردان فروتن خدا ترس را بمن

الْمُحِبِّينَ يَا مَانِكَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ .

عطا فرما بسحق امان بخشی خود ای ایمنی دلگسای ترسان .

رُوزِ شَاتِرْدَهْم: اَللّٰهُمَّ وَفِّئْنِي فِيهِ لِمَوْافَقَةِ

ای خدا در این روز مرا بر موافقت «اعمال نیک»

الْاَبْرَارِ وَجَنِّبْنِي فِيهِ مُرَافَقَةَ الْاَشْرَارِ وَ

نیکان عالم موافق بدار و از رفاقت اشرار جهان دور گردان و

اَوْفِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ اِلَى دَارِ الْفَرَارِ بِالْهَيْبَتِكَ

مرا در بهشت دارالعتبار برحمت منزل ده بحق الیهیت و معبودیت

بِاِلٰهِ الْعَالَمِيْنَ .

ای خدای عالمیان .

رُوزِ هَمْدِهْم: اَللّٰهُمَّ اِهْدِنِي فِيهِ لِصَالِحِ

ای خدا در این روز مرا باعمال صالحه

الْاَعْمَالِ وَاقْضِ لِي فِيهِ الْاَحْوَابِجَ وَالْاُمَالَ

راهسائی کن و حاجت من و آرزوئیم را بر آورده ساز

بِاَمْنٍ لَا يَحْتَاجُ اِلَى التَّفْسِيْرِ وَالسُّوَالِ بِاَعْلَامِ

ای کسیکه نیازمند بشرح و سوال بندگان نیستی ای خدایک

بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ

«ناگفته ساجادت» برابر خلق آگاهی درود فرست بر محمد

وَالِإِلَهِ الطَّاهِرِينَ .

وآل الطهاره او .

رُوزِ هَيْجَدِهِمُ : اللَّهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِهِ

ای خدا مرا در این روز برای برکات سحر

أَسْحَارِهِ وَتَوَرُّفِهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ

بیدار و متنبه ساز و دلم را بروشنی انوار سحر منور گردان

وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ أَشَارِهِ

وتمام اعضاء «وجوارحم» را برای آثار و برکات این روز مسخر منما

بِنُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ .

سحق نور «جمال» خود ای روشنی بخش دلگشای عارفان .

رُوزِ نُوْزِ دِهِمْ : اللَّهُمَّ وَفِّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ

ای خدا در این روز بجزه مرا از برکاتش

بَرَكَاتِهِ وَسَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى خَيْرَاتِهِ وَلَا

وافر کردن و بسوی خیراتش راهم راسل و آسان ساز

تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ بِأَهَادِيهَا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ

حسنت مقبول آن مرا محروم ساز ای راهنمای بسوی دین حق «و تحقیقت آشکاره

رُوزِ بَيْتِمْ: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ

ای خدا در این روز بروی من درهای بهشتها را بگشا

وَاعْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّيرانِ وَوَفِّقْنِي

و درهای آتش دوزخ ببند و مرا توفیق

فِيهِ لِنِلاوَةِ الْقُرْآنِ بِأَمْزِلِ السَّكِينَةَ

تلاوت قرآن عطا فرما ای فرود آورنده وقار و سکینه

فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ .

بر دلهای اهل ایمان .

رُوزِ بَيْتِمْ وَكَيْتُمْ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى

ای خدا در این روز مرا بسوی رضا و خوشنودی

مَرْضَانِكَ دَلِيلًا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ

خود راه‌نمایی کن و شیطان را بر من مسلط

عَلَى سَبِيلًا وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لِي مَنزِلًا وَ

مگردان و بهشت را منزل و مقام

مُفِيلًا يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ .

قرارداده ای برآورنده حاجات طالبان « معرفت و شفا فان حق تعالیست »

رُوزِيَّتِ و دَوْمٍ : اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ اَبْوَابَ

ای خدا در این روز بر من درهای فضل و

فَضْلِكَ وَاَنْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ وَوَفِّقْنِي

کرمت بخشا و بر من برکاتت را نازل فرما و بر موجبات

فِيهِ لِوُجُوْبَاتِ مَرْضَانِكَ وَاَسْكِنِي فِيهِ

رضا و خوشنودیت موقتیم بدار و در وسط بهشت بیت

بُجُوْحَاتِ جَنَّتِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ

مرا مسکن ده ای اجابت کننده دعای پریشانان

رُوزِ بَيْتِ وَسْمٍ : اَللّٰهُمَّ اغْسِلْنِيْ فِيْهِ مِنْ

ای خدا در این روز مرا از گناهان

الذُّنُوْبِ وَطَهِّرْ فِيْهِ مِنَ الْعُيُوْبِ وَامْتَحِنْ

پاکیزه گردان و از هر عیب و نقص پاک ساز و دلم را در

قَلْبِيْ فِيْهِ بِتَقْوَى الْقُلُوْبِ بِاَمْرِ عَشْرَانَ الْمُدِّنِيَّةِ

آزمایش رتبه دل‌های اهل تقوی بخش ای پذیرنده عذر لغزشهای گناهکاران .

رُوزِ بَيْتِ وَچهارم : اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ فِيْهِ مَا

ای خدا در این روز از تو درخواست میکنم آنچه را

پُرْضِيْكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَبُوْذِيْكَ وَاَسْئَلُكَ

که رضای تو در او است و تپناه میبرم از آنچه تو را ناپسند است و از تو توفیق

النَّوْفِيْقِ فِيْهِ لِاَنَّ اطْبَعَكَ وَاَعْصِيْكَ يَا

میخواهم که در این روز همه را بفرمان تو باشم و هیچ نافرمانی نکنم اے

جَوَادَ السَّائِلِيْنَ .

جود و عطا بخش سوال کنندگان .

روزبیت پنجم: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا لِأَوْلِيَائِكَ

ای خدا مرا در این روز محب دوستانت

وَمُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَنَابِسْتَهُ خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ

وعدوی دشمنانت قرارده و در راه و روش بطریقه سنت خاتم پیغمبرانت بدأ

يَا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ .

ای عصمت بخش دل‌های پیغمبران .

روزبیت ششم: اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا

ای خدا در این روز سعیم را در راه «طاعت» پذیر

وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا وَ

«وجزای خیر عطا فرما» وگناه‌هایم را در این روز بخش و عملم را مقبول و

عَمَلِي فِيهِ مَسْنُورًا يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ .

عیسم را مستور گردان ای بهترین شنوای صدای خلق .

روزبیت هفتم: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلًا

ای خدا در این روز فضیلت

لَبَلَاءُ الْقَدْرِ وَصَبْرٌ فِيهِ أُمُورٌ مِنَ الْعُسْرِ

لیلة القدر را نصیب من گردان و تمام امور و کارهای مشکل مرا

إِلَى الْبُسْرِ وَاقْبَلْ مَعَاذِ بَرِيٍّ وَحُطَّ عَنِّي لَذَنْبٍ

آسان گردان و عذر بپذیرم و وزر و گناهانم محو و

وَالْوِزْرَ بَارِدًا وَفَأَبْعَادِهِ الصَّالِحِينَ .

نا بود ساز ای رؤف و مهربان در حق صالحان .

رُوزِيَّتِمْ وَهَيْتُمْ : اَللّٰهُمَّ وَفَرِحَظِي فِيهِ مِنْ

ای خدا در این روز با اعمال نافله و مستحبات مرا

التَّوَائِلِ وَ اَكْرَمَنِي فِيهِ بِاِحْضَارِ الْمَسْأَلِ وَ

بهره وافر عطا فرما و بجا حاضر و آماده ساختن سائل « یعنی اموری که مسؤل آنم در دنیا و عقبی » در حتم

قَرَّبَ فِيهِ وَ سَيَّلَنِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ

کرم فرما و وسیله مرا بین سائل و اسباب بسوی حضرتت نزدیک ساز

بِأَمْنٍ لَا يَشْغَلُهُ الْحَاحُ الْمَلْحِينُ .

ای خدا ای که سماجت و الحاح بندگان ترا « از کار لطف وجود و بخشش » باز نخواهد داشت .

رُوزِ بَيْتِ نَهْمٍ : اَللّٰهُمَّ غَشِيْنِيْ فِيْهِ بِالرَّحْمَةِ

ای خدا در این روز مرا «سراپا» برحت خود درپوشان

وَ اَرْزُقْنِيْ فِيْهِ التَّوْفِيْقَ وَ الْعِصْمَةَ وَ طَهِّرْ

و هم توفیق و حفظ از گناهان روزی فرما و دلم را

قَلْبِيْ مِنْ غَيِّهَا هِبْ لِنُفْسِيْ بِاَرْحَمِ اَرْحَمِ الْمَوْئِيْدِيْنَ

از تاریکیهای شکوک و اوهم باطل پاک دار ای خدای مهربان براهل ایمان

: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِيْ فِيْهِ

ای خدا در این روز روزه مرا با جزای خیر و

بِالشُّكْرِ وَ الْقَبُوْلِ عَلٰی مَا تَرْضَاهُ وَ بِرِضَاةِ

مقبول حضرتت قرار ده که پسند حضرتت و پسند رسالت

الرَّسُوْلِ مُحْكَمَةً فُرُوْعُهُ بِالْاُصُوْلِ بِحَقِّ

گردد و فروع آنرا بواسطه اصول آن «که ایمان و توجه بتو است» محکم اساس

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ اِلٰهِ الظَّاهِرِيْنَ وَ

گردان بحق سید ما حضرت محمد و آل اطهارش

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

ستایش خدای را که پروردگار عالیمان است .

دُعای بعد از مهرنما در ماه مبارک رمضان

يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ أَنْتَ

ای خدای بلند مقام ای بزرگوار ای آمرزنده ای مهربان توئی

الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ

خدای بزرگ که هیچ شئی ومانندی ندارد و بگفتار و

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَهَذَا شَهْرُ عَظَمَتِهِ وَكَرَمَتِهِ

کردار خلق شنوا و بینا است و این ماه است که مقامش عظیم کردی و کرامت

وَشَرَفَتِهِ وَفَضْلَتِهِ عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ

و شرافت و فضیلتش بر سایر ماهها دادی و این ماه است

الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ

که روزه اش بر من واجب گردانیدی و این ماه رمضان است

الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَ

که در آن قرآن را نازل فرمودی برای راهنمایی مردم و

بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ وَجَعَلْتَ فِيهِ

روشن کردن راه هدایت و جدا نمودن حق از باطل و شب قدر را در این

لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَبْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

ماه مقرر داشتی که آن شب را بر هزار ماه برتری دادی

فَبِأَذْمِنَ وَلَا يُمْنُ عَلَيْكَ مِنْ عَلَيَّ بِفِكَالِ

پس ای خدا اینکه بر همه منت داری و هیچکس بر تو منت ندارد بر من منت گذار در میان

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فِيمَنْ تَمُنُّ عَلَيْهِ وَأَدْخِلْنِي

آن همه بندگانت که منت گذارده امی و از آتش دوزخ نجات بخش و بد بهشت ابدت

الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

داخل گردان بحق رحمت بی پایانت ای مهربانترین مهربانان عالم

روایت کردند که هر که این دعا بخواند در هر شب ماه رمضان
گناهان چهل سال او آفریده شود :

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ

ای خدا ای رب ماه رمضان که در این ماه قرآن

فِيهِ الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتَ فِيهِ الصِّيَامَ صَلَّى

را نازل کردی و بر بندگانت روزه را واجب فرمودی در وقت

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ

بر محمد و آل محمد و مرا حج بیت الحرامت

الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ اغْفِرْ

را در این سال و در همه سال نصیب گردان و آن

لِي نِيْلِكَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا

گناهان بزرگ مرا بیامرز که آن گناهان را

غَيْرُكَ يَا رَحْمَنُ يَا عَلَامُ .

جز تو کسی ای خدای بخشنده دانا نمی آفرزد .

دُعای افتتاح

که خواندن آن در هر شب از ماه رمضان ثواب بسیار دارد
اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الشَّأْنَ بِمَحْمَدِكَ وَأَنْتَ مُسَدِّدُ

ای خدا من افتتاح ستایش را بسمه تو میکنم و تو توفیق میدهی

لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ وَأَبْقَيْتُ أَنْتَ أَنْتَ أَرْحَمُ

برای صواب بپنجش خود و یقین دارم که تو

الرَّاحِمِينَ فِي مَوَاضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ

مهربانانے در جای عفو و گذشت و سخت ترین

الْمُعَافِينَ فِي مَوَاضِعِ التَّكَالِ وَالنِّفْمَةِ وَأَعْظَمُ

کیفر دهنده گانی در مقام گوشمالی و سرکوبی و بزرگترین

الْمُجَبِّرِينَ فِي مَوَاضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَّةِ

جبارانی در جای بزرگی و کبر باری

اللَّهُمَّ آذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْأَلَتِكَ

ای خدا تو بمن اجازه داده ای که بدعاگهت دعا کنم و حاجت طلبم

فَاسْمَعْ بِأَسْمِيعُ مِدْحَتِي وَاجِبُ بِأَرْحِيمُ دَعْوَتِي

پس ای شنو پاس مرا بپذیر و دعایم را اجابت فرما

وَافِلُ بِأَغْفُورُ عَثْرَتِي فَكَمْ بِأَالِهِي مِنْ

و از لغزشم بگرمت درگذر که چه بسیار تو غصه و

كُرْبَةٍ فَدَفَرَجَتْهَا وَهُومٌ فَدَكَشَفَتْهَا وَ

اندوهها را برطرف کرده ای و هستم و غمها را زایل ساخته ای و

عَثْرَتِي فَدَأْفَلَتْهَا وَرَحْمَةٌ فَدَنْشَرْتَهَا وَ

لغزشها را بخشیده ای و رحمت بیشتر بر خلق نموده ای و

حَلْفَةٍ بَلَاءٍ فَدَفَكَّكْتَهَا أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

زنجیرهای بلا را درهم گسته ای ستایش خدای که

لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وِلْدًا وَلَا مَكُنْ لَهُ

جفت و فرزندمی بگرفته و او را در ملک

شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ وَلَا مَكُنْ لَهُ وَوَلِيٌّ مِنْ

وجود شریکی نیست و قدرت کاملش بی نیاز از یار و

الذُّلِّ وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا أَلْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ

مدد کار است و بزرگترین تکبیر و ستایش را سزاوار است ستایش خدای راست به معنی

مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا أَلْحَمْدُ

اوصاف کما تبارک و تعالی بر تمام نعمت های بی شمارش ستایش

لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ وَلَا

خدای راست که در ملکش هیچ ضد و مخالفی ندارد و در امر

مُنَازَعٍ لَهُ فِي أَمْرِهِ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا

و فرمایش خاصی کشمکش تواند ستایش خدای راست که در

شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْفِهِ وَلَا شِبْهَ «شِبْهَ» لَهُ

آفرینش او را شریک نباشد و در بزرگی و بزرگواری او را

فِي عَظَمَتِهِ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ

مانند نیست ستایش خدای راست که امرش در خلق

أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظَّاهِرُ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ

ناقد و اوصافش آشکار و مجد و بزرگواریش بطاعت و کرمش پدیدار است

الْبَاسِطُ بِالْجُودِ بَدَهُ الَّذِي لَا تَنْقُصُ

دست خاتمش بیود و بخشش بر خلق گشاده و گنجینه ای رحمتش نقصان

خَزَائِنُهُ وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُودًا

نپذیرد و کثرت عطا و بخشش جز بر جود و کرامتش

وَكَرَمًا إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ

نیفزاید که او بسیار با عزت و اقتدار و بخشش است بار خدا یا

إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي

از تو درخواست میکنم اندکی از بسیار حاجتم را با آنکه آن

إِلَيْهِ عَظِيمَةٌ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ

سنت حاجتمندم و تو از آن حاجت از ازل بی نیاز بودی و همان

عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ بِسِيرٍ

قلیل حاجت نزد من بسیار است و برای تو سهل و آسان

اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي وَتَجَاوُزَكَ عَنِّي

ای خدا آمرزشش تو از گناه من و گذشتت از

خَطِيئَتِي وَصَفَحَكَ عَنْ ظُلْمِي وَسِثْرَكَ عَلَيَّ

خطایم و بخشش از ظلمم و پرده پوشیت بر

قَبِيحِ عَمَلِي وَحِلْمِكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَكَ

عمل زشتم و حلم و بردباریت بر گناه بسیارم که

مَا كَانَ مِنْ خَطَايَ وَعَمْدِي أَطْعَمَنِي فِي

بعد یا خطا کردم مرا بطعم انداخت که از تو

أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذِي

درخواست کنم چیزی را که استحقاق آنرا ندارم و تو بلطف

رِزْقَتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَرْبَتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ

و رحمت روزیم گردانیدی و قدرت را در آن بمن نشان دادی

وَعَرَّفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ فَصِرْتُ أَدْعُوكَ

و اجابت را شناساندم تا بادل مطمن تو را در بخوانم

أَمِنًا وَأَسْأَلَكَ مُسْتَأْنِسًا لِاخْتِافًا وَلَا

و با اطمینان و رغبت و بی ترس و مهابت از تو حاجت بطلبم

وَجِلًّا مُدًّا لَا عَلَبَكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ ^ع ^د

و باناز و دلال بر تو آنچه میخواستم تقاضا

إِلَيْكَ فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي ^ع عَثَبْتُ بِجَهْلِي

کردم و اگر دیر حاجتم را بر آوردی از نادانی بر تو عتاب

عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي

کردم در صورتیکه تاخیر حاجتم مرا بهتر بوده

لِعَلِّكَ بِعَافِيَةِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرِ مَوْلًا ^ع مُؤْتَمَلًا

چون تو دانا بعاقبت امور خلقی «میدانستی که مرا این حاجت تاخیرش بهتر است» پس من هیچ

كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَىٰ عَبْدٍ لَيْسَ مِنِّي ^ع عَلَيَّ

مولای کریمی را بر بنده لیسیمی صبورتر از تو بر خود ندیدم ای

رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأُوَلِّي عَنكَ وَتَتَخَبَّبُ

پروردگارا من تو را دعوت میکنی من از تو روی میگردانم تو محبت افزون

إِلَيَّ فَأَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ وَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ

میسازی و من با تو بخشم در میآیم و با من دوستی و شفقت میفرمائی و من نمیپذیرم

مِنْكَ كَأَنَّ إِلَى الطَّوْلِ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعَكَ

که گویا مرا بر تو حتی نعت وقت است و این ناپاسی مانع

ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ وَ

از افاضه رحمت و احسانت بر من نشده و از

التَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَأَرْحَمُ عَبْدَكَ

فضل وجود و کرمت نکانت پس بحال این بنده

الْجَاهِلِ وَجَدُّ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ

نادانست ترحم کن و بفضل و احسانت بر او بخش که تو بسیار

جَوَادُ كَرِيمٍ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِي

با بخشش و کرمی ستایش مخصوص خداست که مالک ملک وجود و روان ساز

الْفُلْكِ مُسَخِّرِ الزَّيْبَاجِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ دَبَّانِ

کشتیهای عالم و مسخرکننده باد و پدیدارنده صبحگاهان از شب حکمفرمای

الَّذِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حَلِيهِ

روز جزا و پروردگار عالمیان ستایش خدا را بر حیل او

بَعْدَ عَلَيْهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ عَفْوِهِ بَعْدَ

پس از عفو او و ستایش خدا را بر عفو او پس از

قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ طَوْلِ أَنَانِيهِ فِي

قدرتش و ستایش خدا را بر حلم و بردباری طولانی او در

غَضَبِهِ وَهُوَ فَادِرٌ عَلَىٰ مَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ

مقام غضبش در صورتیکه بر هر چه خواهد تواناست ستایش مخصوص خداست

خَالِقِ الْخَلْقِ بَاسِطِ الرِّزْقِ فَالِقِ

که آفریننده خلق و گستراننده خوان روزی بر خلق و پدید آورنده

الإصباحِ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ

صبحگاهان و صاحب جلال و کرم و فضل

«الْفَضْلِ» وَالْإِنْعَامِ «الْإِحْسَانِ» الَّذِي بَعْدَ

و انعام و احسان آن خداست که از نظر او دورست

فَلَا يُرَىٰ وَ قَرُبَ فَشَهِدَ التَّجْوِي تَبَارَكَ

و دیده نمیشود و به نزدیکی است ناظر رازهای پنهان است او است بزرگوار

وَتَعَالَى أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ بُعَادِلُهُ

و بلند مرتبه ستایش مخصوص خدائی است که نه کسی مقابلش بخصوصت برنیزد

وَلَا شَبِيهٌ بِشَاكِلِهِ وَلَا ظَهِيرٌ بِعَاصِدِهِ

و نه شبیهی که مانندش باشد و نه معینی که مددکار او شود

فَهَرَّ بِعِزَّتِهِ الْأَعْرَآءُ وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُطَّآءُ

عزیزان در مقابل عزتش همه مقهور و بزرگان همه در پیشگاه عظمتش فروتن و خاضعند

فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا بَشَاءُ أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي

و قدرت کاشش بر هر چه خواهد رساست ستایش خدا را که چون

يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ وَيَسْتُرْ عَلَيَّ كُلَّ

اوراندا کنم جواب دهد و هر عیب و نقص را بر من

عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ وَبُعْظُمُ النِّعْمَةِ عَلَيَّ

پوشاند در حالیکه مرا کتب معصیت او هستم و مرا نعمت بزرگ می بخشد

فَلَا أُجَازِيهِ فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَنِيئَةٍ

و شکرش نمیگذارم پس چه بسیار موهبت و بخشش گرانبها

قَدْ أَعْطَانِي وَعَظِيمَةً مَخُوفَةً قَدْ كَفَانِي وَ

مرا عطا کرد و چه امور هولناک سخت را از من دفع کرد و

بِهَجَةٍ مُؤْنِفَةٍ فَنَدَارَانِي فَاتَّيَنِي عَلَيْهِ

شادمانیهای شکست انگیز را نمودارم ساخت پس من هم او را بستایش

حَامِدًا وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

شنا گویم و بیایکی از هر عیب یاد کنم ستایش مختص خدائی است که

لَا يُهْنَكُ جِجَابُهُ وَلَا يُغْلِقُ بَابَهُ وَلَا يُرَدُّ

پرده که او نهد کس نهد و درمی که او بگشاید کس نبندد کسی که از او درخوبت

سَأَلُهُ وَلَا يُخَيِّبُ أَمَلَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

کند مردود نشود و هر که با او چشم امید دارد محروم نخواهد گشت ستایش خدای را که

بُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَيُنْجِي الصَّالِحِينَ وَيَرْفَعُ

ترسناکان را ایمنی بخشد و صالحان را نجات دهد و ضعیفان را

الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ

بند گرداند و گردنکشان را خوار سازد

وَبُهْلِكَ مُلُوكًا وَبِخُلْفِ أَخْرِبٍ وَ

و پادشاهان را هلاک سازد و دیگران را بجای آنان می نشاند و

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاصِمِ الْجَبَّارِينَ مُبِيرِ الظَّالِمِينَ

ستایش خدای را که درهم شکننده سرکشان و هلاک کننده ستمکاران است

مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ نَكَالِ الظَّالِمِينَ

و دریا بنده گریزندگان و کبیسه رساننده ظالمان

صَرِيحِ الْمُنْصَرِحِينَ مَوْضِعِ حَاجَاتِ الظَّالِمِينَ

فریاد درس فریاد خوانان است و مرجع حاجت نیازمندان

مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ

و محل اعتماد اهل ایمان ستایش خدای را که آسمان و

خَشَبَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا وَرُجْفُ

ساکنانش از ترس او میسازند و زمین و

الْأَرْضُ وَعُمَارُهَا وَتَمُوجُ الْبِحَارِ وَمَنْ يَسْبَحُ

ابش بر خود میسرزند و دریاها و هر که در اعماق آنها شناور

«بُئِيتُ» فِي غَمْرَانِهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا

است جوشان و خروشانند ستایش خدای را که ما را باین «دین توحید»

لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا

هدایت کرد و اگر ما را خدا راه‌نمائی نمی‌کرد ما خودمان هدایت

اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَخَلِقُ وَلَمْ يَخْلُقْ

نیاید قیّم ستایش مخصوص خداست که خلق میکند و کسی او را خلق نکرده

وَبَرَزُقٌ وَلَا يُرْزَقُ وَبُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ

و همه را روزی میدهد و خود روزی نمی‌خواهد و طعام می‌خوراند و خود از طعام مستغنی است

وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ حَيٌّ

و زنده را می‌سیراند و مرده را زنده می‌سازد و خود زنده ابدی

لَا يَمُوتُ بِبَدِيهِ الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

است و هر خیر و نیکی بدست قدرت اوست و او بر هر چیز

قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ

تواناست خدایا درود فرست بر محمد و آل او بنده

رَسُولِكَ وَآمِينِكَ وَصَفِيكَ وَحَبِيبِكَ وَ

رسول و امین و حیت و برگزیده و حبیب و

خَبْرَتِكَ مِنْ خَلْفِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَ مُبَلِّغِ

مخبرتو از خلقت و حافظ سرتو و رساننده

رِسَالَتِكَ اَفْضَلَ وَ اَحْسَنَ وَ اَجْمَلَ وَ اَكْمَلَ

رسالت بخلق بر او فرست درودی افزونتر و خوبتر و نیکوتر و کاملتر

وَ اَزْكٰى وَ اَنْمٰى وَ اَطْيَبَ وَ اَطْهَرَ وَ اَسْنٰى وَ

وخالصتر و نامی و مؤثرتر و خوشتر و پاک و پاکیزه تر و بلند مرتبه تر و

اَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ

درودی بیش از آنچه درود و برکت و رحمت و تهنیت

وَ سَلَّمْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَ اَنْبِيَاۡئِكَ

و تسلیت فرستادی بر هر یک از بندگان خاصت و پیغمبران

وَ رُسُلِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ اَهْلِ الْكِرَامَةِ

و رسولانت و خاقان اهل کرامت و عزت

عَلَيْكَ مِنْ خَلْفِكَ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ

از میان خلق خدایا درود فرست بر

عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ

علی و پیشوای اهل ایمان و وصی پیغمبر خدای

الْعَالَمِينَ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ

جهان بنده خاص ولی و دوستدار تو و برادر رسالت

وَجُجَّيْنِكَ عَلَيَّ خَلْفِكَ وَأَبْنِكَ الْكَبْرَى

و حجت تو بر خلق تو و آیت و نشانه بزرگت

وَالنَّبَأِ الْعَظِيمِ وَصَلِّ عَلَيَّ الصِّدِّيقَةِ

و خبر باشان و عظمت و درود فرست بر صدیق

الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

طاهره حضرت فاطمه سیده زنان عالم و هم

وَصَلِّ عَلَيَّ سِبْطِي الرَّحْمَةِ وَإِمَامِي الْهُدَى

درود فرست بر دوسبط پیغمبر رحمت و دو پیشوای هدایت

الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ

حضرت حسن و حسین دو سید جوانان اهل

الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلَى أُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ

بهشت و هم درود فرست بر امامان و پیشوایان مسلمانان حضرت علی بن

الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ

الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و

مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ

موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی

عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْخَلْفِ

القی و علی بن محمد القتی و حسن بن علی العسکری و خلف او

الْهَادِي الْمَهْدِيِّ بِحُجَّتِكَ عَلِيَّ عِبَادِكَ وَ

امام هادی و مهدی اینها حجت های تو بر بندگان تو هستند و

أَمْنًا لَكَ فِي بِلَادِكَ صَلَوَةٌ كَثِيرَةٌ دَائِمَةٌ

امین های تو در شهر و دیار عالم درود بسیار و دائم بر آنان فرست

اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَىٰ وَدِيَّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ

خدایا درود فرست بروی خود صاحب الامر امام قائم

وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَحُفَّتْ بِمَلَأَتِكَ الْمُقْرَبِينَ

منتظر و او را بسپاه فرشتگان مقربت فرماید

وَأَبْدُكَ بِرُوحِ الْقُدْسِ بِأَرْبَتِ الْعَالَمِينَ

و بروح القدس مؤید مدار امی پروردگار عالم

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَىٰ كِتَابِكَ وَالْقَائِمِ

خدایا او را مقرر فرما تا دعوت بکتاب آسمانی تو کند و به ترویج

بِدِينِكَ اسْتَخْلِفَهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ

دین تو قیام فرماید و او را خلیفه خود در زمین گردان چنانکه پیشینیان

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ

اورا امام و خلیفه گردانیدی و او را تمکن ده برای حفظ دین او که پسند تو است

لَهُ أَبَدًا مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ آمِنًا بِعَبْدِكَ لَا

و خوف او را پس از این مدت بدل با بینی گردان تا ترا بپرستد و بیخ

بُشْرِكُ بِكَ شَيْبًا اللَّهُمَّ اَعِزَّهُ وَاَعِزُّ بِهِ

تو شریک بنیاد و خدا یا اورا عزت بخش و ما را بطورش عزیز گردان

وَانصُرُهُ وَاَنْصِرْ بِهِ وَاَنْصُرُهُ نَصْرًا عَزِيزًا

و اورا یاری کن و ما را با و یاری فرما و اورا نصرت کامل با عزت و اقتدار بخش

وَاَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا بَسِيرًا وَاَجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ

و آسانی جهان را بدست او فتح کن و از جانب خود اورا سلطنت و

سُلْطَانًا نَصِيرًا اللَّهُمَّ اظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ

قدرت غایت فرما خدا یا بدست او دینت را دست پیغمبرت

سُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ

را آشکار ساز تا آنکه دیگر چیزی از حق و حقیقت از

مَخَافَةِ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ اِنَّا نَرْغِبُ

ترس احدی از خلق مخفی نمائند خدا یا ما امید و اشتیاق

إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ نَعِزُّ بِهَا إِلَى سَلَامٍ وَ

داریم که دولت با کرامت آن امام زمان را بطور آردمی و اسلام و اہلس را بآن

أَهْلَهُ وَنُذِلَ بِهَا الْإِنْفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَتَجَعَلْنَا

عزت بخشی و نفاق و اهل نفاق را ذلیل گردانی و ما را در آن

فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى

دولت حقّه اهل دعوت بطاعت و از پیشوایان راه هدایت

سَبِيلِكَ وَرَزَقْنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ

قرار دهی و بواسطه آن بزرگوار بنا عزت و کرامت دنیا و آخرت

الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ مَا عَرَفْنَا مِنْ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ وَ

عطا فرمائی خدایا آنچه از حق که ما را بآن شناسا کردی بعمل آن هم و ادا کن

مَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَاهُ اللَّهُمَّ الْمُمْ بِهِ

و آنچه نشناخته ایم بمقام معرفتش برسان خدایا پریشانی ما را بآن

شَعْنًا وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقْ بِهِ فَتَقْنَا

امام جمع کردن و پراکنده گی امور ما بوجود او اصلاح فرما و شکاف و تفرقه ای ما را اتحاد

وَكَثْرَبِهِ فَلَنَّا وَاعْزِزْ بِهِ ذِلَّتْنَا وَاعْنِ بِهِ

بخش و عده قلیل ما را بسیار گردان و ذلت ما را بوجودش بدل بعزت ساز و نیاز ما را بدل

عَاثَلْنَا وَاقْضِ بِهِ عَنْ مَعْرَمِنَا وَاجْبُرْ بِهِ

به بی نیازی گردان و دین ما را ببردش او فرما و فقر و بینوایی ما را

فَقْرَنَا وَسُدَّ بِهِ خَلْتَنَا وَبَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا وَ

جبران فرما نقص و خلل ما را سدود ساز و مشکلات ما را ببردش آسان گردان

بَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا وَفُكَّ بِهِ أَسْرَنَا وَانْجُحْ

و بوجداد و ما را روشید گردان و اسیران را آزاد ساز و حاجت های

بِهِ طَلِبَتَنَا وَانْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَاسْتَجِبْ

ما را روا گردان و وعده هاییکه ما را بوجدش دادی منجز گردان و بر ما

بِهِ دَعْوَتَنَا وَاعْظِنَا بِهِ سُؤْلَنَا وَبَلِّغْنَا بِهِ

دعای ما را استجاب و درخواستهای ما را عطا فرما و به آرزوهاییکه در

مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَمْالَنَا وَاعْظِنَا بِهِ

دنیا و آخرت داریم برسان و بسا فوق آنچه

فَوْقَ رَغْبَتِنَا بِأَخْبَرَ الْمَسْئُولِينَ وَ أَوْسَعَ

ما بایم عطا فرما ای بهترین کس در میان سؤال شدگان و وسیع نظر تر

الْمُعْطِينَ اشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَآذْهِبْ بِهِ

از همه عطاکنندگان و برکت او در دومی باطنی ما را شفا بخش و خشم دل‌های

غَبْظَ قُلُوبِنَا وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ

ما را فروزان بوجودش ما را بحق با همه اختلاف کرده است با تفاوت

مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ

هدایت فرما که تو البته هر که را خواهی براه

إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَانصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ

راست هدایت میفرمائی و بنظیر او ما را بر دشمنان تو و دشمنان ما

وَعَدُونَا إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو

نصرت بخش ای خدای بحق این دعا را بکرمت مستجاب فرما بار الهی بدرگاه تو شکایت

إِلَيْكَ فَفَدِّ نَبِيَّنَا صَلِّ وَأَنْتَ عَلَيَّ وَاللَّهُ

میکنیم از فقدان پیغمبر ما صلوات الله علیه

وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا

و از غیبت امام ما و بسیاری دشمنان ما و کمی عدد ما

وَسِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَنَظَاهِرَ الزَّمَانِ

و فتنه ای سخت بر ما و غلبه محیط روزگار

عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعِنَّا

بر ما پس درود بر محمد و آل محمد فرست و ما را در

عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تَعْجِلُهُ وَبِضُرِّ تَكْشِفُهُ

بند این امور یاری کن بفتح عاجلی از جانب خود و برطرف ساختن رنج و سختی

وَنَصْرِ نِعْرُهُ وَسُلْطَانِ حَقِّ نَظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ

و نصرت با اقتدار و عزت و سلطنت حقه که تو آشکار گردانی و رحمتی

مِنْكَ تُجَلِّلُنَا هَا وَغَافِبُهُ مِنْكَ تُلْبِسُنَا هَا

از تو جت که بر همه ما شامل گردد و لباس عافیت که ما را بپوشاند

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بسختی رحمت نامتناهیست ای مهربانترین مهربانان عالم .

دُعای عظیم الشانی که از حضرت رضا نقل شده که فرموده این دعا را حضرت
امام محمد باقر در سحرهای ماه رمضان میخواند :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ يَا بَهَاءُ

خدایا من از تو درخواست میکنم بحق نورانی ترین مراتب انوارت

وَكُلُّ بَهَائِكَ بِمِثْلِ اللَّهِمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ

در صورتیکه تمام مراتب آن نورانی است خدایا پس درخواست میکنم بحق تمام مراتب

كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ يَا جَمِيلُ

نورانیتت بار خدایا از تو درخواست میکنم بحق نیکوترین مراتب جمالت

وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ

در صورتیکه تمام مراتب جمالت نیکوست خدایا پس درخواست میکنم بحق تمام مراتب

كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ يَا جَلِيلُ

جمالت بار خدایا از تو درخواست میکنم بحق عالیترین مراتب جلالت

وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ

در صورتیکه تمام مراتب جلالت عالی است خدایا پس از تو درخواست میکنم بحق تمام مراتب

كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا

جلالت بار خدایا از تو درخواست میکنم بحق بزرگترین مراتب عظمت

وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ

در صورتیکه تمام مراتب عظمت بزرگ است خدایا پس درخواست میکنم بحق تمام مراتب

كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ

عظمت بار خدایا از تو درخواست میکنم بحق روشنترین مراتب نورت

وَكُلُّ نُورِكَ نَبِيرُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ

در صورتیکه تمام مراتب نورت روشن است خدایا پس از تو درخواست میکنم بحق تمام مراتب

كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا

نورت بار خدایا از تو درخواست میکنم بوسیعترین مراتب رحمت

وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

در صورتیکه تمام مراتب رحمت وسیع است خدایا پس از تو درخواست میکنم

بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

بحق تمام مراتب رحمت بار خدایا از تو درخواست میکنم بکاملترین

كَلِمَاتِكَ بِأَنْتُمْهَا وَكُلُّ كَلِمَاتِكَ ثَامَةٌ

کلمات در صورتیکه جمع کلمات کامل است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ

خدایا پس از تو درخواست میکنم بحق تمام کلمات بار خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْبَرِهِ وَكُلُّ

از تو درخواست میکنم بعالیترین مراتب کلمات در صورتیکه

كَمَالِكَ كَامِلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ

تمام مراتب آن کامل است خدایا پس از تو درخواست میکنم بحق تمام مراتب

كَلِمَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ

کلمات بار خدایا از تو درخواست میکنم بزرگترین نامهایت

بِأَكْبَرِهَا وَكُلُّ أَسْمَائِكَ كِبِيرَةٌ اللَّهُمَّ

در صورتیکه تمام نامهایت بزرگ است خدایا پس

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي

از تو درخواست میکنم بحق تمام نامهایت بار خدایا از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا وَكُلِّ عِزَّتِكَ

درخواست میکنم بعالیترین مراتب عزت در صورتیکه تمام مراتب

عِزَّتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا

آن عالی است خدایا پس از تو درخواست میکنم بحق تمام مراتب عزت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيبَتِكَ بِأَمْضَاهَا

بار خدایا از تو درخواست میکنم بحق نافذترین مراتب مشیت

وَكُلِّ مَشِيبَتِكَ مَا ضِيقَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

در صورتیکه تمام مراتب آن نافذ است خدایا پس از تو درخواست میکنم

بِمَشِيبَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

بحق تمام مراتب مشیت بار خدایا از تو درخواست میکنم آن

قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلَّتْ بِهَا

قدرت کمالی که بر همه اشیا احاطه

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ اللَّهُمَّ

دارد در صورتیکه همه مراتب قدرتت باشیا احاطه دارد خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي

پس درخواست میکنم بحق تمام مراتب قدرتت بار خدایا از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ عَمَلِكَ بِإِنْفَادِهِ وَكُلِّ عَمَلِكَ

درخواست میکنم بحق نافذترین مراتب عملت در صورتیکه تمام مراتب عملت

نَافِذُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَمَلِكَ كُلِّهِ

نافذ است خدایا پس از تو درخواست میکنم بحق تمام مراتب عملت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضَائِهِ وَ

بار خدایا از تو درخواست میکنم بحق پسندیده ترین سخنهایت در صورتیکه

كُلِّ قَوْلِكَ رَضِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ

تمام سخنهایت پسندیده است خدایا پس درخواست میکنم بتمام

كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَسْأَلِكَ

سخنهایت خدایا از تو درخواست میکنم بحق محبوب ترین حاجت

بِحَاجَتِهَا إِلَيْكَ وَكُلِّ مَسْأَلِكَ إِلَيْكَ حَبِيبَةً

که بر آورده امی در صورتیکه تمام حاجت آنکه بر آورده امی محبوب است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ

خدایا پس درخواست میکنم بحق تمام حاجاتیک برآورده ای بار خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلُّ

از تو درخواست میکنم به شریفترین مراتب شرافت در صورتیکه تمام

شَرَفِكَ شَرِيفُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ

مراتب آن شریف است خدایا پس درخواست میکنم تمام مراتب

كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِ

شرافت خدایا از تو درخواست میکنم بحق ابدی ترین مقام پادشاهیت

وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

در صورتیکه تمام آن ابدی است خدایا پس از تو درخواست میکنم

بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

بحق تمام مقام پادشاهیت خدایا از تو درخواست میکنم بحق نیکو ترین

مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فَافْخَرُ اللَّهُمَّ

مراتب ملک در صورتیکه تمام مراتب آن نیکو است خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ أَللَّهُمَّ إِنِّي

پس از تو درخواست میکنم بنام مراتب ملکت خدا یا از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ عُلُوكَ بِأَعْلَاهُ وَكُلِّ عُلُوكَ

درخواست میکنم بحق عالیترین مراتب بندت در صورتیکه تمام مراتب آن

عَالِ أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعُلُوكَ كُلِّهِ

عالی است خدا یا پس از تو درخواست میکنم بنام مقامات بندت

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِأَقْدَمِهِ وَ

خدا یا از تو درخواست میکنم بحق قدیمیترین احسانیت در صورتیکه

كُلِّ مَنِّكَ فَدِبْرُ أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ

تمام احسانیت قدیم است خدا یا پس درخواست میکنم بنام

كُلِّهِ أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ إِبَانِكَ بِأَكْرَمِهَا

احسانیت خدا یا از تو درخواست میکنم بحق گرامیترین آیات در صورتیکه

وَكُلِّ إِبَانِكَ كَرِيمَةً أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

تمام آیات گرامی است خدا پس درخواست میکنم

يَا بَانِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ

بمحق تمام آیات خدا یا از تو درخواست میکنم بحق همه چه که

فِيهِ مِنَ الشَّانِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَسْأَلُكَ

در آن شان و جبروت جمع است و

بِكُلِّ شَأْنٍ وَحَدَهُ وَجَبْرُوتٍ وَحَدَهَا

بمحق هر شانی تنها و جبروتی تنها

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا يُحِبُّنِي حِينَ أَسْأَلُكَ

خدا یا از تو درخواست میکنم بحق آن چیزی که اگر تو را بان چیز بخوانم اجابت

فَاجِبْنِي يَا اللَّهُ

میکنی پس تو دعایم را اجابت فرما .

پس هر حاجت که داری از خدا بخواه که البته برآورده است

در مصباح شیخ از ابو حمزه ثمالی روایت کرده که گفت حضرت امام زین العابدین
علیه السلام در ماه رمضان بیشتر از شب نماز میکرد و چون سحر میشد این دعا را میخواند :

إِلَهِي لَا نُؤَدِّبُنِي بِعُقُوبَتِكَ وَلَا تَمَكُرُ بِي

خدایا مرا با عقاب خود ادب مفرما و بجازات مسلم بگرد و حیدات بعقوبت ناکسانیت خافگیر مکن یعنی

فِي حِيلَتِكَ مِنْ آبْنِ لِي الْخَبْرُ بِأَرْبٍ وَلَا

بعقوبت پنهانی که فهم نیکم و مبتلا گردان یعنی بعقوبت ناکسانی یا بعد از آنی که پندارم رحمت است گرفتار مکن و اینها

يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ آبْنِ لِي النَّجَاهُ

کجا خیری تو انم یافت در صورتیکه خیر جز پیش تو نیست و از کج راه نجاتی خواهی جست

وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ لَا الَّذِي أَحْسَنَ

و حال آنکه جز بظرف تو نجات میرسد ای خدایه آنکس که نیکو کار است از

اسْتَغْنَى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذِي

باری تو و لطف و رحمت مستغنی است و نه آنکه بدکار است

أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يَرْضِكْ خَرَجَ عَنْ

و برحکم تو بیسبکی کرده و براه رضا و خوشنودیت زرقه از قدرت

قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ بِكُوَيْدِي مَا أَنْكَمَ نَفْسِي

بیرون است ای رب من ای رب من ای رب من

قطع شود بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ

من تو را بتو شناختم و تو مرا برو وجود خود دلالت فرمودی

وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ آدُرْ مَا أَنْتَ

و بسوی خود خوانده و اگر تو نبودم من نمیدانستم تو چه هستی « یعنی اگر تو معرفت

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي آدَعُوهُ فَيَجِيبُنِي وَإِنِّ

را درین اشراق نیکردی من خدا شناس نمیشدم « ستایش خدای را که من او را میخوانم و او اجابت میکند

كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

و هر چند وقتیکه او مرا می خواند کند می و کاهل می کنم و ستایش خدای را

الَّذِي آسَأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِن كُنْتُ بَخِيلًا

که چون از او چیزی در خواست کنم بمن عطا میکند و هر چند بخیلم می که او از من قرض

حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي آنَادِبُهُ

میخواهد « یعنی قرض الحسنه و صدقه بر بندگان فقیرش میطلبد « من بخیلم میورزم و ستایش خدای را که برای هر

كُلَّ شَيْءٍ لِحَاجَتِي وَآخُلُو بِهِ حَبْتُ شَيْءٍ

حاجتی هرگاه اورا خواستم نذاختم کرد و هر وقتی برای راز و نیاز با او خلوت

لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَهَفْضِي لِي حَاجَتِي أَلْحَمْدُ

توانم کرد و بدون هیچ واسطه و شفیع حاجتم را روا میسازد سپاس

لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَ لَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ

خدای را که تنها اورا بدعا می خوانم نه غیر او را و اگر از غیر او حاجت می خواستم

لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا

دعایم را مستجاب نمیکرد و سپاس خدای را که با او چشم

أَرْجُو غَيْرَهُ وَ لَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي

امید دارم نه بغیر او و اگر بغیرش امید میداشتم مرا نا امید میکردانید

وَ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَ

ستایش خدای را که کار مرا بضرقتش واگذاشت و گرامیم داشت و

لَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَهَيَّبُونِي وَ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ

بغیرش واگذاشت تا خوارم گرداند ستایش خدای را که

الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَأُحْمَدُ لِلَّهِ

بامن انعام کمال دوستی فرمود با آنکه از من بی نیاز بود و سپاس خدای را

الَّذِي بِحُلْمٍ عَنِّي حَتَّى كَانَتِي لِأَذْنَبَ لِي فَرَبِّي

که از خطا و گناه من علم و بردباری کرد چنانکه گویی گناهی از من سرزده است پس خدای

أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدَكَ وَأَحَقُّ بِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي

من نزد من محبوب ترین موجود است و بجهت و ستایش من او منزه و ترازه همه عالم است ای خدا من

أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ

راه حوائج حلق را بسوی تو باز می بینم و آبخورهای

الرَّجَاءِ إِلَيْكَ «لَدَيْكَ» مُنْرَعَةً وَالْإِسْتِعَانَةَ

امید بندگان را بدرگاهت پرآب میابم و یاری جستن

بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَلَكَ مُبَاهَاةً وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ

بفضل و کرمت بر هر کس که بتو آرزو مند است مباح و آسان است و درهای دعای

إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ مَفْهُوحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ

فریاد خوانان بسوی تو باز است و محققا میدانم که تو

لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَلِلْمُتَلَهُوفِينَ بِمَرَّصِدٍ

آماده برای حاجت امیدوارانی و مراقب حال پریشان خاطران

إِغَاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا

و میدانم که در نالیدن بدرگاه جود واحسانت و در رضا

بِفَضَائِكَ عِوَضًا مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً

بقضا و قدرت بهترین عوضی است از بخل مردم بخیل و بی نیازی

عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْثَرِينَ وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ

از اندوخته در دست دنیا طلبان است و هر کس بسوی تو سفر کند

قَرِيبٌ الْمَسَافَةِ وَأَنَّكَ لَا تُحِجُّبُ عَمَّ خَلْفِكَ

راهش بسیار نزدیک است و تو از نظر بصیرت خلق پنهان نیستی

إِلَّا أَنْ تَجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ وَقَدْ قَصَدْتُ

جز آنکه آماں و آرزوئی که بغیر تو دارند حجاب از شهود جمالت گردد و من جو یابی

إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي وَ

تو ام . و در حوائج من رو بتو آورده ام و

جَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي وَبِدُعَائِكَ تَوَسَّلِي

برگاه تو استغاثه کرده و پناه میجویم و در دعا تو تسل بطرف تو ام

مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْمَاعِكَ مِنِّي وَلَا

بدون اینکه لایق آن باشم که دعای مرا مستجاب کنی و یا

اسْتِجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي بِلِثْفَتِي بِكَرَمِكَ وَ

استوجب عفو و بخشش کردانی بلکه تو خجسته تو بصرف کرم و احسان تو هست

سُكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ وَ لِحَايِ إِلَى

و اطمینان خاطر من بصدق وعده « لطف » تو و پناهم بر

الْإِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ وَبِقِيَمَتِي « وَثِقَتِي »

ایمان به یکتائی تو است و بر یقینم بعرفت

بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنَّ لِرَبِّ لِي غَيْرُكَ وَلَا إِلَهَ

حضرت که میدانم مرا پروردگاری غیر تو نیست و جز تو خدائی

إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ

نیست تو یکتا و بی شریکی ای خدا تو خود

الْقَائِلُ وَقَوْلِكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ وَ

فرمودی و سخن تو حق و وعده تو حقیقت است فرمودی

اسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

هر چه میخواهید از فضل و کرم خدا بخواهید که خدا بشما بندگان همیشه مهربان است

وَلَبَسَ مِنْ صِفَاتِكَ بِاسْمِكَ أَنْ نَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ

وای مولای من این از صفات نیست و شایسته ذات است نخواهد بود که بندگان را امر بسؤال کنی

وَمَمْنَعِ الْعَطِيَّةِ وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ

و چون سؤال کننده عطای خود را از آمانا دریغ داری و حال آنکه تو را بر اهل مملکت

عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِخَيْرٍ

عطای بی شمار است و بواسطه رأفت و محبتت بخلق نعمت آهنا

رَأْفَتِكَ إِلَهِي رَبِّتَنِي فِي نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ

پی در پی خواهد بود ای خدا تویی که در انواع نعمت و احسان و کرم بهنگامی که کودکی

صَغِيرًا وَنَوَهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا فَبِأَمْنٍ رَبَّنِي

تا توان بودم مرا پروراندی و در بزرگی هم سر بلندی و نام نیکو دادی پس ای خدا اینکه مرا در دنیا بفضل و

فِي لَدُنِّهَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمِهِ وَأَشَارَ

احسان و نعم بی پایان پرورش دادی و در آخرت

لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي بِأَشَارَتِ

اشارت بعفو و کرمت فرمودی معرفتم تو ای

مَوْلَايَ دَلِيلِي « دَلَّلْتَنِي » عَلَيْكَ وَجَبَّتْ لَكَ

مولای من دلیل و رهبر من بوی تو است و محبتم نزد حضرت

شَفِيعِي إِلَيْكَ وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ

واسطه و شفیع من است و من از دلیل خود چون تو رهبنای منی مطمئنم

وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ أَدْعُوكَ بِأَشَارَتِ

و از شفیع من چون تو میپذیری دلم آرام است ای سید من تو را

سَيِّدِكَ بِلِسَانٍ فَدَاخِرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبِّ

میخوانم بزبانیکه از فوط گناه لال گشته ای پروردگار

أَنَاجِيكَ بِقَلْبٍ فَدَاوَبَّتْهُ جُرْمُهُ أَدْعُوكَ

با تو راز و نیاز میکنم با دلی که از کثرت جرم و خطا بود ای پاکت در افتاده ای خدا تو را

يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِبًا خَائِفًا إِذَا رَأَيْتُ

میخوانم بادی که هراسان و ترسان است از قهر تو و شتاق و امیدوار بکرم تو است

مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرِعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ

چون بچنان خود اسی مولای منگرم زارینالم و چون بکرم و احسان بی پایان تو نظر

طَعْتُ فَإِنَّ عَفْوَتَكَ فَخَبَّرُ رَاجِمٍ وَإِنْ عَذَّبْتَ

میکنم طمع بسته و امیدوار میگردم پس اگر مرا ببخشی رواست که تو از هر کس مهربانتری و اگر عذاب

فَعَيْرُ ظَالِمٍ حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرْأَتِي عَلَى

کنی ستم نکرده اسی «که من مستحق عذاب بوده ام» حجت من بر جرات در خواست حاجت

مَسْئَلَتِكَ مَعَ إِثْبَانِي مَا تُكْرَهُ جُودَكَ وَ

از تو با آنکه کردارم همه ناپسند بوده همانا کرم و بخشش

كَرَمِكَ وَعُدَّتِي فِي سِدِّدِي مَعَ فِئْتِهِ حَيَاتِي

تو است و پناه آوردنم در حال سختی بدرگاه تو با بی حیائی و بی باکیم

رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا

بموجب رأفت و مهربانی تو است و البته امیدم آنست که با اینگونه قباچ

تُحِبُّ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنْبَتِي فَحَقِّقْ رَجَائِي

دوستیهایم باز از آرزو مانند بودم محروم گردانی پس امید و آرزویم را برآور

وَاسْمَعْ دُعَائِي بِأَخْبَرِ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ

و دعایم اجابت فرما ای بهترین کسیکه اهل دعا بدگاهش رو آورند و نیکوتر شخصی

مَنْ رَجَاهُ رَاجِعَ عَظْمِ بِاسْتِدَائِي أَمَلِي وَسَاءَ

که امیدواران بر او عرض نیاز کنند ای سید من آرزویم بزرگ و گردارم زشت

عَمَلِي فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي وَ

است پس تو بعفو بخش خود بحد آرزویم عطا کن و

لَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي فَإِنَّ كَرَمَكَ بِجَلِّ

باعمال زشتم مواخذه مفرما زیرا کرم و بزرگواریت برتر

عَنْ مَجَازِ الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمِكَ بِكِبْرٍ عَنِ

از آنکه گناهکاران را مجازات کنی و حلمت بیش از آنست که

مُكَافَاتِ الْمُقْصِرِينَ وَأَنَا بِاسْتِدَائِي عَائِدٌ

مقصرین را بکیفر رسانی و من ای سید من بفضل و کرمیت

بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَهُ

پناه آورده و از قهر تو بسوی لطفت میگریزم و وعده عفو و بخشش از

مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا وَمَا أَنَا بِأَرْبٍ وَمَا

کسیکه بوحسن ظن تو دارد مستم و قطعی است و من ذره ناچیز ای خدا کیستم «کراز

خَطْرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

من انتقام کنی» مرا بفضل و کرمت بخش و بعفو و رحمت بر من منت گذار

أَيُّ رَبِّ جَلَلَنِي بِسِرِّكَ وَاعْفُ عَنِّي تَوْبِي

ای پروردگار من کردار زشتم پوشیده دار و از گناهانم ببسنزگوارای

بِكْرَمٍ وَجْهِكَ فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَمْرُكَ

ذاتت درگذر اگر بر گناهانم کسی غمیر از تو آگاه میشد البته

مَا فَعَلْتَهُ وَلَوْ خِفْتُ تَجْبِيلَ الْعُقُوبَةِ لِأَجْتَنِبُهُ

آن گناه نمی کردم و اگر از عقوبت فوری میترسیدم از خطا اجتناب مینوادم

لَا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ إِلَيَّ وَأَخَفُ الْمُطْلِعِينَ

نه از این رو که تو در نظر من از دیگران بی اهمیت تری

عَلَىٰ بَلِّ لِيَا نَكَ بِأَرْبِ خَيْرِ السَّائِرِينَ وَاحْكُمَ

بلکه بدین سبب که تو بهترین پرده پوشان و نیکوترین

الْحَاكِمِينَ «وَأَحْلَى الْأَخْلِيَيْنِ» وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ سَتَّارُ

حکف مایان و بزرگوارترین بزرگواران عالمی تویی که بر عیبها

الْعُيُوبِ غَفَّارُ الذُّنُوبِ عَلامُ الْغُيُوبِ تَسْتُرُ

خلق پرده پوشی و برگزین نشان بیخاشی و براسرار غیب آگاه هی گناه

الذَّنْبِ بِكَرَمِكَ وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحَمْلِكَ

و عیب بندگازا بکرمت پوشاشی و کیفر آهنا را از علم و برودباری بتأخیر میافکنی

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ حَمْلِكَ بَعْدَ عَمَلِكَ وَعَلَىٰ

«تا توبه کنند و درگذری» پس ستایش تو را میکنم بر مقام حمت بعد از عملت و بر صفت

عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَبِحَمْلِنِي وَبِحَمْلِنِي عَلَىٰ

عفو تو بعد از قدرت کالت ای خدا حلم بی پایانت مرا بر معصیت تو

مَعْصِيَتِكَ حَمْلِكَ عَنِّي وَبَدْعُونِي إِلَىٰ قِتْلَتِي

و ادا میکند و جرات میدهد و پرده پوشی و ستاربت به بی شرمی

الْحَبَاءِ سَتْرُكَ عَلَيَّ وَبُسْرِعُنِي إِلَى التَّوْتِبِ عَلَيَّ

و بی حیائی میخواند و معرفتم برحمت بی انتهایت و عفو

مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسِعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ

بی حسابت مرا جور کرده و برعت بر آنچه حرام کردم میگذارد

عَفْوِكَ يَا حَلِيمٌ يَا كَرِيمٌ يَا حَيُّ يَا قَبُومٌ يَا غَافِرَ

ای خدای بردبار بزرگوار ای زنده ابدی ای بخشنده

الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا مُدَبِّرَ

گناه و ای پذیرنده توبه ای بزرگ منت و نعمت ای احسانکننده

الْإِحْسَانِ أَهْنُ سِتْرِكَ الْجَمِيلِ أَهْنُ عَفْوِكَ

همیشگی کجاست پرده پوشی عظیم تو کجاست عفو

الْجَمِيلِ أَهْنُ فَرَجِكَ الْفَرِيبِ أَهْنُ غِيَاثِكَ

بزرگوارانه تو کجاست گشایش نزدیک تو کجاست فریادرسی

السَّرِيعِ أَهْنُ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ أَهْنُ عَطَايَاكَ

سریع تو کجاست رحمت و اسعه تو کجاست عطایای

الْفَاضِلَةُ اِبْنٌ مَوَاهِبُكَ الْهَيْبَةُ اِبْنٌ صَانِعُكَ

نیکوئی تو کجاست موهبت های گوارا کجاست رحمت های

السَّيِّئَةُ اِبْنٌ فَضْلِكَ الْعَظِيمُ اِبْنٌ مِنْكَ الْجَبِيمُ

پرمجای تو کجاست فضل و کرم بی حد تو کجاست بخشش بزرگ تو

اِبْنٌ اِحْسَانِكَ الْقَدِيرُ اِبْنٌ كَرَمِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

کجاست احسان دائمی و همیشگی تو کجاست کرم تو ای خدا ای کریم

بِهِ « وَيَحْتَمِدُ وَالِغْتَدِ » فَاسْتَفِذْ فِي وَرَحْمَتِكَ

بحق آن کرم که مرا سخات ده و بحق رحمت که از ورطه هلاکت

فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا جَمِيلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ

خلاص کن ای خدا ای با احسان ای نیکوکار ای نعمت بخش ای فضل و کرم

لَسْتُ اَتَّكِلُ فِي النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلِي

من بر سخات از قهر و عقابت اعتماد بر اعمال ما

اَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِاَنَّكَ اَهْلُ

ندایم بلکه تمام نظر ما بفضل و احسان توست زیرا که تو شایسته

الثَّقَوِي وَاهْلُ الْمَغْفِرَةِ نُبْدِي بِالْإِحْسَانِ

که خلق از تو برسند و هم بگفرت امیدوار باشند هم اول با خلق به نعت احسان

نِعْمًا وَنَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَمَا مَا نَدْرِي مَا

میکنی هم بگرت از من نشان میگذری پس من نمیدانم شکر کدام را

نَشْكُرُ أَجْمَلًا مَا نَشْكُرُ أَقْبَحَ مَا تَسْرُأَمَ عَظِيمَ

بجای آرم آیا شکر نیکوئیهائیکه از من معروف کردی یا زشتیهائی که پرده پوشی نمودی

مَا أَبْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ أَمْ كَثِيرًا مِمَّنْهُ نَجَّيْتَهُ وَ

یا بلائ و امتحانات سختی که بر ما آسان ساختی و ما را بر آن فائق و مؤید داشتی یا بلائی بسیار که از

عَافَيْتَ بِأَحَبِّبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَ بِأَفْرَدَهُ

آن نجات داده و عافیت بخشیدی ای دوستدار کسی که با تو محبت ورزد ای شادی قلب

عَيْنٍ مِّنْ لَّا ذِيكَ وَانْفَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ

کیک رو بدرگاه تو آرد و از همه بگسلد و با تو پیوندد تونیکوکاری

وَ نَحْنُ الْمُسِيئُونَ فَجَاوِزْ يَا رَبِّ عَن قَبِيحِ مَا

و ما زشت کرداریم پس تو ای پروردگار به نیکوئی خود از قبیح ما

عِنْدَنَا يَجْهَلُ مَا عِنْدَكَ أَيْ جَهْلٍ بِأَرْبٍ لَا

در گذر کند امین جمالت و بدکاری است که لطف

بَسَعَهُ جُودُكَ أَوْ آتَى زَمَانٍ أَطْوَلَ مِنْ إِيَّاكَ وَمَا

و کرم تو آنرا فرا میگیرد یا چه زمانی است که بیش از زمان علم تو است یعنی زمان

فَدْرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنبِ نِعْمِكَ وَ كَيْفَ نَسْتَكْفِرُ

علم تو پیش از زمان احسان خلق است و وقتی نیست که از بسیاری معصیت بندگان علم تو بپایان برسد و حوصله

أَعْمَالًا لِنُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ بَلْ كَيْفَ بَصِيْقُ عَلَى

تمام شود تا حتما بر آنها غضب کنی» و اعمال نیک ما در مقابل نعمتهای تو چه ارزش دارد و چگونه اعمال زشت ما را

الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْاسِعٍ

«هر چند بسیار است» با وجود لطف و کرم تو بسیار بدانیم! آری چگونه مجال برگزینا بکاران با وجود رحمت و همه

الْمَغْفِرَةِ بِأَبَاسِطِ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوْعِزَّتِكَ يَا

بنی پابانت تنگ خواهد شد ای صاحب آمرزش بی حساب ای آنکه دست تو «بقدرت و احسان

سَيِّدِكَ لَوْ نَهَرَتْ نِيَّيْنَا بِرَحْمَتِكَ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفَتْ

بر خلق» رحمت مبسوط است باری قسم بمقام عزت و بزرگیت ای سید من که اگر در اوردی در گاهت برانی هرگز از

عَنْ مَمْلُوكِكَ لِمَا أَنْتَهِىَ إِلَيْهِ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ

این در بجائی نیروم و از تعلق و اتناس بحضرت دست برنیدارم زیرا تو را بسجود و کرم کامل

وَ كَرَمِكَ وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ نُعَذِّبُ

شناخته ام و تو هستی چه بخوای بقدرت کامله میکنی هر که را

مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَ تَرْحَمُ مَنْ

بخوای هر قدر و هر گونه عذاب کنی و هر که را بخوای

تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ لَا تُسْئَلُ عَنْ

هر قدر و هر چه ترحم فرمانی خواهی کرد و کسرا نرسد که در کار تو چون

فِعْلِكَ وَلَا تُنَازِعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُشَارِكُ فِي

و چرا کند و در ملک همتی با تو گفتگو آغازد و در امر و فرمان ذات یکتا

أَمْرِكَ وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا يَعْزِزُ

مشارکت کند و در حکم مبرت مخالفت برانگیزد و احدی را نرسد که

عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَ

بر نظم و تدبیرت خورده گیری و اعتراض کند خلق و آفرینش خاص تو

الْأَمْرُ نَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ

حکم و فرمان بر خلق مخصوص تو است بزرگوار خدائی که پروردگار عالم است ای خدا

هَذَا مَقَامٌ مَنْ لَأَذِيكَ وَاسْتِجَارَ بِكَرَمِكَ

اینست مقام «فقرو ذلت» آنکس که بدرگاه تو روی آورد و بطلب و کرمت پناه جست

وَأَلْفَ إِحْسَانِكَ وَنِعْمَكَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الذَّيُّ

و با نعم و احسانت انس و الفت مکرمت و تو آن ذات باجود و بخششگر

لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَلَا تَقِيلُ

جائت عفو «برتن گنهاران» تنگ نیست و فضل و رحمت نقصان پذیر نخواهد بود

رَحْمَتِكَ وَفَدْتَنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ

و ما هم تمام و شوق و اطمینان خاطرمان بعفو همیشه

وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ

و فضل و کرم بیحد و رحمت نامتناهی تو است

أَفْرَاكَ يَا رَبِّ تَخْلِفُ ظُنُونَنَا أَوْ نُحْتَبُّ أَمَانَنَا

ای پروردگار آیا چنین پنداریم که تو برخلاف حسن ظننی که بحضرت داریم با ما رفتار میکنی؟ یا ما را از آ

كَلَّا يَا كَرِيمٍ فَلَيْسَ هَذَا اِظْنَابِكَ وَلَا هَذَا

آرزو، نیکه تو داریم محرم مبارزی؟ هرگز. تو ای خدای کریم چنین گمان نگیریم و اینگونه از کرمت

فِيكَ طَمَعْنَا يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا

انتظار نداریم ای خدا ما را بحضرت آمل و آرزوهای بسیار و امید بزرگ است

عَصَبْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْرُعَ عَلَيْنَا وَدَعَوْنَا

ترامعیت کردیم و امید پرده پوشی داریم و ترا در دعا

وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا فَحَقِيقُ رَجَائِنَا

خواندیم و امید اجابت داریم پس ای مولای ما ما را امید و آرزویمان

مَوْلَانَا فَفَدَّ عَلَيْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا وَ

برسان که ما میدانیم که با اعمال زشت خود چیزی جز محرومیت از رحمت مستحق نیستیم

لَكِنْ عَلِمْنَا فِينَا وَعَلِمْنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ

لیکن اینکه تو باحوال ما دانائی و بنفقر و بیچارگی ما آگاهی و میدانیم که از درگاه فیض محرم

«حَسْبُنَا عَلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ» وَإِنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ

زنی که داریم ما را راغب و امیدوار بدرگاه کرمت آورد و با آنکه ما مستوجب رحمت نیستیم

لِرَحْمَتِكَ فَإِنَّكَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى

تو شایسته آنی که بر ما وگنایکاران بفضل و رحمت

الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ سِعَتِكَ فَا مَنُّ عَلَيْنَا بِمَا

وسعت جود و بخشش کنی پس تو آسانچه لایق بزرگواری

أَنْتَ أَهْلُهُ وَجُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُخْتِاجُونَ إِلَى

تست با احسان فرما و بر ما کرم کن که بسیار محتاج عطای

نَبْلِكَ يَا غَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا وَبِفَضْلِكَ

توایم ای خدای بخشنده ما را بنور معرفت هدایت فرمودی و بفضل و رحمت

اسْتَغْنَيْنَا وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا ذُنُوبَنَا

از خیر بی نیاز گردانیدی و به نعمت شب و روز پرورش یافتیم گناهان ما « اگر از نظر خلق

بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَتَنْوِبُ

پوشیده است » پیش تو هویداست از تو ای خدا ازان گناهان طلب عفو و آمرزش میکنیم و بدرگاہت

إِلَيْكَ نَتَخَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَنُعَارِضُكَ

بتوبه باز میگرددیم ایندا تو در حق ما به نعمت تویی گوناگون محبت و مهربانی میکنی و ما در مقابل بنا فرمایی

بِالذُّنُوبِ خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَشَرُّنَا إِلَيْكَ

وگناه میسر داریم خیر و برکات تو پیوسته بر ما نازل میشود و شر و بدکاری ما بسوی تو

صَاعِدٌ وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ بِأَنْيِكَ

بالا میرود و دائم و پیایی فرشته کرمی هر روز با پرونده کردار زشت ما

عَمَّا بَعْمَلٍ قَبِيحٍ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ

بدرکاهت میآید و این مانع از آن نیست که ما را غرق نعت اُمی

تَحُوطِنَا بِبِعَمَلِكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْإِثْمِ

ظاهر و باطن بفضل و احسان خود گردانی

فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ

پس پاک و منزهی تو چقدر حسیلم و بزرگی لطف و کرمت در آغاز و

مُبْدِئًا وَمُعِيدًا تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَجَلَّ

انجام آفرینش بی پایان است ای خدا نامهای پاکت و ثنا و ستایشت بزرگ

ثَنَاؤُكَ وَكَرَمَ صَنَائِعِكَ وَفِعَالِكَ أَنْتَ إِلَهِي

«تراز حد تصور» است آثار و افعالت همه نیکو است ای خدای من

أَوْسَعُ فَضْلاً وَآعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُفَايِسَنِي

فضل وسیع بی پایان و علم عظیم بی انتهایت برتر از آن است که مرا

بِفِعْلِي وَخَطْبَتِي فَأَلْعَفُوا الْعَفْوَ الْعَفْوَ

بافعل من و گناه من مقایسه نمائی پس از من درگذر از من درگذر از من درگذر

سَيِّدِكَ سَيِّدِكَ سَيِّدِكَ اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ

سید من سید من سید من خداوندا ما را ب یاد خود مشغول ساز

وَاعِدْنَا مِنْ سَخَطِكَ وَآجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ وَ

و از قهر و غضبت امان بخش و از عذابت در جو رحمت پناه ده و

ارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ وَانْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ

از عطاای بی حساب روزی ما گردان و بفضل و کرم با ما نیکی و

فَضْلِكَ وَارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ

احسان فرما و حج بیت الحرامت را نصیب ما گردان و پیغمبرت که

صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ

درود و رحمت و مغفرت و خوشنودیت

عَلَيْهِ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ

بر او و اهل بیتش باد زیارت قبرش را روزی ماکردان و دعاهای ما را مستجاب فرما که تو ایستخلاق

وَأَرْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَتَوْفَقًا عَلَىٰ مِلَّتِكَ

نزدیکی و از لطف دعایشان اجابت میکنی ای خدا طاعت را عوض هر کار نصیب ما کردن و ما را بر آیین خود

وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ ۝ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيْ

و بر سنت پیغمبرت بیران خدایا مرا و پدر و مادرم را بیامرز

وَأَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّبَانِي صَغِيرًا إِجْرَاهُمَا بِالْإِحْسَانِ

و بر آنها رحمت فرست که آنها در خردی مرتبی من بودند و پاداش احسانهای آنها بمن

إِحْسَانًا وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ

در حقشان احسان فرما و گناهان بگش خدایا بر تمام

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْبَاءِ مِنْهُمْ وَ

مرد و زن اهل ایمان از زندگان و مردگان مغفرت را

الْأَمْوَاتِ وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ

شامل کردن و میان ما و آنها بخیر و احسان پیوند ده

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَبِينَا وَمَبِينَا وَشَاهِدِنَا وَ

بار آسا زنده و مرده ما مسلمانان و حاضر و

غَائِبِنَا ذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا حُرِنَا

غایب و مرد و زن و صغیر و کبیر و آزاد

وَمَمْلُوكِنَا كَذِبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا

و بنده ما بهر را بندهش و بیامرز دروغ گفتند آنان که از خدا برگشتند و بدور ترین

ضَلَالًا لَبَعِيدًا وَخَيْرُ الْخُسْرَانَا مُبِينًا

و ادبی ضلالت و گمراهی افتادند و آشکار بزیان سخت در دو عالم گرفتار شدند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لِي

خدا یا درود فرست بر محمد و آل محمد و کارم بنخیر

بِخَيْرٍ وَاكْفِنِي مَا أَهْتَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ

نختم کن و مصمتات امور دنیا و آخرتم را کفایت

آخِرَتِي وَلَا تَسْلِطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي وَاجْعَلْ

فرما و ستمگره بحالم رحم نکنند بر من مسلط گردان و بر من از جانب

عَلَىٰ مِنْكَ وَاقِبَةٌ بِاقِبَةٍ وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ

خود نخبه‌انی همیشه مقرر بدار و نعت ای شایسته ای که

مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا

بن عطا کردی از من بازگیر و از فضل و کرمت من روزی

وَإِسْعًا حَلًا لِأَطِيبًا اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ

وسیع و حلال پاکیزه روزی فرما ای خدا مرا در پناه مراقبت

وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَكَلِّئِي بِكِلَاسَتِكَ وَ

نگهداری کن و در سایه محافظت و نخل حمایت از هر بلا محفوظ دار و

ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَ

حج بیت الحرامت را در این سال و همه سال دیگر

فِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأُمَّةِ

نصیب گردان و زیارت قبر پیغمبرت و ائمه هدی را درود

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تُخْلِنِي بِأَرْبٍ مِنْ نِعْمَتِكَ

برایشان باد روزی کن و از آن مشاهد مشرفه و مواقع بکرامت

الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَافِقِ الْكَرِيمَةِ

مرادورکردان

اللَّهُمَّ ثُبُّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَعْصِبَكَ وَالْيَمْنِي

ای خدا حال تو بر ای بن عطا کن که دیگر هرگز تو را معصیت نکنم و تا هستم

الْخَبْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَخَشْيَتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

ای پروردگار عالم کار خیر بقلبم الهام کن و در عملش موفقم

مَا أَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي كُلَّمَا

ساز و شب و روز دلم خدا ترس گردان ای خدا من چندانکه بجزم و بجزم

قُلْتُ فَدُنْهُبَاتٌ وَتَعَبَاتٌ وَقَمْتُ لِلصَّلَاةِ

با خود گفتم و خویش را دنیا و آما ده طاعت ساختم و در پیشگاه تو بنماز

بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ الْفَيْتَ عَلَيَّ نَعَسًا إِذَا

ایستادم و بناجات پرداختم آن هنگام مرا بنواب انداختی

أَنَا صَلَبْتُ وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاةً إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ

و حال راز و نیاز از من گاه مناجات باز گرفتم

مَالِي كُلًّا قُلْتُ قَدْ صَلَحْتُ سِرِّي وَفَرُبَّ

ای خدا چه شد که هر چه با خود عهد کرده و گفتم که از این پس سرپرتم نیکو خواهد شد .

مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي عَرَضْتُ لِي

به مجالس اهل توبه و مقام تو این نزدیک می‌شوم بیه و عادت‌های پیش آمد

بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ

که بعد ثبات قدم نماندم و آن بیه میان من و خدمت

خِدْمَتِكَ سَبَّحْتُ لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي

حائل گردید ای سید من شاید تو از درگاه لطف مرا رانده ای

وَعَنْ خِدْمَتِكَ تَحَبَّتَنِي أَوْلَعَكَ رَأْيَتَنِي

و از خدمت بندگی دورم ساخته ای یا شاید دیدی که من

مُسْتَحْفًا بِحَفِيَّتِكَ فَأَقْصَبْتَنِي أَوْلَعَكَ رَأْيَتَنِي

حق بندگی را خفیف شردم بدینجهت از دست مراد دور کردی یا آنکه دیدی که من

مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَبْتَنِي أَوْلَعَكَ وَجَدْتَنِي

از تو روی گردانم بدین سبب بر من غضب فرمودی یا آنکه در مقام دروغگو یانم

فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي وَأَعَلَّكَ

یا فتی لذا از نظر خایت دور انگندی یا شاید

رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي وَأَعَلَّكَ

دیدم که من شکرگذاری از نعمت نیست نیکنم مرا محروم ساختی یا شاید

فَقَدْ تَنَّبَنِي مِنْ جَمَالِيسٍ لِعُلَمَاءٍ فَخَذَلْتَنِي أَوْ

مرا در مجالس اهل علم نیا فتی بخواری و خذلانم انداختی یا

لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ

شاید مرا در میان اهل غفلت یا فتی بدین جرم از رحمت

أَبْسَنْتَنِي وَأَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي أَلِفَ جَمَالِيسِ الْبَطَالِينِ

نومیدم ساختی یا شاید دیدم در مجالس اهل باطل «و با مردم فاسد» الفت

فَبَيْتَنِي وَيَبْنَهُمْ خَلْبَتَنِي وَأَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ

گرفته ام مرا میان آنها و گذاشتی یا شاید دوست نداشتی که

تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي

دعایم را بشنوی از درگاهت دورم کردی یا شاید به جرم و

وَجَرَّ بِرِي كَأَفْتِنِي أَوْلَعَكَ بِفِلْهِ حَبَائِي مِنْكَ

گناه هم مکافات کردی یا شاید بر بی شرم و حیائی با حضرت مجازتم

جَازِبْتَنِي فَإِنْ عَفَوْتَ بِأَرْبِ فَطَالَ مَا عَفَوْتَ

نمودی بر حال اگر از من عفو کنی شاید است که پیش از من

عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي لِأَنَّكَ رَمَمْتَ أُمَّي رَبِّي بِجَلِّ

چه بسیار از گناهکاران را عفو کرده ای چرا که لطف و کرمت ای خدای من برتر

عَنْ مُكَافَاتِ الْمُفْضِرِينَ وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ

و بالاتر از آنست که بندگان مقصرا بکفرسانی و من بفضل و رحمت پناه آورده

هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَخِجْزُ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ

و از تو بوی تو میگریزم که عفو و بخششت از کسیکه تو حسین

عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا

ظن دارد و عده قطعی است ای خدای من فضل و رحمت وسیعتر

وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَابِسَنِي بِعَمَلِي وَأَنْتَ

و علم و بردباریت بزرگتر از آنست که مرا بعلم مقایسه کنی یا مرا

تَسْرِي لَنِي بِخَطِيئَتِي وَمَا أَنَا بِأَسِيدِكَ وَمَا خَطِرِي

بگناه من خوار گردانی و من کیستم ای مولای من و چه قابلیت دارم

هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدًا وَنَصِّدَقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

مرا بفضل و کرمت بخش ای سید من و بعفوت بر من منت گذار

وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَن تَوْبِيحِي بِكَرَمِ

و بلطف بر بنشینم پرده پوشی کن و از توبیح و تمسیدم بذات بزرگواری

وَجْهِكَ سَيِّدًا أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّبْتَهُ وَ

در گذر ای سید من آن طفل صغیرم که توام پروراندی و

أَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي

آن نادانم که توام دانش بخشیدی و آن گمراهم که توام

هَدَيْتَهُ وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ وَأَنَا

هدایت فرمودی و آن خوار و ذلیل که توام عزت و رفعت دادی و آن

الْخَائِفُ الَّذِي مَنَّتَهُ وَأَنَا الْجَائِعُ الَّذِي

ترسانم که توام ایمنی دادی و آن گرسندم که توام

أَشْبَعْنَهُ وَالْعَطْشَانَ الَّذِي أَرَوْبْنَهُ وَالْعَارِيَّ

سیر کردی و آن تشنه ام که توام سیراب کردی و آن برهنه ام

الَّذِي كَسَوْنَهُ وَالْفَقِيرَ الَّذِي آغْنَيْتَهُ وَ

که توام پوشانیدی و آن فقیرم که توام بی نیاز کردی و

الضَّعِيفَ الَّذِي قَوَّيْتَهُ وَالذَّلِيلَ الَّذِي

نا توانی که تو توانیش دادی و ذلیل که تو عزیزش

أَعَزَّزْتَهُ وَالسَّفِيمَ الَّذِي شَفَيْتَهُ وَالسَّائِلَ

گردانیدی و مریضی که تو شفا بخشیدی و سائل

الَّذِي آعَطَيْتَهُ وَالْمُدْنِبَ الَّذِي سَتَرْتَهُ وَ

که تو باو عطا کردی و گنهکاری که بر گناش پرده پوشیدی و

الْخَائِطُ الَّذِي آفَلْتَهُ وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي

خطا کاری که حدش پذیرفتی و اندکی که بسیارش

كَثَّرْتَهُ وَالْمُسْتَضَعْفَ الَّذِي نَصَرْتَهُ وَأَنَا

نمودی و مغلوب و ناتوانی که یاریش کردی و گر خفته

الطَّرِيدُ الَّذِي وَبَّئَهُ أَنَا بِأَرَبِ الذِّهْنِ لَمْ

آواره ای که جایگاهش دادی من ای خدا همان کس که نه

أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ وَلَمْ أُرَافِقْكَ فِي الْمَلَأِ

در خلوت از تو شرم و حیا کردم و نه در جمعیت مراقب و طایف بندگیت بودم

أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاغِي الْعُظْمَى أَنَا الَّذِي عَلَى

منم که مصائب و حوادث بزرگ بر من روی آور است منم آن بنده ای که بر

سَيِّدِهِ اجْتَرَى أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ

مولای خود جرئت و جرات کرده منم آنکه خدای جبار آسمان را نافرمانی

السَّمَاءِ أَنَا الَّذِي آعْطَيْتُ عَلَى مَعْاصِي الْجَلِيلِ

نموده منم آنکس که بر گناه های بزرگ رشوه

الرُّشَى أَنَا الَّذِي حِينِ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ

داده منم آنکس که هنگامیکه فرود پیش آمد گمانی باو دادند بسوی آن گناه

إِلَيْهَا أَسْعَى أَنَا الَّذِي آمَهَلْتَنِي فَمَا أَرْعَوَيْتُ

شتابان رفتم منم آن کسکه جمله در حصیان برای توبه دادی با اینحال از گناه باز نگشتم

وَسَرَّتْ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْبَبْتُ وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي

و بر من پرده پوشی کردی باز هم شرم و حیا نکردم و بمعصیت پرداخته و از حد

فَتَعَدَّيْتُ وَأَسْقَطَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَمَا بِالْبُتِّ

تجاوز کردم و مرا از نظر انداختی باز هم بک نداشتم و باز

فِيحْلِيكَ أَمْهَلْتَنِي وَبِسِرِّكَ سَرَّيْتَنِي حَتَّى

بجلم و بردباریت مهلم دادی و رشتیم را در پرده داشتی تا آنجا که

كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِي وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي

گویی گنایم فراموش کرده ای و از کیفر گنایان معافم

جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ اسْتَحْبَبْتَنِي إِلَهِي لَمْ

داشته ای که گویا از من شرم کرده ای ای خدا من

أَعَصَيْكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ

پنجایی که بمعصیت پرداختم آن گناه را از راه انکار خداوندیت

جَا حِدٌ وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ وَلَا لِعُقُوبَتِكَ

نکردم و فرمانت را خفیف نشمردم و سینه در مقابل عقابت

مُتَعَرِّضٌ وَلَا لَوْ عَيْدِكَ مُتَهَاوِنٌ لَكِنَّ

سپر نکردم و در عده مجازات را خوار و بی اہمیت ندانستم بلکه عصیانم

خَطِيئَةٌ عَرَضْتُ وَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي وَغَلَبَنِي

عظائی بود عارض شد و نفس زشت بر من شبیه کاری کرد و ہومی و ہوس

هَوَايَ وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَةٌ وَغَرَبَنِي سِرُّكَ

غلبه کرد و بدبختی مرا بر انجام گناہ کمک نمود و پرده پوشیت مرا مغرور

الْمُرْخِي عَلَى فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخَالَفْتُكَ بِجَهْدِي

ساخت تا آنکہ بجہد و اختیار بعصیان و مخالفت پردختم

فَالآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي وَمِنْ

اکنون از عذاب تو کہ مرا نجات خواهد داد و فردا

أَبْدِ الْخَصْمَاءِ غَدًا مَنْ يُخْلِصُنِي وَبِحَبْلِ مَنْ

از دست دشمنان کہ خلاصم خواهد کرد و اگر تو رشته محبت را

اتَّصِلُ إِن أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي فَوَاسْوَأْنَا

از من بریدی دیگر برشته کہ چنگ زدم پس وای بر سوائیم

عَلَى مَا أَحْصَى كِتَابَكَ مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْلَا مَا

در آن بنجام که کتاب تو تمام اعمال را بشمار آورده که اگر

أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ

امیدم کرم و رحمت بی انتهایت نبود و گنهارانرا از

عَنِ الْفُتُوحِ لَفَنَطْتُ عِنْدَ مَا أَنْذَرْتُهَا بِأَخْبَرَ

نومیدی نمی کرده بودی و قسیدم متذکر اعمال زشت خود میشدم بختی تا امید میکردم ای

مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ اللَّهُمَّ

بهترین کسی او را بدعا بخوانند و نیکوترین کسی که بگوش امیدوار باشند ای خدا

بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوْسَلُ إِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ

بعد و پیمان اسلام بوسی تو توسل جست و بوجوت قرآن

الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ إِلَيْكَ وَبِحُبِّي لِلنَّبِيِّ الْأَمِيِّ

وایمان بان از درگاهت اعتماد میطلبم و بدوستیم نسبت بر پیغمبر امی

الْفُرَشِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ النَّهْأَمِيِّ الْمَكِّيِّ

قرشی هاشمی عربی نهامی مکی

الْمَدَنِيَّ أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ فَلَا تُوحِشْ

مدنی نزد تو تقرب میجویم پس تو لطفی کن و انس مرا بواسطه

اسْتَيْبِنَا سَ اِيْمَانِي وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ

ایمانم تو «و قرآن و رسالت» بوحشت مبدل گردان و پاداشم را پاداش کسیکه غیر تو را

عَبَدَ سِوَاكَ فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالْسَيْنَةِ مُمْ لِيَحْفَنُوا

پرستیده قرار ده زیرا قومی بزبان ایسان آوردند نماز شمشیر

بِهِ دِمَائِهِمْ فَأَدْرِكُوا مَا آمَلُوا وَإِنَّا آمَنَّا بِكَ

اسلام خوششان محفوظ ماند و بارزوی خود رسیدند و ما بادل وزبان

بِالْسَيْنَةِ وَقُلُوبِنَا لِنَعْفُو عَنْهَا فَأَدْرِكُنَا «فَأَدْرِكُنَا»

تو ایمان آوردیم نمازگنایمان درگذری «و برحمت نازل سازی» ما را هم

مَا آمَلْنَا وَثَبَّتْ رَجَائِكَ فِي صُدُورِنَا وَلَا

بآرزویمان برسان و امیدواری بکرم خود را بر دلهای ما ثابت و محقق گردان و دلهای

تُرْغُ قُلُوبِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ

ما را پس از آنکه هدایت یافتیم بگمراهی و تاریکی میفکن و از جانب خود بر ما

لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ فَوَعِزَّتِكَ

رحمت فرست که بهمانا تویی بخشنده بی عوض بار خدایا بتمام عزت

لَوْ أَنْتَهَرْتُ نَبِيَّ مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ

قسم که اگر مرد از دلطف خود برانی هرگز از در کابوت سجائی نخواهم رفت و از تملق و التماس بجهت

تَمَلُّفِكَ يَا أَلْهِمَّ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ

دست نخواهم کشید چرا که قلبم شناسا و گواه کرم و رحمت بی پایان

وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى

تو است آری بنده جز بدرگاه مولایش

مَوْلَاهُ وَإِلَى مَنْ يَلْبِغِي الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ

کبارود و مخلوق جز بخالقش بکه پناهنده شود

إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ وَمَنْعَتَنِي سَبَبَكَ

ای خدا اگر گردنم را بزنجیرهای قدرت ببندی و عطایت را از میان همه خلق

مَنْ بَيْنَ الْأَشْهَادِ وَدَلَّكَ عَلَى فِضَائِحِي عُيُونٌ

از من منع کنی و فضیلت و رسوائیهایم را بچشم خلق

الْعِبَادِ وَأَمَرْتُ بِإِلَى النَّارِ وَحُلَّتْ بَيْنِي «بَعِي»

عیان سازی و فرمان دهی که مرا بآتش دوزخ کشند و میان من و نیکان

وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ وَمَا صَرَفْتُ

جدائی انگنی باز هرگز رشته امیدم از تو قطع نخواهد شد و از امیدم

تَأْمِيْلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَالْخَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي

که بعفو و بخشش دارم مصروف نیشوم و محبتت از دلم بیرون نخواهد رفت

أَنَا لَا أَنْسِي أَبَادِيكَ عِنْدَكَ وَسِرُّكَ عَلَيَّ فِي

من ای خدا عطا و بخششها و پرده پوششیهایت را بر من در دار دنیا هرگز

دَارِ الدُّنْيَا سَبِّكَ أَخْرَجَ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي وَ

فراموش نخواهم کرد ای سید من حب دنیا را از دلم بیرون بر و

اجْمَعَ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَىٰ وَاللَّهِ خَيْرٌ نِكَ مِنْ

میان من و حضرت مصطفیٰ و فرزندان او فخرت از تمام

خَلْقِكَ وَخَاتِمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ وَانْفُلْنِي إِلَىٰ

خلق و خاتم پیغمبرانت محمد صلی الله علیه و آله جمع کردن و مرا بدرجه و

دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ وَاعْنِي بِالْبُكَاءِ عَلَيَّ

مقام احسن توبه و بازگشت بدرگاہت برسان و مرا برگریه بر حال خودم

نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالسُّؤْبَةِ وَالْأَمْوَالِ عَمْرِي

یاری کن که سخت غم را به تویف و آرزوهای باطل از دست دادم

وَقَدْ تَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْأَيْسِينَ مِنْ خَيْرِهِ فَمَنْ

و اینک بجائی رسیده که از خوبی و اصلاح نفس خود نا امیدم پس از من

يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ أَنَا نَفَيْتُ عَلَى مِثْلِ

بد حال و تبه روزگارتر کیست؛ و ای اگر من با چنین حال فتنل شوم

حَالِي إِلَى قَبْرِهِ لَمْ أَمْهِدْهُ لِرَقْدَتِي وَلَمْ أَفْرُسْهُ

بجانب قبری که برای خوابگاه خود مهیا نکرده و با عمل صالح

بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي وَمَالِي لَا أَبْكِي وَلَا أَدْرِي

در آن بستر فرش گمبترم و چرا بگریم دره ورتیکه نیدانم

إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي وَارَى نَفْسِي تُخَارِعُنِي وَ

سیر من تا کجا است و کجا میروم و اکنون می بینم که نفس با من خدعه میکند و

أَبَايَ تُخَانِلَنِي وَفَدُّ خَفَّتْ عِنْدَ رَأْسِي

روزگار با من مکر می ورزد در حالیکه عقاب مرگ بر سرم

أَجْنَحَةُ الْمَوْتِ فَمَا لِي إِلَّا أَبْكِي أَبْكِي لَخُرُوجِ نَفْسِي

پر و بال گشوده است پس چرا مگریم میگریم برای بیرون رفتن جانم بزم

أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِ أَبِي لِضَيْقِ لِحْدِي

میگریم برای تاریکی قبرم میگریم برای تنگی خوابگاهم

أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ أَبَايَ أَبْكِي

میگریم برای سؤال منکر و منکر از من میگریم

لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْبَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي

بر آن حالیکه از قبرم برهنه و خوار و ذلیل بیرون آمده و بار سنگین

عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَأُخْرِي

اعمالم را بر پشت گرفته ام گاهی بجانب راست خود مینگرم و گاهی

عَنْ شِمَالِي إِذِ الْخَلَاءِ فِي شَأْنِ غَيْرِ شَأْنِي

بجانب چپ در حالیکه خلائق هر کسی بکاری غیر کار من مشغولند

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وَجُوهٌ

وهر شخص در آنروز گرفتار کار خویش است که مشغولش میدارد در آنروز

يَوْمَئِذٍ مُّسْفَرَةٌ مُّضَاهِكُمْ مُّسَبِّحَةٌ وَوُجُوهٌ

گروهی رؤسید و لب خندان و دلشاند و گروهی

يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ وَذِئْبٌ سَبِيحٌ

رخارشان گرد آلود عسبان و درخبار ذلت و خواری مستورات ای سیدین

عَلَيْكَ مُعْوَلِيٌّ وَمُعَمَّدٌ وَرَجَائِيٌّ وَتَوَكُّلِيٌّ وَ

همه اطمینان و اعتماد من و تمام امید و توکل من و تو و علاقه خاطر من

بِرَحْمَتِكَ تَعَلَّفِي تَصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ وَ

برحمت و لطف تو است توئی که هر که را بخواهی برحمت نائل میسازی و

تَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى

هر که را دوست داری بکرامت هدایت میکنی پس ستایش مخصوص تو است

مَا نَفَيْتَ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبِي لَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ

برای آنکه قلب مرا از لوث شرک پاک ساختی و ترا سپاس میکنم برای آنکه زبانم را بکبرت

لِسَانِي أَفِيئَسَانِي هَذَا الْكَلَامِ أَشْكُرُكَ أُمَّ بِيغَابِي

گشودمی آیامن بدین زبان حال شکر و سپاس تو تو انم گفت یا با کمال

جُهْدِي فِي عَمَلِي رُضِيكَ وَمَا قَدَّرُ لِسَانِي

جد و کوشش در عمل رضا و خوشنودیت تو انم بدست آورد زبان من در قبال

بَارَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ وَمَا قَدَّرُ عَمَلِي فِي

شکر تو بقدر و عملم در جنب

جَنْبِ نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ إِلَهِي إِنَّ جُودَكَ

نعم و احسانات ناچیز است ای خدا بهمانا جود و کرم تو

بَطَّ أَمَلِي وَشُكْرِكَ قَبْلَ عَمَلِي سَبْدِي

دست امید و آرزویم را بسوی تو دراز کرده و بخشش تو عمل «نا قالم» را پذیرفته ای سید من

إِلَيْكَ رَغْبَتِي وَإِلَيْكَ رَهْبَتِي وَإِلَيْكَ

شوق و رغبتتم همه بسوی توست و بیم و هراسم هم از تو است آرزویم بنو

تَأْمِيلِي وَقَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي وَعَلَيْكَ

مستهی است و امید من مرا بدرگاه تو میکشد و بر درگاه تو

بِأَوَّاحِدٍ عَكَفْتُ هِمَّتِي وَفِي عِنْدِكَ انْبَلَطْتُ

ای یگانہ مقصودم ہمتم تکلف شدہ و در آئینہ بحضورت «طاہر» شوقم

رَغْبَتِي وَ لَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَ خَوْفِي وَ بِكَ

«پر وبال» گشاده و تمام امید و ہراسم از تو و انس و

أَنْتَ مَحَبَّتِي وَ إِلَيْكَ الْفَيْتُ بِبَدِّي وَ بِمَحَبِّلِي

محبتم منحصر تو و بوی تو دودت امید گشوده ام و برشته

طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي بِأَمْوَالِي بِذِكْرِكَ

طاعتت باہراس در آویختہ ام ای مولای من بیاد تو

عَاشَ قَلْبِي وَ بِمُنَاجَاةِكَ بَرَدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ

دلم زندہ است و براز و نیاز با تو درد ترس را از خود تسکین

عَنِّي فِيمَا مَوْلَايَ وَ بِأَمْوَمَلِي وَ بِأَمْنَتِي سُوْلِي

میدہم پس ای مولای من و ای آرزوی دل من و ای منستہای مقصودم

فَرَّقَ بَيْنِي وَ بَيْنَ ذُنُوبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ

تو میان من و گناہم کہ مانع «شود حضرت» و غلاظت طاعتت

طَاعَتِكَ فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِفَدْرِ الرَّجَاءِ فِيكَ

میشود جدائی افکن که من بامید همیشه و آرزو و طمع بزرگ که بحضرت دهمتم

وَعَظِيمِ الطَّاعِ مِنْكَ الَّذِي وَجِبَتْهُ عَلَيَّ

از تو درخواست حاجت میکنم که تو برذات خویش رافت

نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ فَالْأَمْرُ لَكَ

و رحمت به بندگان را فرض و لازم کرده ای پس ای خدا حکم و فرمان دهم

وَحَدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَخْلَقُ كُلُّهُمْ عِبَادَكَ

عالم باست و ترا شریکی در ملک نیست و خلق همه عیال و ریزه خور خوان احسان تو اند

وَفِي بَصْنِكَ وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ تَبَارَكَ

و در قبضه قدرت تو و همه موجودات عالم پیش حضرت خاضع و فروتن اند بزرگوار خدائی

بَارَبِّ الْعَالَمِينَ إِلَهِي رَحْمَنِي إِذَا انْفَطَعَتْ

ای پروردگار عالمیان ای خدا در آن هنگام «روز مرگ یا قیامت» که جستم

حُجَّتِي وَكَلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي وَطَاشَ عِنْدَ

قطع شود و زبانه از جوابت لال و عقل و هوشم مضطرب میگردد

سُوَالِكَ إِثَابِي لِيْ فَبِأَعْظِيمَ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي

ده آسمان بر من ترسم فرما ای امید بزرگ من گاه سخته

إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي وَلَا تُرُدَّنِي لِيْجَهْلِيْ وَلَا

فقر و فاقه مرا ازگرمت محروم ساز و بواسطه جهل و نادانیم از درگناهت مرا

تَمْنَعْنِي لِفَيْلَةٍ صَبْرِيْ أَعْطِنِي لِفَقْرِيْ وَأَرْحَمْنِي

و بکم صبری از لطف منع من کن و چون فقیرم عظیم بخش و بهر ناتوانیم

لِضَعْفِي سَيِّدًا عَلَيْكَ مُعْتَمِدِيْ وَمُعْوَلِيْ وَ

ترحم کن ای سید من تمام اعتماد و اطمینان خاطر و امید

رَجَائِي وَتَوَكُّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّفِيْ وَبِفِئَاةِكَ

و توکل من بتو است و برحمت بی پایانت دل بسته ام و بدرگاه احسانت

أَحْظُرُ رَحْلِيْ وَبِجُودِكَ أَفْصِدُ طَلِبَتِيْ وَ

بار افکنده ام و بجزود و بخشش از تو مقصودم را میطلبم و

بِكَرَمِكَ أَيْ رَبِّ اسْتَفْتِيْ دُعَائِيْ وَوَلَدَتِكَ

بامیدگرمت ای پروردگار دست دعا بسویت میکشایم و فقر و بینوائیم را

أَرْجُو فَاقْتِنِي بِعَيْنِكَ أَجْبُرْ عَمَلَنِي وَتَحْتِ ظِلِّ

نزد تو آورده و پریشانی و نذاریم را به خفا و بی نیازی تو جبران میکنم و زیر سایه

عَفْوِكَ فِيمَا مَجِيءَ إِلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَرْفَعُ

عفو استاده ام و بجزد و کرمت چشم

بَصَرِي وَإِلَى مَعْرُوفِكَ أَدِيمُ نَظْرِي فَلَا تُحْرِفْنِي

گشوده و باحسان قدیمت همیشه نظره دارم پس مرا آبش

بِالنَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي وَلَا تُسْكِنِي

«قهرت» موزان که تو محل امید و آرزوی منی و در راه وید دوزخ

الْهَارِبَةَ فَإِنَّكَ فُرْتَةٌ عَيْبِي بِأَسْبَدِي لَا

جای مده که تو روشنی چشم و نشاط قلب منی ای سید من

تُكَذِّبُ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ

حسن نظم را ببطا و احسانت ثابت کن که تو محصل

ثِقَتِي وَلَا تُحْرِمْ مِنِّي ثَوَابَكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ

و ثوق منی و از ثواب خود محروم ساز چرا که از منقر و پریشانیم

بِفَقْرِهِ إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُفْتِرِبْنِي

آگاهی ای خدای من اگر اجل من نزدیک شده و علم مرا بتمام

مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتَ الْإِعْرَافَ إِلَيْكَ

قرب تو ز سانیب من هم اعتراف بمنها هم را

يَذَنْبِي وَسَأَلْتُ عَلِيَّ إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ

اسباب عذر قرار داده ام ای خدای من اگر تو عفو کردی پس که

أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ

سزاوارتر از تو بعفوات و اگر عذاب کردی که از تو در

مِنْكَ فِي الْحُكْمِ أَرْحَمُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي وَ

حکم عادل تر است در این دنیای « پرگیر و دار » بحال غربتم رحم کن و

عِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي وَفِي

بیکام مرگ برغم و حترتم و در قنبر و در لحد تنهایی

اللَّحْدِ وَحَشَتِي وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ

دو حشتم رحم کن و چون برای حساب نامه علم گشوده شود

بَدَيْكَ ذُلَّ مَوْفِي وَ اغْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ

بحال ذلتم در پیشگاه عظمت ترحم فرما و گناهای من را که از چشم

الْأَدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي وَأَدِمْ لِي مَا بِهِ سَأَرْتَنِي

مردم پنهان است بر من بخش و لطفی که بآن گناهای من را مستور کرده ای برقرار دار

وَارْحَمْنِي سَرِيحًا عَلَى الْفِرَاشِ تَقْلِبْنِي أَبَدًا

و باز هم ترحم کن آنگاه که در بستر من افتاده و قادر بر حرکت نیستم و دست دوستان مرا

أَحِبَّنِي وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُودًا عَلَى الْمَغْتَسَلِ

حکمت میدهد و تفضل فرما بر من آنگاه که در وقت غسل

يُقَلِّبْنِي «بَغْلِيْنِي» صَالِحُ جِبْرَتِي وَ تَحَنَّنْ عَلَيَّ

دادن دست همسایگان صالح بر است و چشم میگرداند و لطف و مهربانی کن

مَحْمُولًا قَدْ نَنَّاوَلِ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي

آنگاه که خویشانم اطراف جنازه ام را بر گرفته اند

وَجِدْ عَلَيَّ مَنفُوعًا فَذَرِكْ بِي وَ حَيْدًا فِي

و آنگاه که از این جهان رخت بر بستم و در قبر بر حضرتت

حُفِرَ فِي وَارْحَمَ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ

تنها وارد شدیم برین بنیشتن و در آن منزل تازه بر غریبتم ترحم

عُرْبِي حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ يَا سَيِّدِي

فرما تا آنجا هم بغیر تو انس و الفت نگیرم ای سید من

إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي هَلَكَتُ سَيِّدِي فِيمَنْ

اگر تو مرا بخودم واگذاری هلاک خواهیم شد آقای من اگر تو

أَسْتَعِيثُ إِنْ لَمْ تُفِئْنِي عَشْرَةَ فَايَ مَنْ أَفْرَعُ

از لغزشهای من درگذری پس من بسوی که پناه برم و بدرگاه که زاری کنم

إِنْ فَفَدْتُ عِنَابَكَ فِي ضَجَعَتِي وَإِلَى مَنْ

اگر عنایت در خوابگاه مرا شامل عالم نشود و بکدام که

الْبَيْعِيُّ إِنْ لَمْ تُنْقِسْ كُرْبِي سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ

پناهنده شوم اگر تو غم و اندوهم زایل نگردانی ای آقای من اگر تو بمن رحم نکنی

بِرَحْمَتِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَفَضْلٍ مَنْ أَوْمِلُ

من که رادارم و که بمن رحم خواهد کرد و اگر فضل تو شامل عالم نشود

إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتْنِي وَإِلَى مَنْ

بنفصل و کرم که روز بیچارگی امیدوار باشم و بسوی که

الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى أَجَلِي سَيِّدِي

از گریز از گناه که اجلم فرا رسد تو انم گریخت ای آقای من

لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ إِلَهِي «اللَّهُمَّ» حَقِيقُ

مرا عذاب مکن زیرا که تو امیدوارم ای خدا امیدم را بحضرت کریمت

رَجَائِي وَأَمِنْ خَوْفِي فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو

ثابت و محقق ساز و ترسم را بامنی مبدل گردان که از بسیاری گنا من جز بعبود

فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ سَيِّدِي نَا أَسْأَلُكَ يَا لَا اسْتَحِقُّ

و بخشش بجائی امید ندارم ای سید من از تو چیزی میطلبم که استحقاق آنرا ندارم

وَأَنْتَ أَهْلُ الثَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاعْفِرْ

ای تو اهل تقوی و آمرزشی « یعنی از تو باید ترسید و بلطف تو باید امید داشت » پس تو از من

لِي وَاللِّسْنِي مِنْ نَظْرِكَ ثَوْبًا يُغْطِي عَلَيَّ السَّيِّئَاتِ

در گذر و بنظر لطف لباسی که زشتیهایم بپوشاند در پوشان

وَتَغْفِرْهَا لِي وَلَا أُطَالِبُ بِهَا إِنَّكَ ذُو مَنِّ

و از آن اعمال زشت درگذر که دیگر نواخته ام نغمائی چرا که تو صاحب احسان

فَدَيْرٍ وَصَفِيٍّ عَظِيمٍ وَتَجَاوِزِ كَرِيمٍ إِلَهِي

همیشگی و بخشش عظیم و گذشت بزرگوارانه ای خدا

أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَبَبَكَ عَلَيَّ مَنْ لَا يَسْأَلُكَ

تو آن کریمی که احسانت بر آنکس هم که از تو درخواست نکند افاضه میشود

وَعَلَى الْجَاهِدِ بْنِ رَبُّو بِبَيْتِكَ فَكَيْفَ سَبَّكَ

بلکه بر منکران خدایت هم میرسد پس چگونه آفای من

بِمَنْ سَأَلَكَ وَأَبْفَنَ أَنْ الْخَلْقَ لَكَ وَالْأَمْرَ

بر آنکس که از تو سئالت کرده و بییقین و ایمان کامل میداند که خلق همه از تو و فرمان بر خلق

إِلَيْكَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

مختصت نخواهد رسید بزرگوار و بلند مرتبه ای پروردگار عالمیان

سَبَّكَ عَبْدُكَ بِبَابِكَ أَفَامُنْهُ الْخِصَاصَةُ

ای آفای من بنده مسکین ترا فقر و بیچارگی بدرگاه کرم تو باز داشته

بَيْنَ يَدَيْكَ بِقَرَعُ بَابِ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ

و حلقه که احسان بدعا میزند

وَيَسْتَعْطِفُ جَمِيلَ نَظَرِكَ بِمَكُونِ رَجَائِكَ

و امیدوار است که تو تجمالت عالی تو در باره اش منطف گردد

فَلَا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي وَاقْبَلْ

پس تو به بزرگواری و کرم روی از من مگردان و تقاضایم

مِنِّي مَا أَقُولُ فَفَدِّ دَعْوَتِكَ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَأَنَا

قبول فرما که من ترا باین دعوا خواندم و امید آن

أَرْجُو أَنْ لَا تُزِدَنِي مَعْرِفَةَ مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَ

دارم که دعایم را رد نفرمائی چرا که من برآفت و مهربانی تو

رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُخْفِيكَ سَأَلُ وَ

آگاه هستم ای خدا تو آن کریمی که سائل تو را خسته نمیکند و

لَا يَنْفُصُكَ نَائِلٌ أَنْتَ كَمَا نَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ

از عطا و بخشش ترا نقصانی نیرسد تو در اوصاف کمال بقامی که خود سایش خود توانی کرد و از آنچه ما بگوئیم بزرگی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا وَفَرَجًا قَرِيبًا

ای خدا من از تو درخواست میکنم صبری نیکو و گشایشی نزدیک

وَقَوْلًا صَادِقًا وَآجْرًا عَظِيمًا أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ

و زبانی گویای صادق و پاداشی بزرگ ای خدا درخواست میکنم

مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عِلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ

از خیر و خوبیها همه را آنچه را دانسته و آنچه را ندانسته ام

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ

بار خدا یا از تو درخواست میکنم از بهترین چیزی که از آن بندگان

عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ بِأَخْبَرَمَنْ سَأَلَ وَأَجُودَ

صالحات درخواست کردند ای بهترین کسیکه از او درخواست توان کرد و

مَنْ أَعْطَى أَعْطَى سَوْطِي فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ

بهترین عطا بخش درخواست مرا در باره شخص خودم و اهل بیت و

وَالِدَتِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي حُرَانِي وَإِخْوَانِي

والدینم و فرزندانم و خاندانم و برادران خدا پرستم همه را

فِيكَ وَأَرْغِدْ عَيْشِي وَأَظْهِرْ مَرْوَنِي وَأَصْلِحْ

عظما و عيشم را خوش و مروت و قوتم را محکم و آشکار گردان و جیسع

جَمِيعَ أَحْوَالِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطْلَقَ عُمُرَهُ وَ

احوالم را اصلاح فرما و مرا از آنان قرار ده که عیشش طولانی و

وَحَسَنَتِ عَمَلِهِ وَأَتَمَّتْ عَلَيْهِ نِعْمَتُكَ وَ

عملش نیکو و نعمت را بر او کامل گردانیده ای و

رَضِيَتْ عَنْهُ وَأَحْبَبْتَهُ حَيَوَةً طَيِّبَةً فِي

از او خوشنودی و حیات خوش با نشاط

أَدْوَمِ الشُّرُورِ وَأَسْبِغِ الْكِرَامَةَ وَأَنْزِلِ الْعَيْشَ

دائم ابدی با نیکوترین کرامت و تمام ترین زندگانی باو رحمت

إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ

فرموده ای که تو خدائی و هر چه بنوایی بقدرت کامل میکنی و غیر تو کسی هر چه بنخواهد نتواند کرد

اللَّهُمَّ خَصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ وَلَا تَجْعَلْ

ای خدای مرا بذکر خاصت مخصوص گردان و هر عمل که

شَبَّامِنَا أَنْتَقَرَبُ بِهِ فِي أَنْاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ

برای تقرب بحضرت در ساعات شب و اطراف

النَّهَارِ رِبَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَ

روز بجای آرم ریا و خودنمایی و بطالت و حیاشی قرارده « بگه در آن عمل اخلاص کالم

اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي

عطاکن « و مرا از بسندگان خاشع خود بگردان خدایا مرا روزی

السَّعَةِ فِي الرِّزْقِ وَالْأَمْنِ فِي الْوَطَنِ وَفُتْرَةَ

وسیع عطاکن و نعمت امنیت بخش و اهل

الْعَبْءِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ وَالْمُقَامِ فِي

و مال و فرزند را روشنی چشم و شادی خاطر گردان و نعمت مالیکه

نِعْمِكَ عِنْدَكَ وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْفُؤَادَ فِي

مرا عطا کرده ای پاینده ساز و تنم را سالم و نیرومند و

الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَاسْتَعْمِلْنِي

دینم را « از دست شیطان » محفوظ دار و پیوسته عمرم را

بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

بکار طاعت خود و رسالت « حضرت » محمد

اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْإِلَهَ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَ تَنِي وَ

صلی الله علیه و آله بار

اجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي

ما از آن بندگان که نزد تو نصیبشان از

كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَنَزَّلَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي

همه و افراتر است مقرر فرما و هم در خیر و برکتیکه نازل کرده ای و نازل خواهی کرد

لِبَلَاءِ الْقَدْرِ وَمَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ

دماه مبارک رمضان در شب قدر و هم آنچه در هر سال نازل خواهی کرد از

رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا وَبَلِيَّةٍ نَدْفَعُهَا

رحمت که منتشر بر خلق میگردانی و لباس عافیتی که به بندگان میپوشانی و هر بلیه و آلامی که بر طرف

وَحَسَنَاتٍ تَقْبَلُهَا وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَ

میکنی و نیکوئیهای که قبول میکنی و سیئات و گناهی که از آن در میگذری و ابره میزدنی

ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَ

و حج بیت الحرام را در این سال

فِي كُلِّ عَامٍ اِرْزُقْنِي رِزْقًا وَاَسِعًا مِنْ فَضْلِكَ

و همه سال دیگر و روزی وسیع از فضل و کرم بی پایانت

الْوَاِسِعِ وَاَصْرِفْ عَنِّي بِاسْتَبِدِّ الْأَسْوَاءِ وَ

نصیب فرما و شر و بدبختی را ای آقای من از من دفع گردان و

اَقْضِ عَنِّي لِدَيْنٍ وَ الظُّلَامَاتِ حَتَّى لَا آتَا ذِي

دین و مظالمی که بر ذمه دارم بگرمت ادا ساز تا دیگر در اذیت و رنج

بِئْسَى مِنْهُ وَخَذُّ عَنِّي بِأَسْمَاعِ أَضْدَادِي وَ

و غم از قبل بچسبک از آنها نباشم و چشم و گوش دشمنان و

أَبْصَارِ أَعْدَائِي وَحُسَادِي وَ الْبَاغِينَ عَلَيَّ وَ

حودان و بیدادگران را بر من ببند و مرا

انصُرْنِي عَلَيْهِمْ وَ أَفْرِغْ عَنِّي وَ حَقِّقْ ظَنِّي وَ

بر آنا نصرت ده و غالب گردان و دیده ام را روشن و دل را شاد فرما و

وَفَرَجَ قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرَجًا

و از هر غم و هتم و پریشانیم کسایش

وَمَخْرَجًا وَاجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ

و درائی بخش و هر کس از خلق بمن سوء قصدی کند

خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ وَ أَكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ

زیر قدم قدرتم پایمالش ساز و شتر شیطان و شتر

وَشَرِّ السُّلْطَانِ وَ سَيِّئَاتِ عَمَلِي وَ طَهِّرْ لِي

سلطان و شتر اعمال بدم را از من کفایت فرما و از تمام

مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا وَ أَخْرِجْنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ

گناهان مرا پاک گردان و بعفو و کرم از آتش دوزخم نجات بخش

وَ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَ زَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ

و بلطف و رحمت بهشت ابدم داخل گردان و بفضلت باحور

الْعَبِيرِ بِفَضْلِكَ وَ اَلْحِقْنِي بِأَوْلِيَاءِكَ الصَّالِحِينَ

العیسم قرین ساز و مرا با اولیاء صالح خود یعنی

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ

محمد و آل ابرارش که آنان نیکویان و پاکان و پاکیزگان

الْأَخْبَارِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَعَلَىٰ أَجْسَادِهِمْ

و برگزیدگان عالمند درود و رحمت و برکاتت بر آسمان و

وَعَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ

جسم و جان آنان باد معشور گردان

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَسْنُ

ای خدای من و سید من بعزت و جلالات قسم که اگر تو

طَالِبْتَنِي بِذُنُوبِي لَا طَالِبَتِكَ بِعَفْوِكَ وَ

از من بگناهانم بازخواست کنی من هم بعفو و بخششت از تو بازخواست خواهم کرد

لَسْنُ طَالِبْتَنِي بِلُؤْمِي لَا طَالِبَتِكَ بِكَرَمِكَ

و اگر از من بیامت و خواریم بازخواست کنی من هم بکرم و بزرگواریت از تو بازخواست خواهم کرد

وَلَسْنُ أَدْخَلْتَنِي لِنَارِ الْأَخْيَرِ أَهْلَ النَّارِ

و اگر بدوزخم داخل سازی اهل آتش را از محبتم تو آگاه

بِحُبِّي لَكَ إِلَهِي وَسَيِّدِي إِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ إِلَّا

خواهم ساخت ای خدای من و سید من اگر تو بر غیر اولیا

لِأَوْلِيَاءِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِلَى مَنْ يَفْرَعُ

خود و اهل طاعت خویش بختانی پس گناہکاران بدرگاه که تفرع

الْمُذْنِبُونَ وَإِنْ كُنْتَ لَا تَكْرُمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ

وزاری کنند و اگر تو باخیر و فادارانت «آنانکه بر عهد خدا وفا کردند یعنی معصومین» اولیا

بِكَ فِيمَنْ يَسْتَعِثُّ الْمُسِيئُونَ إِلَهِي إِنْ أَدْخَلْتَنِي

حق «اگرام و احسان نفرمایی پس بدکاران بدرگاه که پناهنده شوند ای خدا اگر مرا در آتش

النَّارِ فَفِي ذَلِكَ سُورُودٌ عَدْوِكَ وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي

برمی در اینصورت دشمنت «شیطان» شاد میشود و اگر در بهشت برمی

الْجَنَّةِ فَفِي ذَلِكَ سُورُودٌ نَبِيِّكَ وَأَنَا وَاللَّهِ

پیغمبرت «حضرت محمد ص» شاد خواهد شد و من بخدا قسم

أَعْلَمُ أَنَّ سُورُودَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُورُودِ

یقین دارم که تو سرود پیغمبرت را دوست تر داری از سرود

عَدُوَّكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي

دشنت ای خدا از تو درخواست میکنم که دلم را مملو از دوستی

حُبَّالِكَ وَخَشْيَةً مِنْكَ وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ

خودگردانی و شراشر قلبم را پر از خوف و خشیت خود و تصدیق کتاب خود

وَإِيمَانًا بِكَ وَفِرَافًا مِنْكَ وَشَوْقًا إِلَيْكَ يَا

وایمان کامل بحضرت گردانیده و دلم را پر غم و اندوه خود و شوق لغای خویش سازی ای

ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ حَبِيبِ إِلَيَّ لِقَائِكَ وَ

خدای صاحب جلال و بزرگواری ملاقات خود را محبوب من و ملاقات

أَحْبِبِ لِقَائِي وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَ

مرا محبوب خود گردان و در هنگام لغای خویش برایم راحتی و

الْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ اللَّهُمَّ أَلْحِفْنِي بِصَاحِبِ مَنْ

مغشایش و کرامت مقرر فرما ای خدا مرا بصاحبان گذشته

مَضَى وَاجْعَلْنِي مِنْ صَاحِبِ مَنْ بَنِي وَخُذْنِي

در پیوند و از صاحبان باقی قرارده و براه

سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِمَانِعِينَ

صالحانم رهوار ساز و مرا بر مخالفت هوای نفس خود

بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَخْتِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِ

آخچه صالحان را یاری کردی مدد فرما و ختم کارم را نیکوترین عمل گردان

وَأَجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَعِنِّي

و پادشاهم را از آن عمل نیک برحمت بهشت ابد قسار ده و مرا یاری کن که

عَلَى صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَنِي وَثَبَّتَنِي بِأَرْبِ وَلَا

هر نعمتی که بمن عطا کرده ای بشایستگی و صلاح کار بندم و مرا ای خدا ثابت قدم بدار و

تُرِدَّنِي فِي سَوْءٍ إِسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ بِأَرْبِ

بسوی بلا و مهلکه ای که از آن نجاتم داده ای برگردان «و دعایم مستجاب گردان»

الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي سَأَلْتُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ

ای پروردگار عالم ای خدا از تو درخواست میکنم ایمان ثابتی که تا روز

لَهُ دُونَ لِقَائِكَ أَحْبَبْتَنِي فَأَحْبَبْتَنِي عَلَيْهِ وَ

لقای تو باقی ماند و بر آن ایمان نازنده ام مرا باقی دار و

تَوْفَنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَابْعَثْنِي إِذَا

بر آن بسیران و بر آن ایمانم در قیامت

بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ وَأَبْرءُ قَلْبِي مِنَ الرِّبَاءِ وَالشَّكِّ

بر انگیزان و دلم را از ربا و خود نمائی و شک و ظاهرسازی

وَالْتُمَعَةِ فِي دِينِكَ حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا

در دینت بیزار گردان تا عملم خالص برای تو

لَكَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَفَهْمًا فِي

باشد ای خدا مرا بصیرتی در دین خود و فراستی در

حُكْمِكَ وَفِفْهًا فِي عِلْمِكَ وَكِفْلًا مِنْ رَحْمَتِكَ

حکم خود و فهم و هوشی در علم کتاب خویش عطا فرما و کفلی از رحمت بخش

وَوَرَعًا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ وَبَيْضٌ وَجْهِي

و مقام درعی بخش که مانع از هر چه عصیان تست گردد و بنور معرفت روشنم

بِنُورِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ وَتَرْفِي

کن و میل در غم را با آنچه در جهان با نزد تست معطوف گردان و در نیل بدین جهان فانی سازم و مرا براه

فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي

«رضای» خود و بر آئین پیغمبرت هم ببران بار خدا یا

أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسَلِ وَالْهَمِّ وَ

پناه میرم تو از صفات رزید ترس و بددی و کسالت و مهملی و

الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْفُسُوقِ وَالذَّلَّةِ وَ

اندوه و هراس و بخل و غفلت و قنات قلب و ذلت و

الْمَسْكَنَةِ وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةَ وَكُلِّ بَلِيَّةٍ وَ

بیماری و فقر و ناداری و هر بنیه و رنج و

الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ

هر رشتی ظاهر و باطن و نیز پناه میرم تو از

نَفْسٍ لَا تَفْنَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ

نفسی که قناعت نکند و شکمی که از دنیا سیر نشود و دلی که از تو خاشع و ترسان نباشد

وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَأَعُوذُ بِكَ

و از دعائی که مستجاب نشود و عملی که سود نبخشد و نیز پناه میرم تو

يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي وَعَلَى جَمِيعِ مَا

ای خدا که جان و دین و مال و هر نعمتی که روزیم

رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّكَ أَنْتَ

کردی همه را از دستبرد دیو رجیم شیطان محفوظ داری که البته توشنوی دعا

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ

بندهگان و داناتی بصلاح خلقی ای خدا هیچکس مرا از قهر تو پناه

أَحَدٌ وَلَا آجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِذًا أَفَلَا تُجْعَلُ

تواند داد و جز تو معبودی و پناهی ندارم پس مرا در دنیا و

نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا تُزِدْنِي بِهَلَاكِهِ

عقبی هیچیک از عقوبت تایت مبتلا گردان و هیچ مصلحتی

وَلَا تُزِدْنِي بِعَذَابِ أَلِيمٍ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي

و عذاب دردناک باز میفکن ای خدا علم بپذیر

وَأَعْلِي ذِكْرِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطِّ زُرِّي

و نام بلند گردان و درجه ام را برافراز و گناه من بپزیر

وَلَا تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي وَاجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي

و خطایم را یادآورم مساز و پادشاش نشستن

و ثَوَابَ مَنْطِقِي وَ ثَوَابَ دُعَائِي وَ رِضَاكَ وَ

و سخن گفتن و دعا و تضرع را رضا و خوشنودیت و

الْجَنَّةَ وَ اعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ

بشت ابدت قرارده و اینخدا بکرمت هرچه درخواست کردم همه را عطا فرما و

زِدْ نِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبِّ

زیاده برآن از فضل و رحمت بجشن که دل من ای پروردگار عالم بسوی تو مایل

الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ

و مشاق است ای خدا تو در کتابت آیاتی نازل فرمودی که

الْعَفْوَ وَ أَمَرْنَا أَنْ نَعْفُو عَنْ ظَلَمِنَا وَ قَدْ

ما از هر کس در حق ما ظلم و ستم کرده عفو کنیم و ما در حق

ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَاعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ

نفس خود ظلم کردیم تو هم از ظلم ما عفو فرما که تو در این عفو و بخشش از ما سزاوارتری

مِنَّا وَأَمَرْنَا أَنْ لَا تَزِدَّ سَأَلًا عَنْ آبَائِنَا وَ

و باز با امرفمودی که سألی را از درگاه خود محسوم برگردانیم و

قَدْ جِئْتُكَ سَأَلًا فَلَا تَزِدْ فِي إِثَابِ قَضَاءِ

من هم سألتم بدرگاه کرمت پس مرا تا حاجتم روا نسازی

حَاجَتِي وَأَمَرْنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَى مَا مَلَكَتْ

باز کردان و باز با امرفمودی که در حق هر که در ملک و تصرف است «یعنی بندگان و

أَيْمَانُنَا وَنَحْنُ أَرْقَاءُكَ فَاعْتِنُقْ رِقَابَنَا مِنْ

عیالان» نیکی و احسان کنیم و ما بندگان تو ایم تو هم در حق ما نیکی کن و از آتش قدرت آزادمان

النَّارِ بِأَمْفِرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَ بِأَعْوُثِي عِنْدَ

ساز ای کسیکه در هنگام بلا و سنج بلها و پناه و در سختیها فریادرس

سِدَّتِي إِلَيْكَ فَرِعْتُ وَ بِكَ اسْتَعَثْتُ وَ بِكَ

مانی من بدرگاه تو پناهم و از تو فریادرسی میطلبم و بتو

لَذْتُ لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا

پناه آورده ام نه کسی دیگر جز تو و از درمی جز درگاهت گشایشی نمیطلبم

مِنْكَ فَأَغِثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي بِأَمْنٍ يَقْبَلُ الْبَسِيرَ

پس تو ای خدا بفریادم رس و عقده های قلمم بکشا ای آنکه عمل ناچیز را میپذیری

وَبَعْفُوعِنِ الْكَثِيرِ أَقْبَلُ مِنِّي الْبَسِيرَ وَاعْفُ

و از گنایان بسیار در میگذری از من هم این عمل کم را بپذیر و از گناها

عَنِّي الْكَثِيرِ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ اللَّهُمَّ

بسیارم در گذر که تو بسیار مهربان و آمرزنده ای ای خدا

إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا نَابُأُ شَرِيهِ قَلْبِي وَبَفِينَا

من از تو درخواست میکنم ایمانی ثابت که همیشه در قلمم برقرار باشد و یقینی کامل

حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّكَ لَنْ تُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي

تا بدانم که بمن جز آنچه قلم تقدیر تو نکاشته نخواهد رسید

وَرَضِيَنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي بِأَرْحَمِ

و مرا در زندگانی بجهت چه قسم کردی راضی و خوشنود ساز ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ

مهربانان عالم .

مختصرترین فی عای سحر که در کتاب اقبال ذکر کرده است:

بِأَمْرِ عِيٍّ عِنْدَ كُرْبِي وَبِأَعْوَجِّ عِنْدَ شِدَّتِي

ای آنکه بسنگام بلا ورنج طجا و پناه و در سختیها فریاد رس منی

إِلَيْكَ فَرِعْتُ وَبِكَ اسْتَعَثْتُ وَبِكَ لَذْتُ

من بد گاه تو میسالم و تورا فریاد رس میدانم و بتو پناه آورده‌ام

لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ

نه کسی دیگر جز تو و از دمی جز درگاهت گشایش نمی طلبم

فَأَعِثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي بِأَمِّنْ بِقَبْلِ الْبَسِيرِ وَ

پس تو ای خدا بفریاد رس و عقده دمی قلم بگشا ای آنکه عمل اندک و ناچیز بندگانرا میپذیری

بِعَفْوَعِنِ الْكَثِيرِ أَقْبَلْ مِنِّي لِبَسِيرٍ وَاعْفُ

و از گناهان بسیار در میگذری از من هم این عمل کم را بپذیر و از گناهان

عَنِّي لِكَثِيرٍ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ

بسیارم درگذر که تو بسیار مهربان و آمرزنده ای ای خدا

إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا نُبَا شَرِيهٍ قَلْبِي وَبَقِينًا

من از تو درخواست میکنم ایمانی ثابت که همیشه در قلبم برقرار باشد و یقینی کامل

حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ

تا بدانم که بن جز آنچه قلم تقدیر تو نگاشته نخواهد رسید

لِي وَرَضِيهِ مِنَ الْعَبْثِ بِمَا قَمْتَلِي بِأَرْحَمِ

و مرا در زندگی بھرچه قسمت کردی راضی و خوشنود ساز ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ بِأَعْدَتِي فِي كُرْبَتِي وَبِأَصْحَابِي فِي

مهربانان عالم ای قوت و ذخیره روزیخ و غم من و ای یار و یاور روز

سِدَّتِي وَبِأَوْلِيَّتِي فِي نِعْمَتِي وَبِأَغَائِبِي فِي

سختی من و ای ولی نعمت من ای مستهای آرزوی

رَغْبَتِي أَنْتَ السَّائِرُ عَوْرَتِي وَالْأَمِينُ رَوْعَتِي

من تویی که عیب و زشتیهای مرا میپوشانی و از هر چه هراسان بینم که این میازی

وَالْمُقْبِلُ عَثْرَتِي فَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي بِأَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ

و لغزشهایم را عفو کرده و از خطایم دریغ کن ای مهربانترین مهربانان عالم

دیگر از دعای منی که در سحر این ماه باید خواند اینست :

إِلَهِي وَفَقَّ السَّائِلُونَ بِبَابِكَ وَلَا ذَا الْفُقَرَاءُ

بار خدایا در خواست کنندگان در « غایت » تو ایستاده اند و فقرا بآستانه حضرت تو

بِجَنَابِكَ وَوَقَفْتُ سَفِينَةَ الْمَسَاكِينِ عَلَى

پناه آورده اند و کشتی مسکین بر ساحل دریای کرمت

سَاحِلِ بَحْرِ كَرَمِكَ بِرَجْوَنَ الْجَوْازِ إِلَى سَاحَةِ

سنگ انداخته جواز ورود به ساحت رحمت

رَحْمَتِكَ وَنِعْمَتِكَ إِلَهِي إِنْ كُنْتُ لَا تُرْحَمُ فِي

و نعمت می طلبند بار خدایا اگر مورد لطف و رحمت قرار

هَذَا الشَّهْرِ الشَّرِيفِ الْإِلْمَنِ أَخْلَصَ لَكَ فِي

نیمه می در این ماه شریف مکر آمان را که در روزه و نمازشان

صِبَامِهِ وَفِي بَامِهِ فَمَنْ لِلْمُذْنِبِ الْمَفْضِرِ إِذَا

بتو اخلاص کامل داشته اند پس کیت که رحمت آورد بر گنا هکاری که

غَرَقَ فِي بَحْرٍ ذُنُوبِهِ وَأَثَامِهِ إِلَهِي إِنْ كُنْتَ

در جادوش کوناهی کرد و در دریای گناہن و بدکاریش غرق شده است بار خدایا اگر مورد رحمت

لَا تُرْحَمُ إِلَّا الْمُطِيعِينَ فَمَنْ لِلْعَاصِيِينَ وَإِنْ

قرار نیده می مگر آنهایی که تورا اطاعت کرده اند پس که ترتم خواهد کرد بر آنها نیکه سر کشی کرده اند

كُنْتَ لَا تَقْبَلُ إِلَّا مِنَ الْعَامِلِينَ فَمَنْ

و اگر قبول نمی کنی مگر از آنها نیکه بوظائف بندگی عمل کرده اند پس که قبول خواهد کرد

لِلْمُقْصِرِينَ إِلَهِي رَيْحَ الصَّائِمُونَ وَنَاذِرَ

آنانرا که کوتاهی کرده اند بار خدایا روزه داران سؤد بردند و نساذ گذاران

الْقَائِمُونَ وَبَنِي الْمُخْلِصُونَ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ

استمرار شدند و آنان که از روی اخلاص بندگی کردند نجات یافتند و ما بندگان

الْمُذْنِبُونَ فَارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ وَاعْتِقْنَا مِنَ

گناهکار توایم پس رحمت کامله خود بر ما رحم کن و ما را از آتش آزاد

النَّارِ وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَلِكُلِّفِ الْمُؤْمِنِينَ

فرما و گناہن ما و تمام مؤمنین و مؤمنات را بلطیف

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

در محبت خود بیامرز ای مهربانترین مهربانان

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ .

و درود پروردگار بر محمد و اولاد پاکیزه او بار

اعمال شبهای قدر

اعمال شبهای قدر بر دو نوع است یکی آنکه در هر سه شب باید کرد ،
دیگر آنکه مخصوص است به ریشی .

اعمال مشترک در هر سه شب چند چیز است : ۱- غسل علامه مجلسی فرمود
که غسل این شبها را مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با
غسل بکند . ۲- دو رکعت نماز ، که در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه
توحید بخواند و بعد از فراغ هفتاد مرتبه **اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَنْتُوبُ إِلَيْهِ**

بگوید . و در روایت نبوی آمده است که از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را
و پدر و مادرش را بیا مرزد ، آنخبر .

۳- قرآن مجید را بشاید و بگذارد در مقابل خود و بگوید :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَمَا

بار خدایا من از تو درخواست میکنم بکتاب نازل شده تو «قرآن» و بحق آنچه

فِيهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَأَسْمَاؤُكَ

در آنت و در آن نام بزرگ و نامهای نیکوی

الْحُسْنَى وَمَا يُخَافُ وَرَجِي أَنْ تُجْعَلَنِي مِنْ

تو است و آنچه بیم و امید است که مرا از

عُقَابِكَ مِنَ النَّارِ

آزاد شدن کان از آتش متاردهی .

پس هر حاجت که دارد بخواند . ۴- آنکه قرآن مجید را بگیرد
و بر سر بگذارد و بگوید :

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْفُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ

خدایا بحق این متار آن و بحق کسیکه با او فرستادی آن را

بِهِ وَيَحْوِي كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدْحُتَهُ فِيهِ وَ

و بحق همه مؤمنی که در آن اورا ستودی و

بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدًا عَرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ

بحق تو بر آنها که احدی شناسار بحق تو از خودت نیست

پس ده مرتبه بگوید يَا اللَّهُ وَ ده مرتبه بِمُحَمَّدٍ وَ ده مرتبه

بِعَلِيِّ وَ ده مرتبه بِفَاطِمَةَ وَ ده مرتبه بِالْحَسَنِ وَ ده مرتبه

بِالْحُسَيْنِ وَ ده مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ ده مرتبه بِمُحَمَّدِ

ابْنِ عَلِيٍّ وَ ده مرتبه بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ ده مرتبه بِمُوسَى بْنِ

جَعْفَرٍ وَ ده مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ ده مرتبه بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ

وَ ده مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ ده مرتبه بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ وَ ده مرتبه

بِالْحُجَّةِ . پس هر حاجت که دارد طلب کند .

۵ - زیارت کند امام حسین علیه السلام را ، در خبر است که چون شب

قدر میشود منادی از آسمان بفرستد ندا میکند از بطنان عرش که حق تعالی آمرزید هر که

را بزیارت قبر حسین علیه السلام آمده .

۶- احوال بد را در این شبها را همانا روایت شده هر کس احیا کند شب
قدر را گناهان او آمرزیده شود هر چند بعد از سالگان آسمان و سنگینی کوهها
و کیل دریا باشد .

۷- صد رکعت نماز که فضیلت بسیار دارد و افضل آنست که در هر رکعت
بعد از حمد ده مرتبه توحید بخواند .

۸- بخواند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَمْسَيْتُ لَكَ عَبْدًا**

بار خدایا من شام کردم بنده ای آستان بوست

دَاخِرًا إِلَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا

که مالک بود و زبانی نیستم و نتوانم از خود

أَصْرَفُ عَنْهَا سَوْءًا أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي وَ

بدی بگردانم بدان بر خود گواهی میدهم و آستان تو

أَعْرَفُ لَكَ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَقِلَّةِ حِيلَتِي

بنا توانی و بیچارگی خود اعتراف میکنم .

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي

پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و بمن و همه مؤمنین

وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِنَ الْمَغْفِرَةِ

و مؤمنان و مؤمنات از آمرزش در این شب وعده فرمودی

فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَأَتِمِّمْ عَلَيَّ مَا أَتَيْتَنِي فِيهِ

و فاکن و آنچه بر من مرحمت فرمودی تمام و کمال گردان زیرا که من

عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الْفَقِيرُ

بنده مسکین و مستمند و ناتوان و درویش و

الْمَهِينُ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي نَاسِبًا لِذِكْرِكَ فِيمَا

خوار تو هستم یا خداوند عز و جل مرا از یاد تو فراموشکار گردان در آنچه

أَوْلَيْتَنِي وَلَا لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَعْطَيْتَنِي وَلَا

بمن عطا کردی و نه «خافض» از احسانت در آنچه بمن دادی و نه

أَيْسًا مِنْ إِبْطَالِكَ وَإِنْ أَبْطَأْتُ عَنِّي فِي سَرَاءِ

نومید از اجابت و اگر دیرهم باشد بر من در نهان باشم

أَوْضْرَاءَ أَوْشِدَّةٍ أَوْرَخَاءَ أَوْعَافِيَةَ أَوْبَلَاءَ

یاد زیان یا نختی یا آسایش یا عافیت یا بلا

أَوْبُوسٍ أَوْنِعْمَاءَ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ

یاد تنگی یاد نعمت بدستیکه تو شنوای دعائی

و این دعا را کفعمی از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده که در این شبها میخوانده اند در حال قیام و قعود و رکوع و سجود و علامه مجلسی فرموده که بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا برای مطالب دنیا و آخرت خود و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن مُرده و زنده ایشان است و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد آنچه مقدور شود و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در این شب بخوانند و روایت شده که خدمت حضرت رسول عرض شد که اگر من در رک کردم شب قدر را از خداوند چه بخواهم فرمود عافیت را

اعمال مخصوصه این شبها

پس اعمال شب نوزدهم چند چیز است: ۱- صد مرتبه **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي**

وَأَنْتُوبُ إِلَيْهِ ۲- صد مرتبه **اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ**

۳- بخواند: **بِذَا الَّذِي كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ**

ای آنکه پیش از هر چیز بوده

شُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ثُمَّ يَفِي وَيَفِي كُلُّ شَيْءٍ

پس هر چیز را آفرید و او باقی است و هر چیز فانی شود

بِذَا الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَبِذَا الَّذِي

ای آنکه بماند او چیزی نیست و ای آنکه

لَيْسَ فِي السَّمَوَاتِ الْعُلَىٰ وَلَا فِي الْأَرْضِ

نه در آسمانهای بلند و نه در زمینهای

السُّفلىٰ وَلَا فَوْقَهُنَّ وَلَا تَحْتَهُنَّ وَلَا بَيْنَهُنَّ

پست و نه در بالای آنها و نه در زیر آنها و نه در میان آنها

إِلَهُ يُعْبَدُ غَيْرُهُ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا يَفْوَىٰ

معبود بحق که پرستش شود جز او نیست حمد متر است آن پاس که کس نتواند

عَلَىٰ إِحْصَائِهِ إِلَّا أَنْتَ فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ

جز تو آنرا بشرد پس درود فرست بر محمد و

إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَوَةٌ لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ

آل محمد درودی که جز تو کس نتواند آنها بشمارد

۴ - بخواند: اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيهَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ

بارخدايا مقرر فرما در قضا و قدرت از امر

مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْنُومِ فِيهَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ

حتی «که کسی را از آن گزیرمی نیست» و در آنچه جداکنی از امور

الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَفِي الْفَضَاءِ الَّذِي

حکیمان در شب قدر و در فضای که تفسیر

لَا يَرُدُّ وَلَا يُبَدِّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ

نمیکند و رد و بدل نمیشود که بنویسی مرا از حاجیان

بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ جَهْمُ الْمَشْكُورِ

بیت الحرامت آنان که حجتشان قبول و کوشش آنان

سَعِيهِمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ

قدردانی شود و آمرزیده گردد گناهانشان و جبران شود

سَبِيئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيهَا تَقْضِي وَتُقَدِّرَاتُ

بدر در بحیاشان و مقرر فرما در قضا و قدرت اینکه

تُطِيلَ عُمْرَهُ وَتُوسِعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَتَفْعَلَ

طولانی گردانی عمر را و وسعت دهی بر من روزیم را و بفرمائی

بِي كَذَا وَكَذَا . و بجای این کلمه حاجات خود را ذکر کند .

بمن چنین و چنان و بجای « چنین و چنان » حاجت خود را ذکر کند .

شَبِّ بَيْتٍ وَكَيْفُ فَضِيلَتِهِ از شب نوزدهم زیادتر است باید

اعمال آن شب را از غسل و احیاء و زیارت و نماز مهفت قل هو الله و قرآن بر سر گرفتن

و صد رکعت نماز و دعای جوشن کبیر و غیره در این شب بعمل آورد و در روایات تاکید

شده در غسل و احیاء و جود و جود در عبادت در این شب و شب بیت و سوم و آنکه شب

یکی از این دو شب است و در چند روایت است که از معصوم سؤال کردند که معین فرماید

شب قدر که ام یک از این دو شب است تعیین نکردند بلکه فرمودند : مَا أَبْسَرَ

لَيْلَتَيْنِ فِيمَا نَطْلُبُ يَا أَكْثَرُ فرمودند : مَا عَلَيْكَ أَنْ تَفْعَلَ خَيْرًا

فِي لَيْلَتَيْنِ و شیخ صدوق فرموده است اگر این دو شب را بمذکره علم احیاء بدار

افضل خواهد بود .

باجمله از این شب شروع کند بدعای شبهای دهه آخر که از جمله این دعا
است که شیخ کلینی در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:
میکونی در دهه آخر ماه رمضان در هر شب :

أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضِيَ

پناه میبرم بجلال وجه کریمیت که بگذرد از

عَنِّي شَهْرُ رَمَضَانَ أَوْ يَطَّلَعَ الْفَجْرُ مِنْ لِبَائِي

من ماه رمضان یا برآید سپیده دم از این شب بر من

هَذِهِ وَلَكَ فِئَلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَةٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ

و من در پیشگاه تو گناه و پیگردی داشته باشم که مرا بر آن عذاب فرمائی .

و کفعمی در حاشیه بلد الامین نقل کرده که حضرت صادق علیه السلام در هر

شب از دهه آخر بعد از فرائض و نوافل میخواند :

اللَّهُمَّ ادِّعْنَا حَقَّ مَا مَضَى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ

بارخدا یا ادا کن از بهر ما حق آنچه گذشته از ماه رمضان

وَاعْفِرْ لَنَا نَقْصِرْنَا فِيهِ وَتَسَلَّهُ مِنَّا مَقْبُولًا

و بیامرز تقصیر ما را در آن و بگیر آزا از ما پذیرفته و مقبول

وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِإِسْرَافِنَا عَلٰى أَنْفُسِنَا وَاجْعَلْنَا

و مواخذه کن ما را باسراف بر نفسمان و ما را از رحمت

مِنَ الْمَرْحُومِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَحْرُومِينَ

شدگان مقدر فرما و ما را از محرومان مگردان

و فرمود هر که این را بگوید تحتالی تقصیری که از او در ایام گذشته از ماه رمضان سرزد

بیا مرزد و نگه دارد او را از معاصی در بقیه ماه و روایت شده که در شب بیست و یکم حماد بن

عثمان بر حضرت صادق علیه السلام وارد شد حضرت سوال کرد که غسل کرده ای عرض کرد

بلی فدایت شوم پس حضرت حصیری طلبید و حماد نزدیک خود طلبید و مشغول نماز شد و

پوسته آنحضرت نماز خواند و حماد نیز خیلی نزدیک حضرت نماز میخواند چون از نماز ناخویش

فارغ شدند پس آنحضرت دعا کرد و حماد آیین گفت تا صبح طلوع کرد آن جناب اذان و اقامه

گفت و بعضی از علمایان خود را طلبید و پیش ایستاد و نماز صبح خواند در رکعت اول حمد و قدر

و در رکعت دوم حمد و توحید خواند و بعد از نماز مشغول تسبیح و تمجید و تقدیس و شنای بر خدا

و صلوات بر غیبی صلی الله علیه وآله و دعا برای مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات شد پس سر
به سجده نهاد و مقدار یک ساعت بجز نفس چپیزی از آنجناب شنیده نشد پس زان این دُعارا

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ

جز تو معبودی نیست ای آنکه دلها و چشم‌ها را میگردانی

و بدانکه در این شب در سنه چهلیم هجرت شهادت مولای ما حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام واقع شد و در این شب احزان آل محمد و شیعیان تجدید میشود و شیخ مفید فرموده
که در این شب صلوات بسیار بفرستد و سعی و کوشش کند در تفرین بر ظالمان آل محمد و لعن بر
قاتل امیر المؤمنین علیه السلام .

رُوزِ بَیْتِ وَ یَکُمُ روز قتل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است و مناسب است
زیارت آنجناب و کلمات خضر علیه السلام که بمنزله زیارت آنحضرت است در این روز .

شَب بَیْتِ وَ سَوْم در هدیه الزائر ذکر شده که از دو شب قدر سابق افضل
است و از احادیث بسیار مستفاد میشود که شب قدر همین است و این شب جَننی است
و در این شب جمیع امور بر وفق حکمت مقرر میگردد و از برای این شب غیر از اعمالیکه با دو
سابق شریک است چند عمل دیگر است : ۱ - خواندن سوره غنجهوت و روم که حضرت

صادق علیہ السلام قسم یاد فرموده که خواننده این دو سوره در این شب از اهل بهشت است . ۲ - خواندن **حَمْدُ دُخَانِ** . ۳ - خواندن سوره قدر هزار مرتبه .

۴ - آنکه تکرار کند در این شب بلکه در تمام اوقات این دُعَا را :

اللَّهُمَّ كُنْ لِي وَلِيًّا كُنْ لِي حِجَّةً كُنْ لِي حَسَنًا

بار خدا یا باش برای ولیت حجت من احسن

صَلِّ وَأَنْتَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ

درود تو بر او و بر پدران او باد در این ساعت

وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا

و در هر ساعت سرپرست و نگهدار و پیشوا و یاور

وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ

و راهبنا و دیده بان تا او را در زمینت « بسلطت » بنشانی

طَوْعًا وَتَمَنِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا *

بر رغبت مردم و بهره دهی او را مدت بسیار

۵- بخواند: اللَّهُمَّ اَمِّدْ دُلِّي فِي عُمْرِي

ای خدا مرا عمری طولانی ده

وَ اَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي وَ اصْحَعْ لِي جِسْمِي وَ بَلِّغْنِي اَمَلِي

ورزقم را وسیع گردان و تنم را سالم بدار و باززودم نائل ساز

وَ اِنْ كُنْتُ مِنَ الْاَشْفِيَاءِ فَاصْحَعْ لِي مِنَ الْاَشْفِيَاءِ

و اگر نام من در دفتر اهل شقاوت است محو گردان

وَ اَكْتُبْنِي مِنَ السُّعَدَاءِ فَاِنَّكَ فُلْتَ فِي كِتَابِكَ

و از اهل سعادت رستم زن که تو در کتاب آسمانی که

الْمُنْزَلِ عَلٰى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلِّوْا نِكَ عَلَيْهِ

پیغمبر مرسل خود که رحمت بر او و آل او باد فرستادی فرمودی

وَ اِلَيْهِ بِمَحْوِ اللّٰهِ مَا بَشَاءُ وَ

خدا هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد اثبات میکند

عِنْدَهُ اَمُّ الْكِتَابِ

اصل کتاب آفرینش نزد او است

دُعای وداع ماه مبارک رمضان

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَرْغَبُ فِي الْجَزَاءِ وَيَا مَنْ

ای خداوند ای که بر عطا عوض نیطلبی و ای که

لَا يَبْتَدِمُ عَلَى الْعَطَاءِ وَيَا مَنْ لَا يُكَافِي

از بخشش پشیمان نمیشوی و ای که با بسته خود

عَبْدَهُ عَلَى الشَّوَاءِ مِثْلَكَ ابْتِدَاءً وَعَفْوًا

بماند او رفتار نمیکنی بی سبب می بخشی و بی استحقاق

تَفَضُّلاً وَعَفْوً بِكَ عَدْلٌ وَقَضَاؤُكَ خَيْرَةٌ

غفور میکنی و عفویت تو عدل است و حکم تو خیر و صلحت است

إِنْ أَعْطَيْتَ لَمْ تَنْسُبْ عَطَاءَكَ بِمَنْ وَإِنْ

اگر بخششی عطای تو آئینت بافت نیست و اگر

مَنْعَتْ لَمْ يَكُنْ مَنَعَكَ نَعْدًا بِأَنْتَ كَرَمٌ

منع کنی ستم نکرده ای هر که سپاس تو گزارد

شَكَرَكَ وَأَنْتَ لِمَنْهُ شُكْرَكَ وَتُكَافِي مَنْ حَمَدَكَ

جزای وافر میدهی بآنکه تو خود سپاسگزاری را باد الهام کرده‌ای و هر که حمد تو گوید

وَأَنْتَ عَلِمْتَهُ حَمْدَكَ تَسْرُعُ عَلَيَّ مَنْ لَوْ شِئْتُ فَضَحْتُهُ وَبِجُودٍ

پادشاه وی را کامل عطا میکنی بآنکه تو خود با همه آموخته عیب کسی را میپوشی که شایسته رسوائی است از سخنوتی رنوش

مَنْ لَوْ شِئْتُ مَنَعْتَهُ وَكِلَاهُمَا أَهْلٌ مِنْكَ

میکردی و بر کسی بخشش میفرمائی که سزاوار حرمان است و اگر میخواستی

لِلْفَضِيحَةِ وَالْمَنْعِ غَيْرَ أَنَّكَ بِنَيْتِ أَفْعَالِكَ عَلَى

محروم میساختی و هر دو استحقاق محرومیت و رسوائی دارند اما تو بنیای کارها خویش بر تفضل

النَّفْضِ وَأَجْرِيْتُ فُذِّدْتِكَ عَلَى النَّجَاوِزِ وَ

نصاده و قدرت خود را در تجاوز و عفو بکار میبری آنرا که

نَلَقَيْتَ مَنْ عَصَاكَ بِالْحِلْمِ وَأَمَهَلْتَ مَنْ قَصَدَ

نافرمانی کند بحلم فراموش آئی و آنکه بر خویش ستم

لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ تَسْتَنْظِرُهُمْ بِأَنَّكَ إِلَى الْأَنْابَةِ

کند عمت دهمی شاید فرمت یا بند و باز گردند

وَنَتْرُكُ مُعَاجِلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لِكِبْلَاءِ بِهْلِكَ

در عقوبت ثواب نینفرمائی تا توبه کنند تا هلاک

عَلَيْكَ هَا لِكُهُمْ وَلَا يَشْفِي بِنِعْمَتِكَ شَفِيَّهُمْ

نشود از جنت تو و بدبخت نکردد مگر آنکه دیرزمانی

إِلَّا عَن طَوْلِ الْأَعْدَاءِ إِلَيْهِ وَبَعْدَ تَرَادُفِ

تو او را مهلت داده و حجت بروی تمام کرده

الْحُجَّةِ عَلَيْهِ كَرَمًا مِنْ عَفْوِكَ يَا كَرِيمُ

ای خدای کریم این همه بزرگواری و بخشندگی دهرسانی

عَائِدَةً مِنْ عَطْفِكَ يَا حَلِيمُ أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ

دنبده نوازیست ای پروردگار حلیم تویی که برای بندگان دری

لِعِبَادِكَ يَا بَابًا إِلَى عَفْوِكَ وَسَمَّيْنَاهُ التَّوْبَةَ وَ

سوی آمرزشش گشودی و آنرا توبه نام نهادی و

جَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ لَيْلًا مِنْ وَحْيِكَ

دلیلی از قرآن آوردی که بندگان آن در را

لَعَلَّابُضِلُوا عَنْهُ فَقُلْتَ تَبَارَكَ اسْمُكَ تَوْبُوا

تا گمراه همگردند از آن فرخنده باد نام تو گفته سوی

إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ

خدا توبه کنید توبه خالص شاید پروردگارشما گناهان

عَنْكُمْ وَسَيَّئَانِكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

شما را محو کند و بیباغی در آورد که از زیر درختان

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ

آن جویها روانست روزی که خنداند پیغمبر و مؤمنین

آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ

با او را رسوا کنند نورشان در پیشاپیش و از دست راست آنها میتابد

يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ

میگویند ای پروردگارا نور ما را کامل کن و ما را بیامرز که تو

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَمَا عُدْرَمَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ

بر هر چیز قادری پس بسان آن کسیکه پس از گشودن این در

ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ إِفَامَةِ الدَّلِيلِ

وگماشتن این را بسما بخانه در نیاید چیت ؟

وَأَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السَّوْمِ عَلَى نَفْسِكَ

و تو در این سودا از خود بر سود بندگان

لِعِبَادِكَ زُبَيْدٍ رِيحَهُمْ فِي مُتَاجِرِنِهِمْ لَكَ وَ

افزودی خواستی در این بازرگانی نفع بسیار برند و از

فَوْزَهُمْ بِالْوِفَادَةِ عَلَيْكَ وَالزُّبَادَةِ مِنْكَ

رسیدن خدمت تو رستگار شوند و فرونی یابند

فَقُلْتَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَيْتَ مَنْ جَاءَ

پس تو که نامت فرخنده و بلند باد گفتی : هر کس عملی

بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ مِثْلِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ

نیکیو بجای آورد ده برابر آن عوض گیرد و هر کس یکت کردار زشت

فَلَا يُجْزِيهِ إِلَّا مِثْلُهَا وَقُلْتَ : مِثْلُ الذَّيْبِ

بجای آورد جز باندازه همان یکی کیفر نبیند و گفتی : مثل آنحصا که

يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَا كَفَرُوا

مال خود را در راه خدا انفاق میکنند مثل دانه است

أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ

که هفت خوشه از آن روید که در هر خوشه صد دانه

حَبَّةٍ وَاللَّهُ بِضَاعِعٍ لِمَنْ يَشَاءُ وَقُلْتُ

بود و خدای برای هر کس خواهد چند برابر افزون کند و گفتی:

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فُضِّئًا

کیت بخدا قرض نیکو دهد و خداوند آن را

لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَمَا أَنْزَلْتُ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ

چندین برابر گرداند و مانند این در قرآن بسیار

فِي الْفُرَّانِ مِنْ نُضَاعِفٍ لِحَسَنَاتٍ وَأَنْتَ

فرستادی و نوید تضاعف حسنات دادی و تو

الذَّيْبُ دَلَّ لَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ وَتَرْغِيبِكَ

بر سخن خود و از باطن علم خویش برای ترغیب آمان

الَّذِينَ فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَىٰ مَا سَتَرْنَا عَنْهُمْ لِمَا

بچیزی که سود آنهاست بر رازی آگاهشان کردی که اگر پنهان کرده بودی

تُدْرِكُهُ أَبْصَارُهُمْ وَلَمْ تُعِهِ أَسْمَاعُهُمْ وَلَمْ

بچشم نرسیدند و بگوش نمی شنیدند و اندیشه

تَلْحَفُهُ أَوْ هَامُمُ فَقُلْتَ أَذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ

آنها آن نرسید گفتی مرا یاد کنید تا شما یاد کنم

وَأَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ وَقُلْتَ: لَأَنْ

و مرا شکر گوید و ناسپاسی کنید و گفتی: اگر مرا

شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي

پاس گزاریم نعت شما افزون کنم و اگر ناسپاسی کنید عذاب من

لَشَدِيدٌ وَقُلْتَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ

سخت است و گفتی: مرا بخوانید تا شما اجابت کنم و اگر

الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ

سرکش باشید و بندگی من نکنید زود باشد که ذلیلانه بدوزخ

جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ فَتَمِيتْ دُعَاءَكَ عِبَادَةً وَتَرْكَةً

در آئید پس دعای خود را بندگی خواندی و ترک آنرا

اسْتِجَارًا وَتَوَعَّدْتَ عَلَى تَرْكِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ

سه کشتی نام نهادی که اگر ترک دعا کنند بخواری در جهنم

دَاخِرِينَ فَذَكَرُواكَ بِمَنِّكَ وَشَكَرُواكَ بِفَضْلِكَ

روند پس بندگان تو نعمت تو را یاد کردند و فضل ترا سپاس گفتند

وَدَعَاكَ بِأَمْرِكَ وَنَصَدَّقُوا لَكَ طَلِبًا لِمَزِيدِكَ

و مطابق فرمان تو ترا خواندند و در راه تو صدقه دادند تا نعمت آنها را افزایش دهی

وَفِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِكَ وَفَوْزُهُمْ

و بدین سبب از خشم تو رهایی یافتند و به خوشنودی تو

بِرِضَاكَ وَلَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ

استکار شدند و اگر یکی از آفریدگان تو دیگری را همنامی کرده بود

عَلَى مِثْلِ الَّذِي دَلَّكَ عَلَيْهِ عِبَادَتِكَ مِنْكَ

بماند آنچه تو آمان را ره نمودی سزاوار ستایش بیار

كَانَ مَوْصُوفًا بِالْأَحْسَانِ وَمَنْعُونًا بِالْأَمْتِنَا

بود و او را بنیکی یاد میکردند و منت داشتند

وَمَحْمُودًا بِكُلِّ لِسَانٍ فَلَكَ الْحَمْدُ مَا وَجَدَ

و بجهت زبان شنا میگفتند پس سپاس تو را بجهت هر طریقی که

فِي حَمْدِكَ مَذْهَبٌ وَمَا بِنِي لِلْحَمْدِ لَفْظٌ نُحْمَدُ

توان سپاس تو گفت و بهمه لفظی که شکر تو توان گذارد

بِهِ وَمَعْنَى بِنُصْرٍ إِلَيْهِ بِأَمْنٍ تَحَمُّدًا إِلَى

و بهر معنی که اندیشه بدان راه یابد ای که باحسان و فضل

عِبَادِهِ بِالْأَحْسَانِ وَالْفَضْلِ وَغَمْرَهُمْ بِالْمَنِّ

سزاوار ستایش بندگان گشته و آمان را بنعمت و بخشش

وَالطَّوْلِ مَا أَفْتَى فِينَا نِعْمَتَكَ وَأَسْبَغَ عَلَيْنَا

فراگرفتی چه بسیار نعمتهای تو بر ظاهر حال ما پیدا است و عطای تو

مِنْكَ وَأَخَصَّنَا بِبِرِّكَ هَدَيْتَنَا لِدِينِكَ الَّذِي

بر ما واخر و باحسان خاص تو سرفرازیم ما را بدین برگزیده خود هدایت

اصْطَفَيْتَ وَمِلَّتِكَ الَّتِي ارْتَضَيْتَ وَسَبِيلِكَ

فهم بودی و بشریعت پسندیده ات راه نمودی و در راه هموار

الَّذِي سَهَّلْتَ وَبَصَّرْنَا الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ وَ

ساکت گردانیدی و ما را بیسنا کردی تا بتو تقرب جویم

الْوُصُولَ إِلَى كَرَامَتِكَ اللَّهُمَّ وَأَنْتَ جَعَلْتَ

و بکرامت تو رسم خدایا تو ماه رمضان

مِنْ صَفَائِكَ الْوِظَائِفِ وَخَصَائِصِ نِكَ

را از بزرگترین تکالیف و عظیمترین واجبات

الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي اخْتَصَصْتَهُ مِنْ

قرار دادی و از ماههای دیگر

سَائِرِ الشُّهُورِ وَتَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَزْمَنِ

بهرتس مخصوص داشتی و از سایر اوقات

وَالدَّهْرِ وَآثَرْتَهُ عَلَى كُلِّ آوْفَانٍ لِسَنَةِ

برگزیدی و بر همه ازمنه برتری دادی

بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَالنُّورِ وَضَاعَفْتَ

چون قرآن و نور هدایت را در این ماه فرستادی ثواب ایمان

فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ وَفَرَضْتَ فِيهِ مِنَ الصِّيَامِ

را در آن چند برابر کردی و روزه را فریضه گردانیده

وَرَعَبْتَ فِيهِ مِنَ الْفِيَامِ وَأَجَلْتَ فِيهِ مِنْ

و شب زنده داری را مرغوب شمردی و شب قدر را

لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ثُمَّ

بزرگ دهشتی که بهتر از هزار ماه است و ما را

أَثَرْنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ وَأَصْطَفَيْتَنَا

بر اسم دیگر برگزیده و رمضان را مخصوص ما گردانیدی

بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمِلَلِ فَصُمْنَا بِأَمْرِكَ

و فضل این ماه را با خایت فرمودی نه باصحاب شرایع دیگر پس بفرمان تو روز

نَهَارَهُ وَقُمْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلَهُ مُنْعَرِضِينَ

آنرا روزه گرفتیم و بیاری تو شب بپا خواستیم بدین روزه و شب زنده داری ما را

بِصَبَامِهِ وَفِيَامِهِ مَا عَرَضْنَا لَهُ مِنْ

در معروض بخشایش خویش آوردی و

رَحْمَتِكَ وَتَسَبَّبْنَا إِلَيْهِ مِنْ مَثُوبَتِكَ وَأَنْتَ

ما بریمان ثواب تو چنگ فرا بردیم هرکس روی سوی

الْمَلِكِ بِمَا رُغِبَ فِيهِ إِلَيْكَ أَجْوَادٌ بِمَا سَأَلْتَ

تو آرد امیدش را بریآوری و آنکه از فضل تو چیزی خواهد بیدریغ میبخشی

مِنْ فَضْلِكَ الْفَرِيبُ إِلَى مَنْ حَاوَلَ فُرْبَكَ وَ

و هرکس بتو تقرب جوید تو هم بود نزدیک میشود و

فَدَا فَا مَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مَقَامَ حَمْدٍ وَصَحْبِنَا

اینماه در میان ما چندی بماند و نوب همنشین

صُحْبَةً مَبْرُورًا وَأَرْوَحْنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِ

بود و بمرین سودای جهان را برای ما آورد

ثُمَّ فَدَا فَرَفْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ وَأَنْفِطَاعِ

و چون وقت او بر آمد و مدتش باخجام رسید

مُدَّانِهِ وَوَفَاءِ عَدَدِهِ فَتَحْنُ مَوَدِّعُوهُ وَدَاعِ

و شاره روزمیش پایان یافت آهنگ جدائی کرد پس اورا بدود گوئیم

مَنْ عَزَّ فِرَافُهُ عَلَيْنَا وَغَمْنَا وَأَوْحَشَنَا انْصِرَافُهُ

اما جدائی او بر ما سخت آشکار و بازگشتن او مارا اندوگمین ساخت و بوخت

عَنَا وَلَزِمْنَا لَهُ الذِّمَامُ الْمَحْفُوظُ وَالْحُرْمَةُ

افکند حق صحبت او بر عهده ما بماند و رعایت حرمتش

الْمَرْعِيَّةُ وَالْحَقُّ الْمَفْضِيُّ فَتَحْنُ فَاثْلُوبَ

واجب آمد و ادای حقش لازم پس گوئیم :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ وَيَا عَبْدَ

سلام بر تو باد ای ماه بزرگت خدای و جشن

أَوْلِيَاءِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ

دوستان او سلام بر تو ای که در زمانه بهترین

مِنَ الْأَوْقَاتِ وَيَا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْأَبْطَامِ وَ

همنشین بودی و روز و ساعتی تو بهتر از هر ماه

السَّاعَاتِ السَّلَامِ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ قُرْبَتِ

دیگر بود سلام بر تو ماهی بودی که آرزوی

فِيهِ الْأَمْالُ وَنُشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ السَّلَامُ

نزدیک شد و اعمال خیر روایی یافت سلام

عَلَيْكَ مِنْ فَرِّ بْنِ جَلٍّ فَدْرُهُ مَوْجُودًا وَأَفْجَعُ

بر تو چه ارجمند همدمی بودی تا بودی و چه غم‌انگیز است

فَدْرُهُ مَفْفُودًا وَمَرْجُو الْمَفْرِافَةِ السَّلَامُ

فراق تو چون از ما جدا شوی چه مایه امید تو که فرقت اینهمه دردناک است سلام

عَلَيْكَ مِنْ أَيْهِ النَّاسِ مُقْبِلًا فَسَرَّ وَأَوْحَشَ

بر تو که یار مونس نابودی آنگاه که آمدی ما را شاد کردی و اکنون که میردی

مُنْفِضًا فَمَضَّ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ جُجَاوِرِ رَقَّتْ

رقن تو سبکین و دلخراش است سلام بر تو که در مجاورت تو دلها

فِيهِ الْقُلُوبُ وَفَلَّتْ فِيهِ الذُّنُوبُ السَّلَامُ

نرم شد و گناهان کاهش یافت سلام

عَلَيْكَ مِنْ نَاصِرٍ آعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ وَ

بر تو ای یاورى که ما را بر شیطان چیره کردى و

صَاحِبِ سَهْلٍ سُبُلِ الْإِحْسَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

رهنمى که راههاى خیرا هموار ساخته سلام بر تو

مَا أَكْثَرَ عُنُقَاءَ اللَّهِ فِيكَ وَمَا أَسْعَدَ مَنْ دَعَى

چه بسیارند آزادشدگان خداوند در تو و چه نیکبخت است بسبب تو آنکه رعایت

حُرْمَتِكَ بِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْمَاكَ

حرمت تو کرد سلام بر تو چه بسیار زنگ گناهان را

لِلذُّنُوبِ وَأَسْرَكَ لِأَنْوَاعِ الْعُيُوبِ السَّلَامُ

از صفه جانها زدودى و عیبهاى گوناگون را فرد پوشیدى سلام

عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى الْمُجْرِمِينَ وَ

بر تو گناهکاران را ماندن تو دراز کشید و در سینه

أَهْبَكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

مؤمنان شکوه تو بسیار ماند سلام بر تو

مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ إِلَّا يَوْمَ السَّلَامِ عَلَيْكَ

چه ماهی تو که روزگار با تو دعوی برابری نکند سلام بر تو

مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرِ سَلَامٌ عَلَيْكَ

ماهی بودی که از هر جت بی‌گزند و آزار سلام بر تو

غَيْرَ كَرِيهِ الْمُصَاحَبَةِ وَلَا ذَمِيمِ الْمُلَابَسَةِ

صفت تو را نمانوشند و از هم‌نشینی با تو ناراضی نبودیم

السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا وَفَدْتَ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ

سلام بر تو که با برکات بسیار آمدی

وَوَسَلْتَ عَنَّا دَنَسَ الْخَطِيئَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

و چرک گناهان را از ما شستی سلام بر تو

غَيْرَ مُؤَدَّعٍ بَرَمًا وَلَا مَنزُولٍ صِبَامُهُ سَامًا

ترا بدرد کنیم با آنکه از تو طول نیستیم روزه تو را ترک گوئیم اما از آن شکر نباشیم

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ وَ

سلام بر تو که پیش از آمدن آرزوی ترا داشتیم و

مَحْرُوفٍ عَلَيْهِ قَبْلَ فَوْثِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ كَرَمٌ

پیش از رفتن از مفارقت تو اندوختن سلام بر تو چه

مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِكَ عَنَّا وَكَرَمٌ مِنْ خَيْرٍ أَفْضَلُ

بدیها که بمن تو از ما گذشت و چه نیکیها که بگرت تو

بِكَ عَلَيْنَا السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ

بر ما ریزان شد سلام بر تو و بر شب قدر

الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرِ السَّلَامِ عَلَيْكَ مَا

که از هزار ماه بهتر است سلام بر تو که

كَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْكَ وَأَشَدَّ شَوْفَنَا

دیروز تو مشتاق بودیم و فردا آرزوی تو را

عَدَا إِلَيْكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى فَضْلِكَ

میکشیم سلام بر تو و بر آن نعمت

الَّذِي حُرْمَتُهُ وَعَلَى مَاضٍ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُلْبَانُهُ

که از آن محروم گشتیم و بر برکتهای گذشته که از ما گرفته شد

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَّفْنَا

حداوند ما اهل این ماهیم ما را بدین شرف لایق

بِهِ وَوَقَّفْنَا بِمَنِّكَ لَهُ حِينَ جَهَلِ الْأَشْفِيَاءِ

دستی و توفیق ادراک آن دادی در زمانیکه بدبختان قدر آنرا

وَقَنَهُ وَحُرْمُوا الشَّقَائِمُ فَضْلَهُ أَنْتَ وَلِيُّ مَا

نشاخستند و به بدبختی ازفضیلت آن محروم گشتند تویی که معرفت

اَثْرُنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ وَهَدَيْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ

آنرا مخصوص ما گردانیدی و به سنن آن ما هدایت فرمودی

وَإِذْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَفِيَامَهُ عَلَى

بتوفیق تو روزه گرفتیم و شبها بعبادت برخواستیم با آنکه

نَقْصِيرٍ وَأَدْبُنَا فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرِ اللَّهُمَّ

کوتاهی کردیم و اندکی از بسیار حق آنرا ادا کردیم خدا یا

فَلَكَ الْحَمْدُ اقْرَأْ بِالْأَسَاءَةِ وَإِعْزَا فَا

ترا حمد گوئیم و به بدکرداری خود اقرار کنیم و به نابهکاری

بِالْإِضَاعَةِ وَاللَّكِّ مِنْ فُلُوبِنَا عَقْدُ التَّدَمِيرِ وَ

اعتراف داریم در دل با تو پیمان توبه بستیم و

مِنْ أَلْسِنِنَا صِدْقُ الْأَعْيُذَارِ فَأَجْرُنَا عَلَى مَا

در زبان ندای عذر خواهی ، پس با آن همه

أَصَابِنَا فِيهِ مِنَ التَّفْرِيطِ أَجْرًا نَسْتَدْرِكُ بِهِ

تقصیر و کوتاهی اجبه ما کمال عطا کن تا فضائی که

الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ وَنَعْنَأُضُ بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ

دوست داشتیم و از دست ما بدر رفت تدارک کنیم و عوض آن ذخائر گوناگون

الذُّخْرِ الْمَحْرُوصِ عَلَيْهِ وَأَوْجِبُ لَنَا عُدْرَكَ عَلَى

که آرزومند بودیم و بدان نرسیدیم باز یابیم و آنچه از حق تو تقصیر کرده ایم

مَا فَضَّرْنَا فِيهِ مِنْ حَفِيَّكَ وَابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ

عذر ما بپذیر و عمر ما بماه رمضان

أَبْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ فَإِذَا بَلَّغْنَا

آینده برسان و چون رسانیدی ما را

فَاعِنَّا عَلَىٰ تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَةِ

یاری کن تا عبادتی که سرافرازا تو است بجای آریم

وَأَدِنَّا إِلَىٰ الْفِيءِ بِمَا بَسَّخَفْتُهُ مِنَ الطَّاعَةِ وَ

و بطاعتیک در خود بزرگی تو است شبها بر خیزیم و

أَجْرِنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ

از اعمال نیکو آن اندازه بردست ما جاری کن که یکما به

فِي الشَّهْرِ بَيْنَ مِنْ شَهْرٍ وَالذَّهْرُ اللَّهُمَّ وَمَا أَلَمْنَا

وظیفه دو ماه را ادا کنیم خداوندا اگر در ایماه

بِهِ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِشْمٍ أَوْ وَاغْنِنَا فِيهِ

اتفاقا نافرمانی کرده گناهی مرکب شده

مِنْ ذَنْبٍ وَاکْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَىٰ

یا خطائی نمودیم بعهد یا بفراموشی

تَعَمُّدٍ مِنَّا أَوْ عَلَىٰ نِسْبَانِ ظَلَمْنَا فِيهِ أَنْفُسَنَا

دبر خویش ظلم و ستم کردیم

اَوْ تَهَمَّكَ بِهِ حُرْمَةٌ مِنْ غَيْرِنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

یا حرمت دیگری را نگاه نداشتیم پس درود بر محمد و

إِلَيْهِ وَاسْتُرْنَا بِسِرِّكَ وَاعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ وَلَا

آل او فرست و ما را به پرده عفو پوش و برحمت خود از ما درگذر و ما را

تَنْصِبْنَا فِيهِ لِأَعْيُنِ الشَّامِثِينَ وَلَا تَبْسُطْ عَلَيْنَا

در پیش چشم آنها که از بختی ما شاد میگردند رسوا ساز و زبان طعنه

فِيهِ أَلْسُنَ الظَّالِمِينَ وَاسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ

زبانها بر ما دراز کن و ما را بجاری وادار که گناه ما

حِطَّةً وَكَفَّارَةً لِمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي

بیرزد و هر چه را از ما نمی پسندی فرو پوشد بحق مصه

لَا تُنْفَدُ وَفَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْفُصُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بی پایانت و فضل کاهش ناپذیرت خدایا درود بر

مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَاجْبُرْ مُصِيبَتَنَا بِشَهْرِنَا وَبَارِكْ لَنَا فِي

محمد و آل او بفرست و مصیبت ما را در فراق اینماه تدارک کن و عید

يَوْمَ عِيدِنَا وَفِطْرِنَا وَاجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ

فطر را بر ما فرخنده ساز و آنرا بهترین روز گردان که بر ما

عَلَيْنَا أَجْلِبِهِ لِعَفْوِ وَأَحْأَهُ لِدَنْبٍ وَاعْفِرْ لَنَا مَا

گذرد بیشتر از هر وقت عفو ترا سوی ما کشند و گناه ما ببرد گن دان

خَفِيٍّ مِنْ ذُنُوبِنَا وَمَا عَلَنَ اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِانْسِلَاخِ

پنهان و آشکار ما بیامز خدا یا چون این ماه بسفخ رسد

هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا وَآخِرِ جَنَابِخِرٍ وَجِهٍ مِنْ

گن دان ما نیز از ماسخ کن و برقت این ماه بدیهای ما

سَبِّئَانِنَا وَاجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِهِ بِهِ وَاجْزِلِهِمْ فِيمَا

نیز بر و ما نیکبخت ترین و بانصیب ترین و

فِيهِ وَأَوْفِرِهِمْ حَظًّا مِنْهُ اللَّهُمَّ وَمَنْ رَعَى هَذَا

بهره مند ترین مردم گردان خدا یا هر کس حق این ماه را

الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ وَحَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا وَ

ماه را چنانکه باید رعایت کرد و حرمت آنرا چنانکه شاید نگاهداشت

قَامَ بِحُدُودِهِ حَقٌّ فِيهَا مَهَا وَاتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقٌّ

بوخلف آن نیکت بایستاد و از گناهان برآستی

تُقَانِيهَا أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ أَوْ جَبَتْ

پریز کرد و سوی تو بطاعتی تقرب جت که موجب

رِضَاكَ لَهُ وَعَظَمَتْ رَحْمَتَكَ عَلَيْهِ فَهَبْ

خوشنودی تو گشت و بخشایش تو را سوی خود کشید پس ما را

لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ وَأَعْطِنَا أضعافَهُ مِنْ

بقدرت خود مانند آن ده و بفضل خود چندین برابر

فَضْلِكَ فَإِنَّ فَضْلَكَ لَا يَغِيضُ وَإِنَّ خَزَائِنَكَ

عطا کن که سرچشمه فضل تو هرگز خشک نشود و گنج کرم تو

لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِيضُ وَإِنَّ مَعَادِينَ إِحْسَانِكَ

کاوش نیابد بلکه پیوسته ریزان باشد و کان احسان تو بیابان

لَا تَفْنَى وَإِنَّ عَطَائِكَ لِلْعَطَاءِ الْمُهْتَبِ اللَّهُمَّ

نرسد و عطای تو عطای گوارنده باشد خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أَجُورِ

درد بر محمد و آل او بفرست و هر کس تا روز قیامت

مَنْ صَامَهُ أَوْ تَعَبَّدَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

اینجا را روزه دارد و تورا عبادت کند برای ما با اندازه ثواب او بویس

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا الَّذِي

خدایا در این روز فطر که آن را برای مؤمنان

جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَسُرُورًا وَإِلَى أَهْلِ مِلَّتِكَ

روز جشن و شادی و برای دینداران هنگام اجتماع

بِجَمَاعٍ وَمُحْتَشِدًا مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَدْبْنَاهُ أَوْ سَوَّ

و انس گردانیدی از هر گناهی که مرتکب شدیم و هر بدی که

أَسْلَفْنَاهُ أَوْ خَاطِرٍ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ تَوْبَةً مَنْ لَمْ

پشیر از ما صادر گشت و هر اندیشه زشت که در ضمیر ما گذشت سوی تو توبه کنیم توبه که

يَنْطَوِي عَلَى رُجُوعٍ إِلَى ذَنْبٍ لَا يَعُودُ بَعْدَهَا

برگناه باز نخواهیم گشت و بخطائی عودت نخواهیم کرد

فِي خَطِيئَةٍ تَوْبَةً نَّصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشَّكِّ

توبه پاک و خالص از شکست

وَالْأَرْضِينَابِ فَتَقَبَّلَهَا مِنَّا وَأَرْضَ عَنَّا وَثَبَّتْنَا

و شبهه و آن را از ما بپذیرد و راضی باشد و ما را بر آن

عَلَيْهَا اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ لَوْ عَيْدٍ

استوار بدار خدا یا اییم عقاب در دل ما افکن و

شَوْقِ ثَوَابِ لِمَوْعُودٍ حَتَّىٰ نَجِدَ لَذَّةَ مَا نَدْعُوكَ

شوق ثواب موعود نصیب ماکن تا لذت این دعا را در یابیم

بِهِ وَكَابَةِ مَا نَسْجِبُكَ مِنْهُ وَاجْعَلْنَا

و از عذاب تو تشبیه کن هر اسنان باشیم و قرار ده ما را

عِنْدَكَ مِنَ التَّوَابِينَ الَّذِينَ أَوْجِبَتْ لَهُمْ

از زمره تائبان آسمان که محبت خویش را در باره آسمان

مَحَبَّتِكَ وَقِيلَتْ مِنْهُمْ مُرَاجَعَةٌ طَاعَتِكَ بِأَنَّ

لازم شدی و بازگشت به طاعت را از آسمان پذیرفتی ای

أَعَدَّ الْعَادِلِينَ اللَّهُمَّ نَجِّنا وَ زَعْنَ آبائنا وَ

دادگر دادگران خدایا از گناه پدران و

أُمَّهائنا وَ أَهْلِ دِيننا جَمِيعاً مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ وَ مَنْ

مادران و اهل دین ما بگذر هرکس در گذشته و هرکه

غَبَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ بَيْتِهِ

خواهد آمد تا روز قیامت خدایا بر محمد پیغمبر ما و بر

وَ إِلَيْهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ صَلِّ

خاندان او درود فرست چنانکه بر فرشتگان مقرب خود فرستادی و براو

عَلَيْهِ وَ إِلَيْهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَاءِكَ الْمُرْسَلِينَ

و آل او درود فرست چنانکه بر پیغمبران مرسل فرستادی

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ إِلَيْهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ

و براو و آل او درود فرست چنانکه بر بندگان شایسته

الصَّالِحِينَ وَ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ بِأَرْبَابِ الْعَالَمِينَ

خود فرستادی و بهتر از آنها ای پروردگار جهانیان

صَلَاةً تَبْلُغُنَا بِرَكَّتَيْهَا وَبِنَا لَنَا نَفْعَهَا وَبُسْتَجَابُ

درودی که برکت آن ببارسد و سود آن طایده ما شود و دعای ما

لَهَا دُعَاؤُنَا إِنَّكَ أَكْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ

ستجاب گردد ای بزرگوارترین کس که همه روی تو آرند

وَكَفَى مَنْ يُؤَكِّلَ عَلَيْهِ وَأَعْطَى مَنْ

و کار گزارنده کس که همه تو تغل بر تو کنند و بخشنده تر کس که

سُئِلَ مِنْ فَضْلِهِ وَأَنْتَ عَلِيٌّ

هر چیزی از فضل تو خواهند و تو بر

كُلِّ شَيْءٍ فَدِيرٌ

هر چیزی توانائی

نماز عید فطر

نماز عید فطر دو رکعت است در رکعت اول حمد و سوره اعلیٰ بخواند و بعد از قرائت

حمد و سوره پنج تکبیر بگوید بعد از هر تکبیر این قنوت را بخواند :

اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَّةِ وَاهْلَ الْجُودِ

ای خدا ای که عظمت و کبریائی شایسته و مخصوص است وجود و بخشش و جلال

وَالجَبْرُوتِ وَاهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاهْلَ

و جبروت بتواختصاص دارد و لایق عفو و رحمت و سزاوار ترس از

الثَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ

عصیان و آمرزش گناہان تویی از تو درخواست میکنم بحق این روز

الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى

که برای مسلمین عید قرار دادی و برای محمد

اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْإِلَهِ ذُخْرًا وَشَرَفًا وَهَزِيدًا أَنْ نُصَلِّيَ

صلی الله علیه وآله ذخیره و شرف و زیادت مقام گردانیدی که درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ

بر محمد و آتش زمستی و مرا هم در هر سعادت

خَيْرٍ آدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

که محمد و آل محمد را داخل گردانیدی داخل سازی و از

تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ

هر بدی که محمد و آل محمد را خارج ساختی مرا نیز خارج

آلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

گردانی که درود بر محمد و آل او باد همه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ

ای خدا من از تو درخواست میکنم بهترین چیزی که بندگان شایسته ات از تو

الصَّالِحُونَ وَأَعُوذُ بِكَ فِيهِ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ

درخواست کرده اند و پناه میبرم تو از آنچه بندگان صالحت

عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ

تو پناه بردند

پس تکبیر ششم بگوید و بر کوع رود و بعد از رکوع و سجود بر خیزد بر رکعت دوم
و بعد از حمد سوره و اتمس بخواند سپس چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر
آن قنوت را بخواند و چون فارغ شد تکبیر پنجم بگوید و بر کوع برود و نماز را تمام
کند و بعد از سلام تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگوید و بعد از نماز عید
دُعای بسیار وارد شده و شاید بهترین آنها دعای چهل و ششم صحیفه
کامله باشد .

تاریخ شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۹۰ هـ

پایان یافت .

نخط: محمد اشرفی « تبریزی »

زیارت وارث

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث عیسی روح «مخلوق» خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث محمد «ص» حبیب خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

سلام بر تو ای وارث سرور مؤمنان

عَلَيْهِ السَّلَامُ الْوَالِدِ اللَّهِ خَلَّ

علیه السلام بر تو ای فرزند محمد

الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى

مصطفی سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای فرزند خدیجه کبری سلام بر تو ای صاحب

بِأَثَارِ اللَّهِ وَابْنِ ثَارِهِ وَالْوَثْرَ الْمُؤْتُونَ رَأْسَهُدُ

خونی که خونجایش خداست و فرزند صاحبان خیمین خونی و ای یگانه قتیله که انتقامش گرفته نژده

أَنْتَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَأَنْبَتَ الزَّكَاةَ وَ

گواهی میدهم که حقا بپاداشتی نماز را و ادا نمودی زکوة را و

أَمَرْتُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُ عَنِ الْمُنْكَرِ

امر ببعروف کردی و نهی از منکر نمودی

وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّىٰ آتَيْتَكَ الْبُقْعَيْنِ

و اطاعت کردی خدا و رسولش را تا که مرا رسید

فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

پس لعنت کند خدا گروهی را که ترا کشتند و لعنت کند گروهی را که

ظَلَمْتَنِي وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ

بر تو ستم کردند و لعنت کند گروهی را که شنیدند کشته شدنت را

فَرَضَيْتُ بِهِ بِأَمْوَالِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ

و آن را خوشنود شدند ای مولای من ای ابا عبد الله گواهی میدهم

أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّاهِدِ وَ

که تو نور بودی در پشتهای بلند مرتبه و

الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ

رحسهای پاک که آلوده نساخت ترا دوران جاهلیت

بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مَدْلِهِمَا ثِيَابَهَا

با پلیدیهایش و نپوشانید ترا از جامه های تیرگیهای خود

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ

و گواهی میدهم که تو از ستونهای دین و از کرانه های قوی

الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْبَرُّ الشَّافِي

مؤمنانی و گواهی میدهم که تو پیشوای نیکو کردار پارسای

الرَّضِيِّ الرَّزْكَانِي الْهَادِي الْمَهْدِي وَأَشْهَدُ أَنَّ

پسندیده پاک رهنمای راه یافته ای و گواهی میدهم که

الْأُمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ النُّقُوءِ وَأَعْلَامُ

پیشوایان از فرزندان تو مجسمه پر هیزکاری و نشانه های

الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ

راهنمایی و وسیله ای محکم و حجت بر اهل دنیا

الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ

هستند و شاهد میگیرم خدا و فرشتگانش و پیغمبرانش

وَسَلِّهِمْ وَأَنْتَ بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِأَبَائِكُمْ مُؤْمِنٌ

و فرستادگانش را که من پیشا گرویده ام و به بازگشت شما یقین دارم

بِشَرَايِعِ دِينِي وَخَوَانِيْمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ

براهمهای دینم و سرانجام کردارم و دلم بدلهای شما

سَلِّمْ وَأَعْرِضْ لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ صَلَوَاتُ اللَّهِ

تسلیم است و کارایم بفرمان شما مطیع است رحمت ای خدا

عَلَيْكُمْ وَعَلَى آرْوَا حِكْمٌ وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ

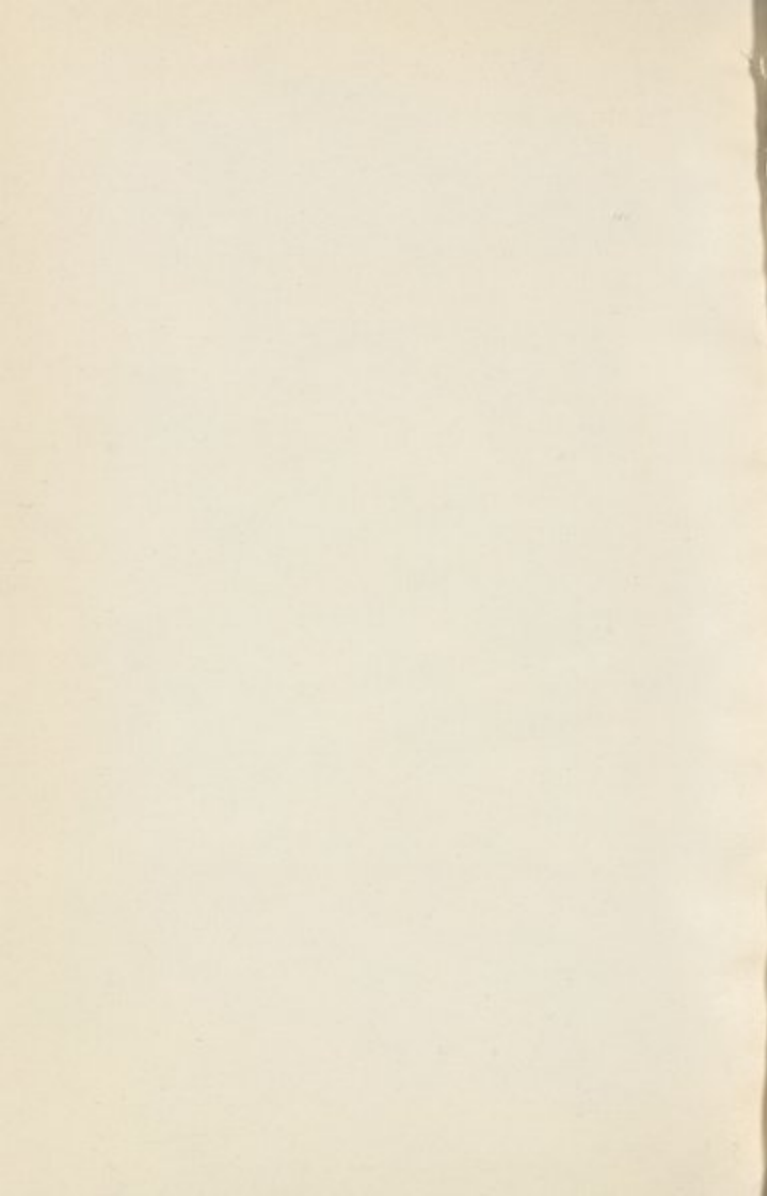
بر شما باد و بر روانهای شما و بر تنهای شما

وَعَلَى أَجْسَامِكُمْ وَعَلَى شَاهِدِكُمْ وَعَلَى

و بر پیکرهای شما و بر حاضر شما و بر

غَائِبِكُمْ وَعَلَى ظَاهِرِكُمْ وَعَلَى بَاطِنِكُمْ

غایب شما و بر ظاهر شما و بر باطن شما .





Princeton University Library



02101 073552323

BP186

.4

.F393

1970z



کانون انتشارات محمدی

تهران خیابان شاه آباد

۷۰ ریال